

بسم الله الرحمن الرحيم

متون روانشناسی به زبان انگلیسی

لغات، اصطلاحات و تکنیک‌های درک مطلب

از سری کتاب‌های جامع روان‌آموز (درس نامه + تست) 

منطبق بر محتوای کلاس‌های جامع روان‌آموز 

شامل تست‌های کنکور سال‌های اخیر 

سه مرحله آزمون جامع کشوری رایگان 

به روز رسانی دائمی در طول سال تحصیلی ۱۴۰۴ 

مقدمه مؤلف

تصور کنید، یک چوب جادویی دارید. سر جلسه کنکور در هوا تکان می‌دهید و بعد اجی مجی لاترجی! همه سوال‌های لغات را بلیدید و با تکنیک‌هایی که یاد گرفتید، به تمامی تست‌های درک مطلب پاسخ می‌دهید! کتاب زبان روان آموز، همان چوب جادویی است. برای نوشتن این کتاب، کنکورهای ارشد روانشناسی سال‌های اخیر را با نرم‌افزارهای تحلیل متن، واژه به واژه بررسی و لغات پرتکرار و تکنیک‌های مفهومی درک مطلب را استخراج کردیم. فرایند هیجان‌انگیزی که ما به شیوه‌ای علمی، انجام دادیم. می‌دانید که یادگیری واژه در بستر و شبکه معنایی تاثیر زیادی در فهم معنای هر کلمه دارد، پس یک قدم جلوتر رفتیم و کلمات را موضوعی دسته‌بندی کردیم. سپس گشتیم و برای هر کلمه مثال مرتبط با روانشناسی از آزمون‌های سال‌های اخیر آوردیم. از مشکلاتی که داوطلبان در زبان با آن مواجه هستند، تعدد منابع، گستردگی مباحث و فرار بودن مطالب است از این رو، وجود کتابی که به طور خلاصه و جامع منابع اصلی این درس را پوشش دهد، ضروری است. ما هر سال آزمون ارشد روانشناسی را کلمه به کلمه تحلیل می‌کنیم و این کلمات و متن‌ها را با لغات و تکنیک‌های معرفی شده در کتاب زبانمان مقایسه می‌کنیم و چه لحظه شیرینی است، وقتی کتاب هر سال ما را رو سفید می‌کند، مثلاً کتاب زبان روان آموز صد در صد تیپ تست‌های کنکور ۱۴۰۳ را پوشش داده بود. (این تطابق‌ها را می‌توانید در سایت روان آموز مطالعه کنید). کتاب حاضر، طی این سال‌ها امتحان خودش را پس داده است. شاید ابتدای کار که خواندن لغات و تکنیک‌ها را شروع می‌کنید، همه چیز کند و دشوار به نظر برسد اما به قول شیخ اجل سعدی: «پس از دشواری آسانی است ناچار، ولیکن آدمی را صبر باید» بی‌شک بعد از مدتی صبر و مداومت شیرینی زبان را با جان و دل حس خواهید کرد. این کتاب کنار شما است تا با ارائه گرامرهای ساختاری در درک بهتر جملات و متن‌ها کمک‌تان کند. در پایان نیز مثل همه این سال‌ها مشتاقانه از نظرات شما برای بهبود کتاب استقبال می‌کنیم. با آرزوی موفقیت و شادکامی.

جلال پریداد، بهار و تابستان ۱۴۰۴

علم هم برای خودش سلسله مراتبی دارد؛ مثلاً اولین سطح علم، چارچوب‌های ثابت‌اند؛ مثل پل‌ها و ساختمان‌ها که مطالعه آن کار مهندسان عمران است. در سطح دوم به ساعت‌واره‌ها می‌رسیم، مثل ساعت و موتور خودرو که بر خلاف سطح قبل، حرکت هم می‌کنند. مهندسی مکانیک این موارد را بررسی می‌کند. در سطح سوم، دستگاه‌های برنامه‌پذیر قرار می‌گیرند؛ مثل ترموستات که علاوه بر حرکت کردن، می‌شود به آن برنامه داد. برنامه‌نویسی کامپیوتر و علم مهندسی کنترل، در این سطح است. سطح بعدی سلول است؛ تک‌یاخته زنده‌ای که مستقلاً می‌تواند تولید مثل کند و با محیط ارتباط برقرار کند. دنیایی خیلی پیچیده‌تر از دنیای مهندسی! رشته‌های زیست‌شناسی و ژنتیک در این سطح از علم فعالیت می‌کنند. سطح بعدی گیاه و اندام‌هاست؛ مجموعه‌ای از سلول‌ها که باهم تقسیم وظیفه می‌کنند و هرکدام کاری را به عهده می‌گیرند. رشته‌های پزشکی و گیاه‌شناسی در این سطح مشغول‌اند. سطح بعدی حیوانات هستند و از اینجا آگاهی آغاز می‌شود؛ جاندارانی که آموزش‌پذیراند و از تجربه‌های قبلی خود درس می‌گیرند. روان‌شناسان رفتارگرا و کسانی که حیوانات را آموزش می‌دهند، در این سطح فعالیت می‌کنند. سطح بعدی فهم و تحلیل هیجانات و رفتار انسان خودآگاه است که به لحاظ پیچیدگی فراتر از تمام علوم پزشکی و مهندسی است و در بالاترین سطوح علم قرار می‌گیرد. جایی که شما با شگفتی‌های ذهن انسان روبه‌رو می‌شوید و مسائلی را حل می‌کنید که علوم پزشکی و مهندسی، نه تنها نمی‌توانند راه‌حلی برایشان ارائه دهند، بلکه حتی ابزاری برای پیدا کردن مسئله ندارند. اینجا آغاز دنیای روان‌شناسی است. خوشحالیم که در رؤیای بزرگ اکتشاف این سرزمین شگفت‌انگیز، قدم به قدم همراه شما هستیم!

روایت از زندگی کن!

مشاوره بروکا

در کنار منبعی قابل اطمینان برای دریافت پاسخ‌های فوری، اهمیت برخورداری از راهنمایی‌های عمیق یک مشاور دلسوز، چیزی نیست که بشود آن را نادیده گرفت. همراهی که برای هر روز از مسیر پیش‌رویتان نقشه‌ای تسهیل‌کننده ترسیم کند و از پستی و بلندی‌های مسیر، به سان فرصتی برای تقویت مهارت‌های شما بهره گیرد. روان‌آموز برای ایجاد پلی بین داوطلبان کنکور کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی با مشاوران تحصیلی متخصص در حوزه تحصیلات تکمیلی، پلتفرم بروکا را ایجاد کرده است. با استفاده از این سرویس، شما و هر داوطلب دیگری پس از مشاهده رزومه تحصیلی مشاورین بروکا، به سادگی قادرید مشاور مورد نظر خود را انتخاب کرده و به کمک او به تمام سؤالات و دغدغه‌هایی که در مسیر کنکور با آن‌ها مواجه شده‌اید، بپردازید. طرح مشاوره بروکا با ایجاد یک چرخه توانمندسازی و تبدیل داوطلب کنکور به مشاور کنکور، یکی از بزرگترین دست‌آوردهای ما در مجموعه روان‌آموز است. از آنجایی که اغلب مشاورین بروکا از رتبه‌برترهای کنکورهای سال‌های گذشته بوده‌اند، با تمام مسائل موجود در مسیر کنکور ارشد و دکتری آشنایی داشته و در نتیجه داوطلبین، پاسخ تمامی سؤالات خود اعم از انتخاب گرایش مورد علاقه، انتخاب مهم‌ترین منابع، روش مطالعه مخصوص هر درس، تکنیک‌های تست‌زنی، ظرفیت‌های پذیرش و ... را از مشاور خود دریافت می‌کنند و با قدم‌های محکم‌تر و مطمئن‌تری مسیر موفقیت خود را پی‌ریزی کرده و مشابه سالیان گذشته حامل برترین رتبه‌های کنکور خواهند بود.

شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد که وقتی برای اولین بار در مسیر جدیدی قدم گذاشته‌اید، ابهام زیاد و ترس از اشتباه کردن، موجب افول از سرعت و کیفیت مطلوبتان شده باشد یا با انتخاب‌های ناآگاهانه پا به بیراهه گذاشته باشید. اصلاً یک وقت‌هایی کار به جایی می‌کشد که باید یک نفر باشد تا کاملاً مستدل و حساب‌شده بتواند پاسخ سؤالات دور و دیرتان را به درستی و از سر حوصله بدهد. در همین راستا بود که SOS، یکی از پروژه‌های تخصصی روان‌آموز، طراحی و راه‌اندازی شد. اکنون ۴ سال از اولین اجرای آزمایشی آن می‌گذرد و جز محبوب‌ترین و راهگشاترین خدمات ما در بین مخاطبینمان شناخته می‌شود. وجه برتری طرح SOS نسبت به هر مشاوره دیگری دسترسی پذیری آن است. شما داوطلبین در هر زمان و هر شرایطی که نیاز به راهنمایی حرفه‌ای در حیطه‌های متنوع کنکور داشته باشید، می‌توانید از طریق تماس تلفنی یا پرکردن فرم مشخصات در سایت روان‌آموز، به مشاورین طرح SOS متصل شوید.

این مشاورین با تجارب ارزشمند و آموزش‌های آکادمیک در حیطه کنکور روان‌شناسی در مقاطع مختلف، آماده ارائه اطلاعات کامل در حوزه‌های متنوعی از جمله انتخاب منابع، روش‌های برنامه‌ریزی، زمان‌بندی و شیوه ثبت‌نام کنکور و ... هستند. شگفتی این طرح در این است که به صورت کاملاً رایگان در حال اجراست. همچنین در پایان هر جلسه ۱۵ دقیقه‌ای با اعلام میزان رضایت خود از مکالمه، می‌توانید ما را در بهبود روند پاسخ‌دهی، یاری کنید.



کتاب‌های جامع

در مسیر ارتقای دانش آکادمیک، هیچ چیز به اندازه مطالعه مستقیم کتاب‌های مرجع، مؤثر نیست؛ با این حال در سال کنکور اوضاع کمی متفاوت است. شما یا هر داوطلب کنکوری برای مدیریت بهینه زمان و انرژی محدود خود و کسب نتایج مقبول، نیاز به عوامل تسریع‌کننده و تسهیل‌گر دارید. یک نمونه بارز از این عوامل، کتاب‌های جامع کمک آموزشی است که با توجه به نیازهای محتوایی شما برای یادگیری عمیق پاسخ‌دهی به تست کنکور و براساس اصلی‌ترین و مهم‌ترین منابع دست اول نگاشته شده‌اند. تحلیل کامل سؤالات سال‌های گذشته و کاوش خط فکری طراحان تست‌های کنکور، پایه و اساس اصلی گزینش و تألیف محتوای آن‌هاست. این منابع، دست برنده هستند که اگر دقیق و کامل به آن‌ها بپردازید، چه داوطلب کنکور ارشد با کارشناسی مرتبط باشید و چه رشته کارشناسی خود را تغییر داده باشید، می‌توانند نسبت به سطح فعلیتان، دانش شما را چندین پله افزایش دهند. همچنین، ساختار یکپارچه و قاعده‌مند آن‌ها در شیوه ارائه محتوا، از جمله مجهز بودن به نمودارهای شماتیک در ابتدای هر فصل، درس‌نامه‌های مفصل، خلاصه‌های پایان فصل مناسب، پاسخ‌های تشریحی طبقه‌بندی شده، متن روان و پوشش گسترده سؤالات کنکور، از نقاط قوت آن‌هاست. ما در روان‌آموز به سبب اعتقادمان به اصلاح مداوم و به مدد تیم گسترده تولید، هر سال دست به ویرایش‌های صوری و محتوایی بنیادین در محصولات چاپی و الکترونیکمان می‌زنیم تا بتوانیم پیوسته و بلاوقفه استانداردهای منطقی و منحصر به فردی را درحیطه تخصصمان ارائه دهیم.



کتاب‌های مرجع

روی صحبت ما با شماست؛ شمایی که به نحوی یا به دلیلی این کتاب را در دست دارید. اگر داوطلب کنکور هستید، اگر دانشجوی روان‌شناسی یا سایر رشته‌های مرتبطید، اگر در این حیطه از تخصص خوبی برخوردارید و یا صرفاً از طرفداران و علاقمندان این علم عمیق هستید، گشت و گذار در میان کتاب‌های مرجع، برایتان خالی از لطف نخواهد بود. این گلزار، معطر به عطر صفحات طیف گسترده‌ای از کتاب‌هایی است که روان‌آموز با هدف ارتقا سطح کیفی دانش شما و تکمیل سبد خریدتان تدارک دیده است. مجموعه‌ای که بدون تردید کتاب‌های نام‌آشنایی مثل هیلگارد و فیرس تا کتاب‌های گمنام‌تری که چه بسا به راحتی قابل دسترسی نیستند را در بر گرفته است. وجود بیش از سه هزار عنوان کتاب مرجع، در کنار کتاب‌های جامع و تألیفی، آن هم با تخفیفات ویژه، فروشگاه روان‌آموز را به مرجعی ایده‌آل و قابل اطمینان بدل کرده است؛ به نحوی که به راحتی و بدون نیاز به مراجعه به سایت‌ها و فروشگاه‌های مختلف، در کمترین زمان ممکن می‌توانید پاسخ همه نیازهای خود را در روان‌آموز بیابید. علاوه بر تنوع فوق‌العاده، موجودی مثبت تمام کتاب‌های مرجع در انبار روان‌آموز، بسته‌بندی منحصر به فرد، تخفیفات قابل ملاحظه روی جدیدترین چاپ و ویراست کتب، ارسال در سریع‌ترین زمان ممکن و برخورداری از خدمات تیم پشتیبانی نیز از دیگر مزایای تهیه کتاب‌های مرجع از فروشگاه روان‌آموز است.



درصد تطابق

می‌دانید که با مطالعه دقیق و کامل کتاب‌های جامع روان‌آموز، می‌توانید در هر درس، درصد بالایی در آزمون کسب کنید. برای تأیید این سخن، روان‌آموز هر سال با ارائه فایل مستندات دقیق، میزان پوشش‌دهی کتاب‌ها را محاسبه و منتشر می‌کند.



برای دانلود فایل مستندات درصدهای تطابق، QR code مقابل را اسکن کنید.

به نظر شما هواپیما چند درصد زمان پرواز را در مسیر از پیش تعیین شده حرکت می‌کند؟ صفر درصد! سیستم خلبان خودکار، در هر ثانیه هزاران بار اختلاف موقعیت فعلی هواپیما را با موقعیتی که باید در آن باشد، محاسبه کرده و دستورهای اصلاحی مورد نیاز را صادر می‌کند. رولف دوبلی در کتاب «هنر خوب زندگی کردن» می‌گوید: اصلاح، یک جزء همیشگی در مسیر زندگی است و رمز بقا و ماندگاری محسوب می‌شود.

ما هم در روان‌آموز هر چند تمام تلاشمان را برای ارائه بی‌عیب و نقص تمام کتاب‌ها انجام می‌دهیم اما معتقدیم، اصلاحات و اضافات را نباید دست‌کم گرفت. علاوه بر اینکه هرساله پس از برگزار شدن کنکور، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات به‌روز در تمامی درس‌ها مطابق با آخرین تغییرات کتاب‌های مرجع و منبع اصلی و شیوه طراحی تست طراحان کنکور می‌کنیم؛ کاری که کمتر مؤسسه‌ای می‌کند، اما باز هم پس از انتشار، این روند را متوقف نمی‌کنیم. مؤلفین و همکاران روان‌آموز همه‌روزه در حال مطالعه و تفحص در باب مباحث علمی و مشاوره‌ای کنکور هستند تا چنانچه محتوا و مطالب جدیدی به دستمان رسید، آن‌ها را با شما نیز به اشتراک بگذاریم. از آن‌جا که ما خود را در قبال داوطلبین و مخاطبینمان متعهد و مسئول می‌دانیم، این پروسه پیچیده و سخت برایمان شیرین و اثربخش است. ما در طول یک سال تحصیلی از این طریق با تمام افرادی که کتاب‌ها را تهیه کرده‌اند در ارتباط خواهیم بود و در صورت لزوم، محتواهای مکمل از جمله مقالات، مطالب علمی جدید و تست‌های مرتبط را در لینک‌های مربوطه بارگذاری خواهیم کرد. لازم به ذکر است استفاده از محتوای مکمل، فقط در همان سال و ویژه داوطلبانی است که کتب چاپ جدید را تهیه کرده‌اند. اطلاع‌رسانی‌ها در مورد انتشار محتوای جدید از طریق کانال‌های روان‌آموز در شبکه‌های اجتماعی انجام خواهد شد.





کلاس‌های نکته و تست

ماه‌های آخر، غالباً مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین بازه برای شماسه؛ بازه‌ای که نیازمند انتخاب‌ها و تصمیمات صحیح و هوشمندانه است. کلاس‌های نکته و تست این امکان را برایتان فراهم می‌کنند تا با سبک و سیاق سؤالات کنکور خو گرفته و با خط مشی طراحان آشنا شوید. در مقابله کلاس‌های جامع که بیشتر متمرکز بر تدریس کامل نکات مهم منابع اصلی هستند و در کنار آن به تست‌ها هم می‌پردازند، کلاس‌های نکته و تست ماهیتشان حل سؤالات کنکور ده پانزده سال اخیر و مرور نکات مهم مطرح‌شده در این تست‌ها است. وجه تمایز مثبت این کلاس‌ها با مطالعه صرف تست‌های کنکور، رفع اشکال با همراهی مدرسان موفق است که به طور کامل به عناوین درسی مربوطه و سؤالات کنکور مسلط بوده و غالباً خود یکی از رتبه‌برترهای سال‌های گذشته بوده‌اند. همچنین این کلاس‌ها مملو از نکات کلیدی و سؤال خیزی است که در حین پاسخ‌گویی به تست‌ها، بازگو می‌شوند و به این ترتیب، این جلسات نه چندان طولانی، بستری مناسب و اثربخش برای جمع‌بندی، مرور و تثبیت مطالب نیز محسوب می‌گردند.



کلاس‌های جامع

یادگیری به طرق مختلفی اتفاق می‌افتد. بعضی اوقات خواندن یک کتاب و گاهی هم دیدن یک کلاس می‌تواند اثرات ژرفی بر ذهن شما بگذارد و تحقق اهدافتان را ملموس‌تر کند. با مشاهده کلاس‌های جامع روان‌آموز، گوش دادن فعال را خواهید آموخت و با همراهی مدرسینی کاربلد با قدرت بیان و سطح سواد بالا، فهم پیچیده‌ترین مطالب برایتان شیرین خواهد شد. کلاس‌های مجازی جامع که در بستر اینترنت و به صورت آنلاین و ضبط شده در استودیو ارائه شده‌است، به مدت یک‌سال قابلیت مشاهده و تکرار نامحدود دارند و با صرفه‌جویی در وقت شما، انتخاب ارزشمندی در دوران کنکور محسوب می‌شوند. در انتهای هر جلسه از این کلاس‌ها، آزمونک‌هایی برگزار می‌شود که هم به تثبیت مطالب کمک کرده و هم ارزیابی مناسبی از میزان فهم و یادگیری‌تان ارائه می‌نماید. پیش از این گفتیم که به روز بودن، از افتخارات روان‌آموز است؛ در همین راستا به‌روزرسانی‌ها و اصلاحاتی که همه ساله در خصوص کلاس‌های جامع ترتیب داده می‌شوند، برای داوطلبانی که قبلاً اقدام به تهیه کلاس‌ها نموده‌اند نیز اعمال می‌گردد.



فلش کارت‌های نارنگی

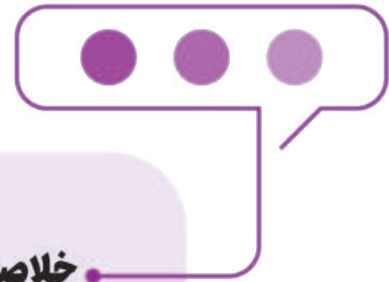
دقیقه‌ها، ارزشمندترین دارایی ما هستند و استفاده بهینه از آن‌ها، رمز موفق شدن در هرکاری است اما همه شما زمان‌های بلااستفاده‌ای دارید که در مسیرهای رفت و آمد، فواصل بین ساعات مطالعاتی، انتظار برای شروع کلاس‌ها و یا حتی در پایان شب و پیش از خواب از دست می‌روند. اینجاست که فلش‌کارت‌های نارنگی در هیبت قهرمان‌هایی کوچک ولی کار راه‌انداز، پا به عرصه میدان گذاشته و شما را از حمل کتاب‌های سنگین و قطور، نجات می‌دهند! فلش‌کارت‌های سؤال و پاسخ کوتاه نارنگی، همیشه همراه شما هستند، فرصت‌هایتان را به بهترین شکل احیا کرده و کمک می‌کنند تا مطالبی را که قبلاً مطالعه کرده‌اید، مرور و ارزیابی کنید. فلش‌کارت‌ها برای ایجاد آمادگی در آزمون‌های مختلف سراسری و کلاسی از جمله کنکور و امتحانات دانشگاهی، بسیار مفیدند و مهم‌ترین نکات کتاب‌های مرجع را به صورت دسته‌بندی‌شده، در عناوین درسی مختلف پوشش داده‌اند. اگر از رتبه‌برترها و نارنگی‌خورده‌های قدیمی‌تر روان‌آموز بپرسید، حتماً به شما خواهند گفت که در روزهای سخت و پرچالش پیش از کنکور، لذت خوردن یک پَر نارنگی آب‌دار، خوشمزه و سرشار از ویتامین، با هیچ چیز دیگری قابل قیاس نیست!



کارگاه‌های آموزشی

هر فصل از داستان زندگی، چالش‌های مخصوص به خودش را دارد. حتی اگر شما پیروز میدان قبلی بوده باشید، برای مبارزه در نبرد امروز، باید دوباره تحت تمرینات حرفه‌ای و درست قرار بگیرید تا ورزیده و آماده شوید. این نزدیک‌ترین و ساده‌ترین استعاره برای موفقیت در کنکور است. خیلی از دوستان شما در سالیان گذشته توانسته‌اند با روش‌های منحصر به فرد خود، موفق به کسب درصدهای بالا و لمس رویاهای تحصیلی و شغلی‌شان شوند؛ شما هم می‌توانید با پیدا کردن مسیر درست، این جاده را با کمترین خطرات پشت سر بگذارید. اما مسیر درست کدام است؟ روان‌آموز که هدفش همراهی همه‌جانبه داوطلبین کنکور و علاقه‌مندان به روان‌شناسی بوده و هست، برای این مرحله هم تدبیری اندیشیده است. ما سعی کرده‌ایم بستری فراهم کنیم تا در طی سال، با برگزاری کارگاه‌های آموزشی متعدد، با موضوعات مختلف و اساتید متخصص، بتوانیم در ایجاد نگرشی واقع‌بینانه و شناختی درست در هر یک از شما نقشی مثبت ایفا کنیم. درون‌مایه کارگاه‌های آموزشی، غالباً مبتنی بر مباحث مشاوره‌ای از جمله ارائه اطلاعات جامع درباره کنکور، بررسی و معرفی رشته‌ها و گرایش‌های مختلف، انتخاب بهترین منابع، چگونگی برنامه‌ریزی و مطالعه متناسب با سبک‌های یادگیری، مدیریت فردی و ... است. دغدغه‌هایی که هر یک از شما در برهه‌های زمانی گوناگون با آن‌ها مواجه هستید، در کارگاه‌های آموزشی روان‌آموز، مورد کالبدشکافی قرار گرفته و سعی می‌شود تا درست‌ترین روش مدیریت این موارد آموزش داده شود. برای اطلاع از زمان برگزاری و شرکت در کارگاه‌های روان‌آموز، از جمله کارگاه بیس‌کمپ کارشناسی ارشد و دکتری روان‌شناسی، حتماً سایت و شبکه‌های اجتماعی ما را دنبال کنید.





خلاصه‌های الکترونیک

روان‌آموز برای شمایی که تمایل به آشنایی و مطالعه کتاب‌های مرجع روان‌شناسی به زبان اصلی دارید اما زمان یا دانش کافی برای مطالعه آن‌ها را ندارید، اقدام به تهیه فایل‌های خلاصه الکترونیک با نام «منشورهای روان‌آموز»، نموده است. کتاب‌های سنگینی که غالباً بیش از هزار صفحه حجم داشته و مطالعه آن‌ها در عمل، بالاخص در کشاکش کنکور، اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار است. تیم ترجمه روان‌آموز، متشکل از مترجمین حرفه‌ای در کنار متخصصین علم روان‌شناسی، به تدوین و تهیه این فایل‌ها مشغول‌اند. فایل‌های الکترونیک روان‌آموز، در کامل‌ترین و در عین حال خلاصه‌ترین شکل و با بیانی رسا و روان، نگاشته شده‌اند و می‌توانند جایگزین مناسب کتاب‌های مرجع برای داوطلبینی باشند که فرصت مطالعه همه منابع را ندارند. علاوه بر این طی چندین سال اخیر، شاهد این بوده‌ایم که بسیاری از اساتید از سراسر کشور، این خلاصه‌ها را به عنوان منبعی برای واحد درسی دانشگاهی نیز معرفی کرده و بازخوردهای بسیار مثبتی داشته‌اند. منشورهای الکترونیک روان‌آموز در عناوین مهم و پرشماری از جمله نظریه‌های شخصیت، روان‌شناسی رشد، آسیب‌شناسی روانی، روان‌شناسی بالینی و ... تألیف شده‌اند. بدین ترتیب شما با صرف کم‌ترین میزان وقت و هزینه، نکات اساسی کتاب‌های مرجع زبان اصلی را تا حد تسلط می‌آموزید. راستی اگر هنوز برای تهیه منشورها مردد هستید باید بگوییم که علاوه بر نمونه‌های کوتاهی که از تمام منشورها در سایتمان موجود است، تا این لحظه دو منشور ارزشمند و پرمخاطب «خلاصه روان‌شناسی رشد و تحول انسان پاپالیا» و «خلاصه روان‌شناسی مرضی تحولی دادستان» هم به صورت کاملاً رایگان، برای استفاده شما عزیزان، در سایت روان‌آموز قرار گرفته است.



آزمون‌های جامع آزمایشی

اگر همراه چندین و چند ساله ما باشید حتماً به خاطر دارید که همیشه بزرگ‌ترین موفقیت‌هایمان را از صمیم قلب با شما شریک شده‌ایم تا طعم شیرین شادی‌ها چند برابر شود. داستان کمپین تستیک هم از همین‌جا آغاز شد. وقتی شما، که مرهون محبت‌های مدامتان هستیم، از اثرات مثبت بی‌اندازه‌ای گفتید که شرکت در آزمون‌های آزمایشی جامع روان‌آموز بر مسیر قبولیتان در کنکور گذاشته بود. این آزمون‌ها پس از تحلیل‌های عمیق، با ارائه تست‌های شبیه‌ساز کاملاً استاندارد و همسو با نگرش طراحان کنکور، فرصت خوبی را فراهم کرد تا داوطلبین سال‌های گذشته، نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی کرده و عملکرد خود را محک بزنند. همان‌طور که گفتیم، امسال برای دومین سال با هدف دسترسی‌پذیری طیف گسترده‌ای از داوطلبین کنکور از سراسر کشور به این خدمت ویژه و کسب نتایج دلخواه، شرکت در سه مرحله آزمون آزمایشی جامع برای تمام مخاطبین کتب روان‌آموز رایگان شد. با فراهم کردن این بستر و عملیاتی شدن این کمپین مبتنی بر تست‌زنی صحیح برای آمادگی در کنکور ۱۴۰۵، آزمون‌های آزمایشی با جامعه آماری بی‌سابقه‌ای خواهیم داشت که نتایج آن تا حدود بسیار زیادی به واقعیت نزدیک بوده و پیش‌بینی نسبتاً دقیقی از وضعیت هر داوطلب در بین سایرین به دست می‌دهد. این سوپرایز ویژه، هدیه‌ای است از جانب روان‌آموز تا به سان همیشه که همراهی مشتاقانه‌اش را ثابت کرده، باز هم به شما یادآور شود که در این مسیر چیزهای بسیار مهم‌تری از مسائل مادی وجود دارد که تا بتوانیم و دستانمان برسد در سبد اخلاص تقدیمتان خواهیم کرد. به یاد داشته باشید که آزمون‌های آزمایشی، معیاری برای کیفیت مطالعه در سال کنکور هستند. با شرکت در آزمون‌های آزمایشی روان‌آموز، تجربه فضای جلسه کنکور را خواهید داشت و زمان‌بندی صحیح را نیز می‌آموزید. این آزمون‌ها به صورت مجازی و آنلاین برگزار می‌شوند و یکی از برجسته‌ترین مزیت‌هایشان، دفترچه‌های پاسخ تشریحی است که پس از هر آزمون در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌گیرد. گنج‌نامه‌ای که تمام نکات مهم و کلیدی مباحث کنکوری را در بر گرفته و در جمع‌بندی و مرورهای آخر بسیار ثمربخش است. برای فعال کردن کوپن شرکت در آزمونتان، کافی است پس از ورود به لینک زیر، کد یکبار مصرف درج شده در صفحه شانزدهم کتاب را وارد کرده و فرم اطلاعات فردی را تکمیل کنید؛ سپس منتظر اطلاع‌رسانی‌های بعدی ما در بازه زمانی یک هفته پیش از هر آزمون باشید.

مرجع آموزش روانشناسی

کمپین مسئولیت اجتماع



تستیک

استیکرهای اختصاصی

در سال کنکور که همه شما نه تنها تحت فشار مطالعاتی زیاد هستید، بلکه فشار روانی سنگینی را هم متحمل می‌شوید و بازه‌ای بسیار حساس و سرنوشت‌ساز را پیش رو دارید، آنچه از اهمیت حیاتی برخوردار است، حفظ روحیه از طریق تقویت انگیزه است. روان‌آموز با طراحی استیکرهای اختصاصی با محوریت روان‌شناسی، در شمایی جذاب و فانتزی و با کیفیت متریال بالا در تلاش برای رفع این نیاز برآمده است. این استیکرها در طرح‌ها و رنگ‌های متنوعی عرضه شده‌اند و به راحتی قابل نصب در صفحات کتاب، پشت گوشی، میز مطالعه و ... هستند. پوسته چرمی، خاصیت ضد آب و ضد خش، دوام بالا و جذابیت بصری این رده از محصولات، محرک خوبی برای انگیزه و تلاشتان خواهد بود. علاوه بر این استیکرهای روان‌آموز می‌توانند انتخاب بسیار خوب و خوشحال‌کننده‌ای برای هدیه دادن به دوستان روان‌شناسان نیز باشند.



پوسترهای آموزشی

برداشتن گام‌های نو و گشودن مسیرهای بن‌بست، از چالش‌های موردعلاقه تیم روان‌آموز بوده و هست. ما همواره و پیوسته با اشتیاقی وصف‌ناشدنی در پی درنوردیدن قله‌های مرتفع پیش‌روییم و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نخواهیم کرد. پوسترهای آموزشی نیز، نمونه‌ای موفق از ابتکاری مدرن برای شما مخاطب سخت‌پسند امروزی است که علاوه بر کاربردهای فزاینده در یادگیری و باز یادآوری دانش عمیق روان‌شناسی، از منظر زیبایی‌شناسانه نیز تجلیگر خلاقیت و ذوق مصرف‌کنندگان است. به جرئت می‌توان گفت این اولین باری است که در سطح کنکور کارشناسی ارشد و دکتری روان‌شناسی چنین ایده‌ای اجرایی می‌شود. در برشمردن ویژگی‌های برجسته این محصولات می‌توان به تسهیل مرور و تکرار مداوم، تثبیت فرآیند یادگیری، جمع‌بندی دقیق و جزیه‌جز، حداکثر استفاده از حافظه تصویری، دسته‌بندی‌های ساده و قابل فهم، متمرکز بر نکات مهم کنکوری و قیمت به‌صرفه و کیفیت مناسبشان اشاره کرد. خالی از لطف نیست اگر دیوار اتاق هر روان‌شناسی خواننده‌ای مزین به این مفاهیم کلیدی و پرتکرار باشد.



برای مشاهده و سفارش این محصولات، QR code مقابل را اسکن کنید.

ستاره‌های روان آموز

نام و نام خانوادگی	رتبه کشوری در گرایش	سال	نام خانوادگی	رتبه کشوری در گرایش	سال
پارسا کفشچی	۱ بالینی - ۱ بهداشت روان - ۱ سلامت	۱۴۳	مهتاب شریفیه	۱۸ بالینی - ۴۹ عمومی	۱۴۱
حدیثه حسینی	۱ بالینی - ۲ روان سنجی - ۱۱ عمومی - ۲۲ کودکان	۱۴۳	هدی ملاحسینی	۱۸ تربیتی	۱۴۲
زهره قاسمی	۱ بالینی - ۲ عمومی - ۵ کودکان - ۸ روان سنجی - ۲۳ تربیتی	۱۴۱	نیکناز اتحاد	۱۸ کودکان - ۳۷ عمومی	۱۴۲
فانزه قدمی	۱ بالینی	۱۳۹۸	آرزو رنجبر مقدم	۱۹ بالینی کودک - ۲۱ بالینی - ۲۹ سلامت	۱۳۹۹
نیما فریدنی	۱ تربیتی - ۴۷ کودکان	۱۳۹۹	مجتبی احمدیان	۱۹ بالینی - ۲۳ روان سنجی - ۲۷ عمومی - ۴۶ کودکان	۱۴۲
مرضیه رحیمی	۱ کودکان - ۱۸ روان سنجی - ۲۱ تربیتی	۱۴۲	فاطمه عموزاده	۱۹ بالینی	۱۴۰۰
زهره حسنی	۲ بالینی - ۲ بالینی کودک - ۲ بهداشت روان - ۲ سلامت	۱۴۳	زینب جعفری	۱۹ روان سنجی - ۳۰ عمومی - ۴۸ کودکان	۱۴۲
مهرناز یوسفی	۲ بالینی - ۶ عمومی - ۱۵ کودکان - ۲۲ روان سنجی	۱۴۱	مهسا کشاورز	۲۰ بالینی	۱۴۰۰
مهسا محمدی	۲ عمومی - ۹ بالینی	۱۳۹۹	محدثه غفاری	۲۰ عمومی - ۲۸ کودکان - ۳۷ روان سنجی - ۴۸ بالینی	۱۴۳
معصومه حسینی عبد	۲ تربیتی - ۲۵ کودکان	۱۴۲	نازنین سلیمی	۲۰ عمومی - ۳۲ کودکان - ۴۸ بالینی	۱۴۲
پارسا کفشچی	۳ بالینی - ۳۷ عمومی - ۴۷ روان سنجی	۱۴۳	حاجیه قمی	۲۰ کودکان - ۲۸ عمومی	۱۴۲
فریبا میری	۳ بالینی - ۱۰ عمومی - ۳۹ کودکان	۱۳۹۸	علیرضا باغبان	۲۰ روان سنجی	۱۴۱
آرین عمرانی	۳ عمومی - ۵ بالینی - ۱۴ روان سنجی - ۴۰ کودکان	۱۴۳	حاجیه پورقوام	۲۲ بالینی - ۲۶ عمومی	۱۴۲
سحر ابراهیمی فرد	۳ روان سنجی - ۲۵ کودکان	۱۴۳	سپهر سلیمیان	۲۳ عمومی - ۳۷ روان سنجی - ۴۶ بالینی	۱۴۲
لجمله نوری	۳ روان سنجی	۱۴۰۰	کیما ابراهیمی	۲۴ عمومی	۱۴۲
مجتبی حدائق	۴ بالینی - ۸ عمومی - ۱۲ روان سنجی - ۲۳ کودکان - ۳۰ تربیتی	۱۴۱	رحانه قائم مقامی	۲۵ بالینی	۱۴۲
امیرحسین ارفع رحیمیان	۴ عمومی - ۶ بالینی - ۱۰ روان سنجی - ۱۳ کودکان	۱۳۹۹	سیمنا قاسمی	۲۵ عمومی	۱۴۳
فاطمه جمالی نوروززادی	۴ عمومی - ۵ روان سنجی - ۶ کودکان - ۱۰ بالینی - ۳۲ تربیتی	۱۴۳	علی جعفری	۲۶ تربیتی	۱۴۳
مهدیه ابوطالبی	۴ تربیتی	۱۴۳	ویدا کوهپیمای	۲۷ بالینی - ۲۸ بالینی کودک - ۳۱ بهداشت روان	۱۴۱
سارا صابری	۴ کودکان - ۸ عمومی - ۱۲ بالینی - ۱۲ روان سنجی	۱۴۰۰	علی جولایی	۲۷ کودکان - ۳۰ روان سنجی	۱۴۰۰
فاطمه بهبودی	۴ کودکان - ۱۱ روان سنجی	۱۳۹۹	نیکو صیوری	۲۷ تربیتی	۱۴۱
زینب صالح زاده	۵ بالینی کودک - ۵ سلامت - ۷ بالینی - ۱۵ بهداشت روان	۱۴۲	رحانه گل گوشت	۲۸ بالینی - ۲۸ عمومی - ۳۴ کودکان - ۴۸ روان سنجی	۱۴۱
فاطمه شاکری	۵ بهداشت روان - ۹ سلامت - ۱۲ بالینی - ۱۸ بالینی کودک	۱۴۲	نسا ننهانی	۲۸ عمومی - ۵۰ بالینی	۱۴۳
فرزانه قیومی	۵ بالینی - ۳۲ عمومی - ۳۸ روان سنجی	۱۴۱	عالیه مرادی	۲۸ عمومی	۱۴۰۰
محمدعلی حائری	۵ بالینی - ۴۰ عمومی	۱۴۰۰	روشان موسوی	۲۸ روان سنجی - ۳۵ بالینی - ۳۶ عمومی	۱۴۳
رویا نجارباشی	۵ عمومی - ۸ روان سنجی - ۳۱ کودکان - ۴۶ تربیتی	۱۴۳	زهره قیومی محمدی	۲۹ تربیتی	۱۴۲
علی سلیمی	۵ عمومی - ۱۲ بالینی - ۳۴ کودکان - ۳۴ روان سنجی	۱۴۱	فاطمه بجابی	۳۱ بالینی	۱۴۱
علیرضا محمودی	۵ عمومی - ۹ روان سنجی - ۱۱ کودکان - ۱۶ بالینی - ۲۵ تربیتی	۱۴۰۰	ملیکا بهرامی	۳۱ بالینی	۱۳۹۹
زهره آقا جانی	۵ کودکان - ۳۲ عمومی - ۳۵ بالینی	۱۳۹۹	شیوا عباس زاده	۳۱ عمومی - ۴۷ بالینی	۱۴۱
زهره قاسمی	۶ بهداشت روان - ۱۰ سلامت - ۱۶ بالینی - ۱۶ بالینی کودک	۱۴۱	مهدی میرویان	۳۲ بهداشت روان - ۳۶ سلامت - ۵۰ بالینی	۱۴۰۰
انوشا ناصر طاهری	۶ عمومی - ۷ بالینی - ۸ روان سنجی - ۱۰ کودکان - ۲۷ تربیتی	۱۴۰۰	نقیسه طاهرینا	۳۲ عمومی - ۳۹ بالینی	۱۴۳
نیما ربیعی	۶ عمومی - ۲۸ روان سنجی	۱۴۲	مریم علوی	۳۲ عمومی	۱۴۲
علیرضا باغبان	۷ بهداشت روان - ۱۸ سلامت - ۳۴ بالینی - ۳۴ بالینی کودک	۱۴۱	فاطمه شاکری	۳۳ عمومی	۱۴۲
امیرمهدی امرانی	۷ بهداشت روان - ۲۳ سلامت	۱۴۱	زهره سیدمیری	۳۴ عمومی - ۳۷ بالینی	۱۴۲
ساینا فتح الله زاده	۷ سلامت - ۸ بهداشت روان - ۱۰ بالینی - ۱۰ بالینی کودک	۱۳۹۹	فاطمه مشکوری	۳۴ عمومی	۱۴۲
علیرضا زارع	۷ عمومی - ۱۱ بالینی - ۱۷ روان سنجی - ۲۳ کودکان	۱۴۲	نگار موسیوند	۳۴ روان سنجی - ۴۳ عمومی - ۴۶ بالینی	۱۴۲
سارا جلوداری	۷ عمومی - ۱۵ کودکان - ۲۳ روان سنجی - ۴۴ بالینی	۱۴۰۰	پریسا کیاد	۳۵ کودکان - ۴۲ روان سنجی	۱۴۱
مرضیه زمانی	۷ تربیتی	۱۴۱	سپیده کاربان	۳۷ بالینی	۱۴۰۰
ندا قلی پور	۸ بالینی - ۸ بالینی کودک - ۹ سلامت - ۱۰ بهداشت روان	۱۴۱	حسین اعلا	۳۸ عمومی - ۴۰ بالینی	۱۴۰۰
زینب صالح زاده	۸ بالینی - ۸ عمومی - ۱۴ کودکان - ۱۵ روان سنجی	۱۴۲	محمدتقی صانعی فر	۳۸ تربیتی - ۴۱ عمومی - ۴۹ کودکان	۱۴۳
لجمله نوری	۹ بالینی کودک - ۱۱ بالینی - ۱۵ سلامت - ۲۱ بهداشت روان	۱۴۲	مهدی شایسته پور	۳۸ روان سنجی - ۵۰ کودکان	۱۴۲
زهره احمدی	۹ بالینی - ۳۸ کودکان - ۴۰ عمومی - ۵۴ روان سنجی	۱۴۱	فاطمه کشاورز	۳۹ بالینی	۱۴۲
سعید پایدار فرد	۹ عمومی - ۲۹ روان سنجی - ۳۰ کودکان - ۳۶ بالینی	۱۴۰۰	رحانه نصرتی	۳۹ عمومی	۱۴۲
سینا فخرزاده	۹ کودکان - ۳۵ تربیتی - ۳۸ روان سنجی	۱۴۳	یاسمن کریمی	۳۹ عمومی - ۴۳ روان سنجی - ۵۰ کودکان	۱۴۱
امیرحسین حیدری	۹ روان سنجی - ۱۱ عمومی - ۲۶ بالینی - ۲۹ کودکان - ۴۴ تربیتی	۱۴۲	فاطمه برزی	۳۹ کودکان - ۴۷ عمومی	۱۴۱
فاطمه جمالی	۱۰ بالینی - ۳۵ عمومی	۱۴۲	زهره نجیبی	۳۹ روان سنجی	۱۴۱
پریسا شاه حسینی	۱۰ تربیتی	۱۴۳	فرزانه عبدی	۴۰ بالینی	۱۴۱
مهسا هونجانی	۱۱ بالینی	۱۳۹۸	سمانه مرادی گلریز	۴۰ عمومی - ۴۱ بالینی	۱۴۳
نگین قاسمی	۱۲ بالینی - ۲۲ روان سنجی	۱۴۳	فاطمه جعفری رابنی	۴۱ بالینی	۱۴۲
سپیده سمائی	۱۲ بالینی - ۳۹ عمومی	۱۳۹۹	فاطمه کرمانی	۴۱ بالینی - ۴۲ عمومی	۱۴۱
گلناز حسن زاده	۱۲ عمومی - ۱۲ تربیتی	۱۴۲	سهیل ابوسعدی	۴۰ کودکان	۱۴۱
پریا الفتی	۱۲ عمومی - ۱۴ روان سنجی - ۲۴ بالینی - ۲۷ کودکان - ۳۴ تربیتی	۱۴۱	فاطمه خسروانجام	۴۲ بالینی - ۴۸ عمومی - ۵۰ کودکان	۱۴۰۰
مریم آرین فرد	۱۲ کودکان - ۳۴ بالینی - ۳۹ عمومی - ۴۴ روان سنجی	۱۴۳	علی خدایانه	۴۳ عمومی	۱۴۱
نگین قاسمی	۱۳ بالینی کودک - ۱۵ بالینی - ۱۸ سلامت - ۳۱ بهداشت روان	۱۴۳	نرگس قهرانی	۴۴ بالینی	۱۳۹۹
زهره کریمی فرد	۱۳ بالینی	۱۴۲	شقایق کارگر	۴۴ کودکان	۱۴۳
زینب قاسمی	۱۳ بالینی	۱۳۹۸	شقایق احمدی	۴۴ کودکان - ۴۶ تربیتی	۱۴۲
سینا صبور	۱۳ عمومی - ۲۱ روان سنجی - ۲۶ بالینی - ۳۹ کودکان	۱۴۰۰	فاطمه ایمانی	۴۵ عمومی	۱۴۰۰
فاطمه نیکدار اصل	۱۳ کودکان	۱۴۳	محمد مهدی اکبرزاده	۴۶ بالینی	۱۴۱
سارا الله وردی	۱۴ بالینی - ۲۲ عمومی - ۳۱ روان سنجی - ۴۲ کودکان	۱۳۹۹	مریم میراشه	۴۷ بالینی	۱۴۰۰
محمد رضا عمومی	۱۴ عمومی - ۱۴ روان سنجی - ۲۴ بالینی - ۳۷ کودکان	۱۴۲	سیدوحید جاهدی	۴۷ کودکان	۱۴۳
نیما خوش فطرت	۱۵ عمومی - ۱۷ روان سنجی - ۲۳ کودکان - ۳۶ تربیتی - ۳۹ بالینی	۱۴۱	وحید جاهدی	۴۷ کودکان	۱۴۲
رفیقه حکیمی	۱۶ تربیتی	۱۴۳	یاسمن امیری	۴۷ روان سنجی	۱۴۲
فاطمه شاه حیدری پور	۱۷ بالینی - ۲۷ روان سنجی - ۴۱ عمومی - ۴۹ کودکان	۱۴۲	کوثر یوسفی	۴۸ بالینی	۱۴۰۰
طلاها سلاجقه	۱۷ بالینی	۱۳۹۹	زهره کارگر	۴۸ تربیتی	۱۴۲
محمد ذاکری نژاد	۱۷ عمومی - ۱۸ بالینی - ۳۳ کودکان - ۳۳ روان سنجی	۱۴۱	زهره نیایش راد	۴۸ تربیتی	۱۴۱
فاطمه اسماعیلی	۱۷ تربیتی	۱۴۲	آیسودا راکتی	۵۰ تربیتی	۱۴۳
نیما خوش فطرت	۱۷ روان سنجی - ۲۳ کودکان - ۳۶ تربیتی - ۳۹ بالینی	۱۴۱			



برای اطلاع از ستاره‌های سال ۱۴۰۴ روان آموز، QR code مقابل را اسکن کنید.
راستی تا به حال از خودتان پرسیده‌اید چرا شما یکی از هزار هزار ستاره ما نباشید؟!

داوطلب وزارت علوم
داوطلب وزارت بهداشت

دوازده

نظرات رتبه برترها

پارسا کفشچی - رتبه ۱ کنکور ۱۴۰۳

از کتاب‌های مختلف روان‌آموز مخصوصاً رشد، علم‌النفس و پکیج ایستگاه آخر استفاده کردم که نظم خوبی به ذهنم داد و خیلی بهم کمک کرد. ایستگاه آخر دقیقاً شبیه دفترچه‌های کنکوره و اضطراب کنکور رو کم می‌کنه.

معصومه حسینی عبد - رتبه ۲ کنکور ۱۴۰۲

آزمون‌های آزمایشی روان‌آموز، زمینه خوبی برای رقابت و سنجش آموخته‌هام فراهم کرد و فهمیدم برای بهبود رتبه‌ام باید کدوم منابع رو مطالعه کنم. پکیج ۱۰ سال کنکور روان‌آموز هم فرصت خوبی برای جمع‌بندی در روزهای پایانی بود.

زینب صالح‌زاده - رتبه ۸ کنکور ۱۴۰۲

هیچ دانشجوی روان‌شناسی نیست که روان‌آموز رو نشناسه. من هم از ابتدا می‌دونستم که روان‌آموز، بهترین کتاب‌ها رو در حوزه کنکور داره و اغلبشون رو داشتم و برام خیلی مفید بود. حتی در کنکور بهداشت هم خیلی کمکم کرد و اونجا هم رتبه ۷ بالینی شدم. روان‌آموز برایم یک راهنما و منبع مطمئن بود و از پیجش حال خوب می‌گرفتم.

محمد احمدوند - رتبه ۱۲ کنکور ۱۴۰۱

خوشبختانه پوشش جامع کتاب‌های روان‌آموز باعث شد که بی‌نیاز از مطالعه منابع اولیه باشم؛ این مسئله به ویژه درباره کتاب آسیب‌شناسی روانی صدق می‌کرد.

مرضیه زمانی - رتبه ۷ کنکور ۱۴۰۱

یک بار در آزمون آزمایشی شرکت کردم که در ترتیب پاسخ‌گویی به دروس خیلی کمکم کرد. فلش‌کارت‌های نارنگی رو داشتم. از کارگاه رشد خانم خجوی هم استفاده کردم. همچنین ممنونم از شون که به سری خدمات آموزشی در سایت روان‌آموز رو رایگان در اختیار داوطلبین قرار می‌دن.

سینا محمدباقری - رتبه ۳ کنکور ۱۴۰۰

با توجه به پراکندگی منابع، حجم گسترده و محدودیت زمانی که داشتم، دنبال یک منبع جامع و در عین حال اقتصادی می‌گشتم و در نهایت کتاب روان‌آموز رو انتخاب کردم و کاملاً راضی بودم.

فاطمه ایمانی - رتبه ۴۵ کنکور ۱۴۰۰

کلاس‌های بالینی و رشد خانم خجوی عبور از چالش رو برام ممکن کرد. بازخورد خوبی هم از یادگیریم می‌گرفتم. رشد سه برابر درصدهام رو نشون می‌داد. تمام مطالب سخت و مبهمی که برام وجود داشت با توضیحات عمیق خانم دکتر به نقطه قوت تبدیل شدن. مؤسسه روان‌آموز با تمام کتاب‌ها و کلاس‌ها و فلش‌کارت‌ها یک مرجع بی‌کم و کاست برای کنکور روان‌شناسیه.

انوشا ناصرطاهری - رتبه ۶ کنکور ۱۴۰۰

مطالعه برای ارشد روان‌شناسی رو از سایت روان‌آموز شروع کردم. رفرنس‌های معرفی شده رو پیدا کردم و خوندم. از کتاب‌های روان‌آموز استفاده کردم و راضی بودم چون پوشش‌دهی خوبی از نکات اصلی داره.

حدیثه حسینی - رتبه ۱ کنکور ۱۴۰۳

رشد، بالینی و آسیب روان‌آموز رو خوندم که پوشش خیلی خوبی داره و کافیه. کلاس‌ها هم همین‌طور. روان‌آموز تو سال کنکور یه دلگرمیه.

فائزه جمالی - رتبه ۴ کنکور ۱۴۰۳

روان‌آموز بهترین همراه سال کنکوره. مهم‌ترین ویژگیش هم اینه که آدم رو از خوندن منابع متعدد نجات می‌ده. من فقط کتاب‌های روان‌آموز رو چندین بار خوندم و آزمون رو شرکت کردم. خب نتیجه هم گویاست. نیاز به مطالعه هیچ کتاب دیگه‌ای نیست.

مرضیه رحیمی - رتبه ۱ کنکور ۱۴۰۲

با روان‌آموز از طریق خواهرم آشنا شدم که قبل از من کنکور کارشناسی ارشد داده بود. من، هم از کتاب‌ها و هم فلش‌کارت‌های نارنگی استفاده کردم و خیلی بهم کمک کردن. برای جمع‌بندی هم کلاس روان‌شناسی عمومی روان‌آموز برای مرور مطالب، خیلی مفید بود و همشون رو به بچه‌ها پیشنهاد می‌کنم.

علیرضا زارع - رتبه ۷ کنکور ۱۴۰۲

دوستی که منابع رو بهم معرفی کرد، از روان‌آموز به عنوان منبع معتبر و قابل اطمینانی یاد کرد. من هم از کتاب رشد روان‌آموز، کلاس مجازی انگیزش و هیجان و همین‌طور تست‌های تألیفی آسیب و بالینی استفاده کردم که خیلی خوب بود و بهم کمک کرد.

زهرا قاسمی - رتبه ۱ کنکور ۱۴۰۱

اصلاً باور نمی‌کردم همونطور که در آزمون جامع روان‌آموز رتبه تک‌رقمی شدم، در کنکور واقعی هم همینطور بشه. من از کتاب‌ها، کلاس‌ها و فلش‌کارت‌های نارنگی خیلی استفاده کردم و به نظرم واقعاً اثرگذار بود.

مجتبی حدائق - رتبه ۴ کنکور ۱۴۰۱

کلاس‌های رشد و بالینی خانم دکتر خجوی خیلی جامع مباحث رو پوشش می‌دادن و من دو هفته آخر برای دوره و مرور بهشون تکیه کردم و برای شخص من خیلی مفید و کاربردی بودن.

زهرا احمدی - رتبه ۹ کنکور ۱۴۰۱

من از کتاب‌ها و کلاس‌های روان‌آموز استفاده کردم. قطعاً نقش پررنگی در این مسیر داشت و اگر این کتاب‌ها به این خوبی تألیف نمی‌شدند، جمع‌آوری این نکات از کتب مختلف قطعاً کار طاقت‌فرسا و غیرممکنی بود. آزمون جامع مرحله یک رو هم شرکت کردم و در اون آزمون به نظرم سؤال‌های خیلی خوبی طرح شده بود.

سارا صابری - رتبه ۴ کنکور ۱۴۰۰

از همه محصولات روان‌آموز از جمله کلاس رشد و بالینی و کتاب‌ها استفاده کردم. واقعاً ممنونم که در سال کنکور نه مثل مؤسسه‌های کنکوری، بلکه مثل یک دوست واقعی کنارمون بودن.

محمدعلی حائری - رتبه ۵ کنکور ۱۴۰۰

لازم می‌دونم که یک تشکر ویژه از مجموعه روان‌آموز داشته باشم که واقعاً در موفقیت من مؤثر بود و به کنکوری‌های آینده هم کتاب‌ها و جزوات و مخصوصاً فلش‌کارت‌های نارنگی روان‌آموز رو پیشنهاد می‌کنم.

سارا جلوداری - رتبه ۷ کنکور ۱۴۰۰

من خیلی خوشحالم که در مسیر کنکور روان‌آموز رو کنارم داشتم؛ چون تیم کاملیه، چه از نظر منابع درسی و کلاس‌های آنلاین و چه از نظر طرح‌های مشاوره، انتخاب مناسبیه.

اگر مایلید مصاحبه‌های روان‌آموز با رتبه‌های تک‌رقمی را ببینید و از سرگذشت رتبه‌های برتر در سال کنکورشان مطلع شوید، QR code مقابل را اسکن کنید.



Raymond Murphy (2002). *English grammar in use*. Cambridge University Press.

Diana Hopkins, Pauline Cullen (2007). *Cambridge Grammar for IELTS Without Answers*. Cambridge University Press.

Educational Testing Service (2009). *The Official Guide to the TOEFL Test*. McGraw-Hill.

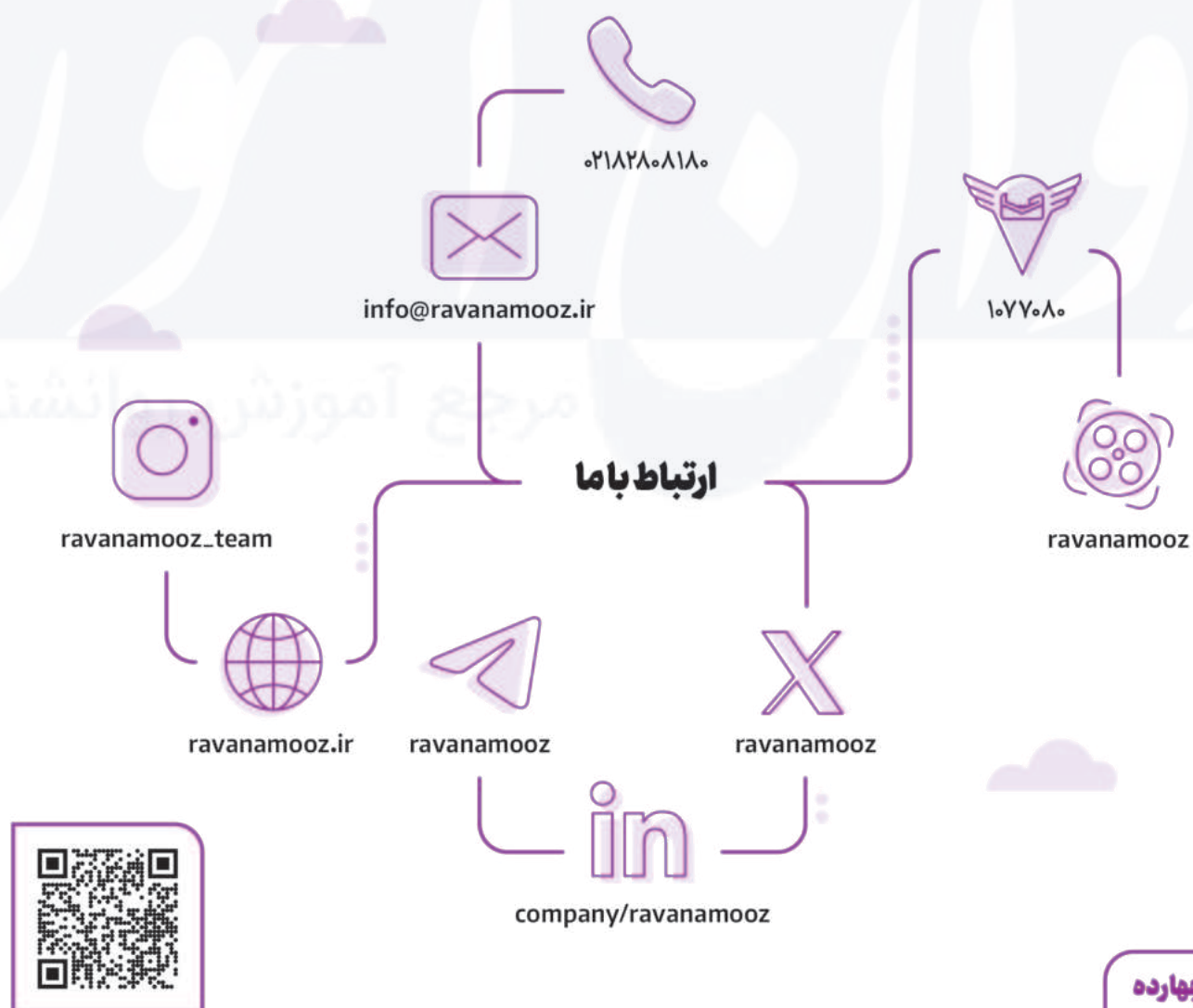
Educational Testing Service (2008). *The Official Guide to the New TOEFL IBT*. McGraw-Hill Education

Lin Lougheed (2016). *IELTS Superpack*. Barrons Educational Series.

Els Van Geyte (2012). *Collins Reading for IELTS*. HarperCollins Publishers

Betty Schramper Azar (2017). *Understanding and Using English Grammar*. CreateSpace Independent Publishing Platform.

سؤالات کنکور سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ سازمان سنجش



فصل صفر	۱۷
فصل ۱/ درک مطلب	۲۱
فصل ۲/ تکنیک‌های درک مطلب	۳۸
فصل ۳/ متون روانشناسی و پاسخ تشریحی	۴۴
فصل ۴/ لغات پایه به روش D.E	۲۱۵
فصل ۵/ عکس و مکث	۲۶۷
فصل ۶/ مروری بر لغات احتمالی کنکورهای آتی	۲۸۴
فصل ۷/ اشکال سه‌گانه افعال مهم	۲۸۹
فصل ۸/ واژگان، اصطلاحات عمومی و تخصصی مهم متون روانشناسی	۲۹۴
فصل ۹/ پرکاربردترین قیده‌ها در متون روانشناسی	۳۰۵

فهرست مطالب

خوشحالیم که روان‌آموز را انتخاب کرده‌اید و در مسیر تبدیل شدن به یک روانشناس خبره، فرصت در کنارتان بودن را داریم. تمام تلاش ما این است که همراه بهتری باشیم.

حالا که به انتهای این فهرست رسیده‌اید برای بهبود این همراهی، به همکاریتان نیاز داریم. حتی یک ایده که به نظر خودتان شاید خیلی کوچک بیاید، ممکن است برای ما حسابی راهگشا باشد. در این لینک می‌توانید ایده‌هایتان را با ما به اشتراک بگذارید. یک فرم نظرسنجی هم خواهید دید که پاسخ‌گویی به آن، با جوایز ارزنده‌ای همراه است که پس از کنکور به قید قرعه تقدیم خواهد شد. برای ثبت ایده یا شرکت در نظرسنجی QR code را اسکن کنید.



داستان یک سفر

امید داریم لذت گشت و گذار در دنیای این کتاب به جانتان بنشیند. خوشحال می‌شویم اگر قبل از شروع کتاب، اهداف و رؤیاهای خود را در این زمینه بنویسید و عکس این صفحه را برای شرکت در کمپین داستان یک سفر و دریافت جوایز ارزنده، برای ما ارسال کنید.

کوپن اختصاصی ثبت نام رایگان آزمون‌های آزمایشی جامع روان آموز

پس از اسکن QR code، نوار زیر را خراشیده و سپس از کد یک بار مصرف مربوطه برای ثبت نام استفاده کنید.



همان طور که می‌دانید، درس زبان در کنکور کارشناسی ارشد روانشناسی فقط از متن تشکیل شده است (پنج یا شش متن با سی سؤال) و واضح است که زیربنای هر متنی را مجموعه‌ای از لغات تشکیل می‌دهد. در نتیجه، تقویت بنیه لغوی اولین گام برای پاسخ‌گویی به سؤالات درس زبان در کنکور است که در این قسمت ابتدا اصول یادگیری لغات را بررسی و سپس به آموزش پیشوندها و پسوندها می‌پردازیم.

اصول یادگیری لغات به این روش عبارت‌اند از:

(۱) استفاده از هم‌پوشانی‌های لغوی زبان انگلیسی و زبان فارسی (استفاده از زبان مادری) برای سهولت در یادگیری، مانند:

Boot - mood - chance - check - channel - form - Characteristic - shock - stress - company...

بوت (چکمه) - مود (مثلاً می‌گوییم الان توی مود فلان کار نیستم! حس و حال، خلق و خو) - شانس - کانال (کانال آب یا کانال تلویزیون و...) - فرم (فرم یا فرم دادن) - کاراکتر (ویژگی، مثلاً می‌گوییم فلانی کاراکتر شخصیتی... دارد) - شوک - استرس - کمپانی (شرکت) و...

(۲) استفاده از مرور همزمان مترادف‌ها و متضادها برای افزایش تسلط لغوی و مرور مجدد، مانند:

Hire - fire / strange - familiar / increase - decrease / estimate - guess...

استخدام کردن، اخراج کردن / غریبه، آشنا / افزایش دادن، کاهش دادن / تخمین زدن، حدس زدن یا حدس و...

(۳) استفاده از لغات مشابه آوایی و املائی برای جمع‌بندی بهتر، افزایش تسلط و عدم ترکیب اشتباه دولغت مشابه در مطالعه سریع متون کنکور و مرور مجدد، مانند:

Except - expect - aspect - accept / angel - angle / Nature - Nurture / divergent - convergent...

به جز، انتظار داشتن، جنبه یا لحاظ، قبول کردن / فرشته، زاویه / طبیعت و سرشت، تربیت / واگرا، همگرا و...

(۴) استفاده از پیشوندها (prefixes) و پسوندها (suffixes) برای یادگیری نظام‌مند لغات زبان انگلیسی، کاهش زمان لازم برای یادگیری لغات مشابه با معانی مختلف و سهولت برخورد با بسیاری از لغات ناآشنا در کنکور، مانند:

Imbalance / prenatal / Neonate / Inappropriate / Reform / undeniable / Description / Descriptive...

نامتعادل / پیش از تولد / نوزاد / نامناسب / شکل‌دهی مجدد / غیرقابل انکار / توصیف / توصیفی و...

در کلمات فوق حداقل یک پیشوند، پسوند و یا هر دوی آن‌ها دیده می‌شوند که معانی تقریباً ثابتی را به هر کلمه می‌بخشند، به عنوان مثال پیشوندهای im / in / ir پیشوندهای منفی‌ساز هستند. این پیشوندها و پسوندها را به صورت کامل آموزش خواهیم داد.

(۵) استفاده از طبقه‌بندی ساختاری لغات (اسم‌ها در طبقه اسمی خود مثلاً؛ طبقه‌بندی اختلالات و...، افعال دوقسمتی مشابه با تغییر حروف اضافه در طبقه خود و...)، مانند:

Look at - look for / Conversion disorder - Agoraphobia - Mood disorder - hypersomnia - insomnia / century - decade - year...

نگاه کردن به، جست‌وجو کردن / اختلال تبدیلی، بازار هراسی، اختلالات خلقی، پر خوابی، بی خوابی / قرن، دهه، سال و...

نکته: استفاده از کدگذاری‌های آوایی و املائی، تصویرسازی ذهنی لغات، یادگیری لغت در جمله و مدل‌های تکرار منظم (مدل ابینگ‌هاوس هم که معرف حضور شما روانشناس‌های آینده هست!) هم از مواردی هستند که به یادگیری و تثبیت یادگیری شما کمک می‌کنند؛ اما مواظب باشید کدگذاری‌ها یا تصویرسازی‌های ذهنی باعث دردرس شما در آینده نشوند، چرا که افزایش تعداد این کدگذاری‌ها غالباً با کاهش معناداری کدهای ساخته شده توسط شما رابطه مستقیمی دارند و در بازنشانی‌های آتی، بیشتر باعث سردرگمی، فراموشی و درهم‌آمیختگی معانی لغات می‌شود. تأکید ما بیشتر بر استفاده‌های ساختاری و نظام‌مند تکنیک‌های ارائه‌شده فوق است (موارد یک تا پنج) و همچنین اگر دقت کنید، کلیه تکنیک‌های پنج‌گانه فوق مثل یک زنجیر به هم متصل‌اند و اثری از هر مورد در موردی دیگر یافت می‌شود.

تذکر کلیدی: استفاده از کلیه تکنیک‌های فوق برای یادگیری یک لغت لازم نیست و پیشنهاد می‌شود برای آموختن هر لغت فقط از یک شیوه‌ای که برای شما و آن لغت راحت‌تر است از همان استفاده کنید.

در گام دوم به آموزش پیشوندها و پسوندها می‌پردازیم. بسیاری از لغات، از حداقل یک پیشوند یا پسوند تا دو یا سه پیشوند و پسوند تشکیل شده‌اند که با یادگیری پیشوندها و پسوندها به راحتی می‌توانید در زمان یادگیری لغات صرفه‌جویی کنید، به تسلط بهتری برسید و حتی در برخورد با واژگان ناآشنا مانند: حرفه‌ای‌ها به تخمین صحیحی از لغت برسید. (در کتاب زبان روان مفصلاً و منحصرأ از تکنیک‌های متن و متن‌خوانی صحبت کردیم.) در اینجا نیز براساس تجربه نیز پیشوندها و پسوندها را برای سهولت بیشتر و عدم سردرگمی در مطالعه فقط به ۴ قسمت تقسیم کرده‌ایم (پیشوندها و پسوندها به صورت تخصصی‌تر دارای تقسیم‌بندی‌های بسیار بیشتری هستند و نکات جانبی زیادی دارند).

(۱) پیشوندهای غیر عددی و غیرمقداری (۲) پیشوندهای عددی و مقداری (۳) پسوندهای فعل ساز و قید ساز (۴) پسوندهای اسم ساز و صفت ساز

پیشوندها غیر عددی و غیر مقداری:

پیشوند	معنی یا مفهوم	مثال
Il....	منفی ساز	Illegal = غیرقانونی
Im....	منفی ساز	Immature = ناپخته
In....	منفی ساز	Inappropriate = نامناسب
Ir....	منفی ساز	Irrational = غیرمنطقی
Anti....	منفی ساز	Antisocial = ضد اجتماعی
De....	منفی ساز	Deselect = انتخاب نکردن، انتخاب نشدن
Dis....	منفی ساز	Dishonest = متقلب (متضاد روراست)
Ab....	منفی ساز	Abnormal = نابهنجار
Un....	منفی ساز	Uncomfortable = ناراحت
Mal....	منفی ساز (به طور کلی بد یا زشت)	Maladjustment = ناسازگاری
Mis....	غلط / اشتباه	Miscalculate = اشتباه حساب کردن
Counter....	متقابل	Counterconditioning = شرطی سازی متقابل
Re....	دوباره	Rebuild = دوباره ساختن، بازسازی کردن
Neo....	جدید	Neonate: نوزاد
Co....	با هم	Coexist = با هم زندگی کردن، هم زیستی
Be....	بودن / باعث شدن	Befriend = دوست شدن
Fore....	پیش / قبل	Foresee = پیش بینی کردن
Inter....	بین	Interact = عمل بین دو فرد، تعامل
Pre....	پیش / قبل	Prenatal = پیش زادی / پیش از تولد
Post....	پس / بعد	Postnatal = پس زادی / پس از تولد
Sub....	زیر / پایین	Subfield = زیرشاخه
Ex....	سابق / اسبق	Ex-chairman = رئیس سابق
Vice....	معاون	Vice-president = معاون رئیس جمهور
Pseudo....	اشتباه / غلط	Pseudoscience = علم اشتباه یا دروغین
Auto....	خود / خودکار	Automobile = اتومبیل (خودران)
Tele....	از راه دور	Telecommunication = ارتباط از راه دور
Ultra....	فرا	Ultrasound = فراصوت
Trans....	در عرض	Trans-Alaska = در عرض آلاسکا

پیشوندهای عددی و مقداری:

پیشوند	معنی یا مفهوم	مثال
Uni / Mono....	یک	uniform = یک شکل / Monocycle = تک چرخه
Bi....	دو	Bipolar = دوقطبی
Tri....	سه	Triangle = سه زوایه (مثلث)
Centi....	صد / یک صدم	Centimeter = یک صدم متر / سانتی متر
Kilo....	هزار	Kilobyte = کیلوبایت
Mega....	میلیون	Megabyte = مگابایت

Poly....	چند	Polysyllable = چندسیلابی
Multi....	چند	Multiaxial = چندمحوری
Mini....	کوچک	Minicomputer = کامپیوتر کوچک
Semi....	نصف	Semicircle = نیم دایره
Hyper....	بیش از حد / زیاد	Hyperactive = بیش فعالی
Super....	بیش از حد / فرا	Supernatural = فراطبیعی
Over....	زیاد / بیش از حد	Overwork = زیاد کار کردن / بیش از حد کار کردن
Under....	کمتر از حد کافی / کم	Underextension = کم گستری
Extra....	زیاد / بیش از حد	Extraordinary = فوق العاده، خارق العاده، شگفت آور

پسوندهای فعل ساز و قید ساز:

پسوند	معنی یا مفهوم	مثال
ize....	سازنده فعل از ریشه مرتبط	Recognize = تشخیص دادن
en....	سازنده فعل از ریشه مرتبط	Whiten = سفید کردن
ify....	سازنده فعل از ریشه مرتبط	Classify = طبقه بندی کردن
ate....	سازنده فعل از ریشه مرتبط	Educate = آموزش دادن
er....	سازنده فعل از ریشه مرتبط	Flitter = پرپر زدن
ly....	سازنده قید	Continuously = به طور مداوم

نکات پیشوندها و پسوندها (قسمت اول):

(۱) لزومی بر حفظ کردن این جداول نیست و زیبایی این بخش در تحلیلی-تجربی بودن یادگیری این بخش است؛ به نوعی نگرش شما را نسبت به لغات، تحلیلی تر و نظام مندتر می کند.

(۲) سعی کنید مثال های پیشوندها و پسوندها را به خوبی یاد گرفته و آن ها را تحلیل کنید.

(۳) لیست و طبقه بندی پیشوندها و پسوندها بسیار بیشتر از ۷۶ موردی است که در این فصل ذکر کرده ایم و بر آن بوده ایم تا پرکاربرد ترین پیشوندها و پسوندها را صرفاً در چهار دسته ابداعی با ساده ترین مثال ها برای تفهیم هرچه بیشتر برای شما ذکر کنیم.

(۴) بعضی از پیشوندها و پسوندها (حدود ده تا پانزده مورد از ۷۶ مورد ذکر شده در این فصل) چندین معنی دارند که در اینجا فقط یک یا نهایتاً دو مورد از معانی و مفاهیم هر پیشوند یا پسوند را ذکر کرده ایم تا سردرگم نشوید.

پسوندها اسم ساز و صفت ساز:

پسوند	معنی یا مفهوم	مثال
ant....	نشان دهنده فرد یا شی انجام دهنده یا یک عمل و ساخت اسم مربوطه	Assistant = دستیار
ent....	نشان دهنده فرد انجام دهنده یک عمل و ساخت اسم یا صفت مربوطه	Student = دانشجو
er....	نشان دهنده فرد یا شی انجام دهنده یک عمل / پیشه و ساخت اسم مربوطه	Computer = کامپیوتر
hood....	نشان دهنده حالت یا شرایط	Childhood = کودکی
or....	نشان دهنده فرد یا شی انجام دهنده یک عمل / پیشه و ساخت اسم مربوطه	Visitor = بازدیدکننده
ery....	نشان دهنده عمل یک فعل یا مکان با ساخت اسم مربوطه	Robbery = دزدی
ry....		Bakery = نانواپی
ish....	نشان دهنده حالت / نشان دهنده نژاد	Swedish = سوئدی
tion....	نشان دهنده عمل یا نتیجه یک فعل با ساخت اسم مربوطه	Urination = ادرار
ition....	نشان دهنده عمل یا نتیجه یک فعل با ساخت اسم مربوطه	Competition = رقابت
sion....	نشان دهنده عمل یا نتیجه یک فعل با ساخت اسم مربوطه	Comprehension = درک

ment....	نشان‌دهنده عمل یا نتیجه یک فعل با ساخت اسم مربوطه	Agreement = توافق
age....	نشان‌دهنده عمل یا نتیجه یک فعل با ساخت اسم مربوطه	Wastage = اتلاف
al....	نشان‌دهنده عمل یا نتیجه یک فعل با ساخت اسم یا صفت مربوطه	Emotional = هیجانی
ance....	نشان‌دهنده عمل یا نتیجه یک فعل با ساخت اسم مربوطه	Importance = اهمیت
ence....	نشان‌دهنده عمل یا نتیجه یک فعل با ساخت اسم مربوطه	Obedience = اطاعت، فرمان‌برداری
ism....	نشان‌دهنده مکتب یا ساخت اسم مربوطه	Humanism = انسان‌گرایی
ist....	نشان‌دهنده فرد انجام‌دهنده یک تخصص یا پیشه یا پیرو یک مکتب	Psychologist = روانشناس
ship....	نشان‌دهنده حالت یک اسم	Friendship = دوستی
ive....	سازنده صفت از فعل یا اسم مربوطه	Effective = مؤثر
ous....	سازنده صفت از فعل یا اسم مربوطه	Dangerous = خطرناک
less....	سازنده صفت از فعل یا اسم مربوطه با مضمون و معنی منفی یا کم	Careless = بی‌دقت
ful....	سازنده صفت از فعل یا اسم مربوطه	Careful = بادقت
able....	سازنده صفت از فعل یا اسم مربوطه (بیشتر مضمون قابلیت یا توانایی را می‌رساند).	Predictable = قابل پیش‌بینی
ness....	حالت یا کیفیت بودن یک چیز و ساخت اسم از صفت مربوطه	Darkness = تاریکی
th....	تبدیل‌کننده اسم به صفت	Depth = عمق

نکات پیشوندها و پسوندها (قسمت دوم):

۵) در بحث پیشوندها و پسوندها مهم‌ترین بحث این است که بتوانید تشخیص دهید آیا این جزء پیشوندی / پسوندی متعلق به خود لغت می‌باشد و یا خیر که مطمئناً با تمرین، قوه تشخیص این موضوع را به دست خواهید آورد.

۶) یکی از چیزهایی که به اکتساب این قوه تشخیص کمک می‌کند این است که بدانید، جذب پیشوندها و پسوندها به لغات مادر باعث می‌شود، بعضی مواقع حرف یا حروفی از لغت اصلی حذف گردد و یا حرفی مشدد (تکرار) شود. مثلاً: white به معنای سفید است که بعد از ادغام با پسوند فعل ساز en به شکل whiten در می‌آید که در این فرآیند یک e حذف می‌گردد: white + en = whiten

۷) به صورت کلی، تعداد اندکی از لیست فوق، کاربرد کمتری دارند و مطمئناً در حین مطالعه این کتاب نیز کم‌تر با آن‌ها برخورد خواهید کرد. سعی کنید تمام تمرکز خود را بر تمرین پیشوندها و پسوندهای پرکاربردتر معطوف کنید.

متون روانشناسی کنکور ارشد علوم در ۲۰ سال اخیر (از سال ۱۳۸۱) دستخوش تغییرات فراوانی شده است، از داشتن انواع سوالات (مثل: واژگان، گرامر، کلوز تست و درک مطلب) تا اکنون که فقط شامل سوالات درک مطلب است. درک مطلب بخشی است که طراح با ارائه متنی درباره یک موضوع و طرح انواع سوالات (سوالات استنباطی و سوالات جزئی) میزان فهم و درک شما را از یک متن می‌سنجد.

سوالات استنباطی

در این نوع سوالات شما باید از مطلبی مشخص شده (گاهی یک جمله، یک پاراگراف یا گاهی کل متن) استنباط کنید و منظور طراح یا متن را تشخیص دهید. این دسته سوالات اکثراً زمان‌برند و اغلب از درجه سختی بالاتری برخوردارند.

سوالات جزئی

سوالاتی هستند که به صورت مستقیم در متن به آن‌ها اشاره شده است و اغلب به نسبت سوالات استنباطی آسان‌ترند و یا حداقل پاسخ آن‌ها سریع‌تر نمایان می‌شود.

از آنجایی که مهم‌ترین چیز در پاسخ‌گویی به سوالات یک درس در روند پاسخ‌گویی به سوالات کنکور، داشتن استراتژی پاسخ‌گویی است، انواع سوالات درک مطلب را به این دو دسته تقسیم کرده‌ایم که اگر خدایی نکرده در جلسه کنکور از زمان و زبان (!) غافل شدید و صرفاً می‌خواهید به درصد مشخصی برسید نیز بتوانید به تعدادی از سوالات پاسخ دهید. در حالت عادی برای شما داوطلبان خوب و سربه‌راهی که از زمان و زبان غافل نمی‌شوید و اعتماد به نفس خود را با تمرین و تلاش می‌سازید، این استراتژی به شما کمک می‌کند که بدانید ابتدا باید به سوالات جزئی و سپس به سوالات استنباطی پاسخ دهید تا با پاسخ‌دهی در مدت کوتاه، زمان ذخیره کنید، به درصد مطمئن و نقطه امنی برسید و زمان باقی‌مانده اختصاص یافته به هر متن را با استفاده از تکنیک‌هایی که بیان می‌کنیم، در نهایت آرامش صرف پاسخ‌گویی به سوالات استنباطی کنید.

طبق تحلیل‌های دقیق آماری استخراج شده از متن‌های مورد استفاده در کنکور، هر متن به طور متوسط بین ۲۶۵ تا ۳۵۵ کلمه دارد. (البته در بیشتر سال‌ها حداقل یک متن وجود داشته است که زیر ۲۵۰ کلمه داشته است، مانند: متن سوم کنکور سراسری ۹۷ درباره نقش آموزش زنان که بعضاً این متن‌ها سوالات ساده‌تری هم دارند.) اگرچه که این به معنای عدم وجود متون طولانی‌تر نیست و در کنکورهای سال‌های گذشته متونی با بیش از ۴۰۰ کلمه هم وجود داشت!

هر مجموعه سوال در کنکور ارشد مجموعه روانشناسی تا سال ۱۴۰۱ حاوی ۳۰ سوال (در قالب ۵ یا ۶ متن) بود که در سال ۱۴۰۲ به ۲۵ سوال (در قالب ۵ متن ۵ سوالی) کاهش یافت و معلوم نیست که این رویه تعداد سوالات در کنکور ۱۴۰۳ هم وجود داشته باشد یا خیر.

هم اکنون در سایر مجموعه سوالات کنکور ارشد و ارشد بهداشت حتی مجموعه مشاوره و علوم شناختی، علاوه بر درک مطلب سوالات گرامر، لغت و کلوز تست نیز موجود است ولی سوالات مجموعه روانشناسی فقط متن و سوالات متن است. همچنین، لازم به ذکر است که قبل از سال ۸۷ ارشد مجموعه روانشناسی هم سوالات لغت، گرامر و کلوز تست داشته است. تکنیک‌های درک مطلب کلیه آزمون‌های ارشد و دکتری با این کتاب قابل پاسخ‌گویی است.

نکات و اصول کلی پاسخ‌گویی به سوالات درک مطلب:

نکته کوچک و سرنوشت‌سازی که کسی به آن اعتنا نمی‌کند، صورت سوالات درک مطلب است! صورت سوال این است:

Directions: Read the following five passages and answer the questions by choosing the best choice ((۳), (۲), (۱) or (۴)). Then mark the correct choice on your answer sheet.

حالا با هم ترجمه‌اش کنیم:

راهنمایی: پنج متن زیر را بخوانید و به سوالات با انتخاب بهترین گزینه (۱)، (۲)، (۳) یا (۴) پاسخ دهید. سپس گزینه صحیح را در پاسخ‌برگ خود مشخص کنید.

بله، درست حدس زدید! تمام هیاهوی پاسخ‌گویی به سوالات درک مطلب زیر سر همین "بهترین گزینه" است. انتخاب بهترین گزینه یعنی یک سوال می‌تواند بیش از یک جواب درست داشته باشد اما طراح بزرگوار بهترین جواب و درست‌ترین جواب را از ما می‌خواهد. در سه نوع سوال انتخاب بهترین گزینه بیشتر از همه سوال برانگیز می‌شود: ۱. سوالات استنباطی ۲. سوالات حدس معنی واژگان ۳. سوالات ایده اصلی متن یا پاراگراف (انتخاب عنوان و...). در شرح و تفصیل تکنیک‌های تست‌زنی انواع سوالات، بیشتر در مورد این نوع سوالات صحبت می‌کنیم.

نکته: فقط به اطلاعاتی که متن به شما می‌دهد، تکیه کنید.

دیده شده که بعضی داوطلبان، زمانی که کلیتی از موضوع متن را تشخیص می‌دهند که اتفاقاً در خصوص آن موضوع اطلاعاتی دارند، سریعاً و بدون مطالعه کامل متن، سراغ سوال‌ها رفته و طبق دانش فردی خود به سوال‌ها پاسخ می‌دهند! مثل این بعضی‌ها نباشید چون گاهی اتفاق افتاده که نویسندۀ متن

در حال نقد آن مطلب بوده و شواهدی بر علیه آن ارائه داده، که در این صورت استفاده از اطلاعات شخصی، منتهی به پاسخ اشتباه می‌شود. نکته: اینکه بستر پاسخ‌گویی به سوالات درک مطلب را واژگان تشکیل می‌دهد، امری کاملاً صحیح است اما این موضوع باعث نمی‌شود تا در هنگام پاسخ‌گویی به سوالات و مراجعه به متن‌ها با وسواس به واژگان بنگریم! درعین حال، نباید از افزایش دامنه لغات خود صرف‌نظر کنید چرا که یکی از اساسی‌ترین شیوه‌های حدس واژگان ناآشنا از طریق فهم موضوع و واژگان پیرامونی لغت ناآشنا اتفاق می‌افتد. حال تصور کنید که نه واژگان پیرامونی را می‌شناسید و نه واژه ناآشنا، چه اتفاقی می‌افتد؟!

تجربه نشان داده که ناآشنایی با تقریباً ۹۰ درصد لغات هیچ تاثیری در درک شما از متن ندارد و معنی بسیاری از لغات ناآشنا در متن را طبق تکنیک‌هایی که در این کتاب به شما توضیح می‌دهیم، می‌توان حدس زد.

اصل تحمل ابهام در برخورد با واژگان: نه آن‌ها را در دیکشنری پیدا کنید و نه در مطالعه متن روی معانی آن‌ها تمرکز کنید. به جای این کار، از تکنیک فلان (مثلاً اگر کلمه ناآشنا در جایگاه فاعل قرار گرفته بود از «فلانی» / یا اگر کلمه ناآشنا در جایگاه فعل قرار گرفته بود از «فلان می‌کند» / اگر کلمه ناآشنا در جایگاه مفعول قرار گرفته بود از «فلان کس را» یا «فلان چیز را» / اگر کلمه ناآشنا در جایگاه قید مکان / قید زمان / قید حالت قرار گرفته بود به ترتیب از «فلان جا» / «فلان زمان» / «فلان طور» استفاده کنید؛ چرا که برای پاسخ‌گویی به سوالات درک مطلب نیازی به دانستن همه لغات متن ندارید. کمی جلوتر با نقش واژگان در جمله و ترتیب نقش‌ها در جملات انگلیسی بیشتر آشنا خواهید شد.

بعضی داوطلبین معتقدند که «من آنقدر باید لغت بخوانم که هر لغتی را در کنکور ارشد دیدم بتوانم معنی آن را در جمله جای‌گذاری کنم!» این اعتقاد از ریشه غلط است! چرا که مطمئن باشید حتی با مطالعه ده‌ها هزار لغت هم به این توان دست نخواهید یافت. اگر فرضاً به معنای لغتی واقعا احتیاج داشتید، تکنیک‌های ذیل جهت یافتن مفهوم کلی آن به شما کمک می‌کند:

به جملات بدل توجه کنید (جملات بدل، جملاتی هستند که توضیحی را راجع به آخرین کلمه ارائه می‌کنند و حدفاصل دو، ----، قرار می‌گیرند).

Cucumber, something like banana in shape with green cover that categorized in vegetables, may find in Iranian salad.

خیار، چیزی شبیه به موز از لحاظ شکل با پوسته سبز که در طبقه سبزیجات جای گرفته است، ممکن است در سالاد ایرانی پیدا شود. (در اینجا مثلاً کلمه cucumber را نمی‌دانیم و از طریق جمله بدل که بین دو کما قرار گرفته است، معنی واژه یعنی خیار را حدس می‌زنیم.)

گاهی اوقات، خود نویسنده کلمه ناآشنا را در ادامه جمله با کلمات زیر برای شما تعریف کرده است:

هست، معنی می‌دهد، به معنای ... است is/ are/ means= اشاره دارد به، برمی‌گردد به = refers/ is referred to as

گفته می‌شود، اطلاق می‌شود = is called/ are called به عنوان ... شناخته می‌شود = is known as

اگر به علائم نگارشی (کاما، کروشه، پرانتز، خط تیره) در متن توجه کنید، حتماً سرنخ‌هایی برای معنی آن کلمات پیدا خواهید کرد. به کلمات ربط، کلمات و عبارات بیان‌کننده شباهت یا تفاوت‌ها دقت کنید:

بیان شباهت‌ها	
like = شبیه، مانند	similarly = به طور مشابهی
in the same way = به همین ترتیب، به همین صورت	just as = درست مثل
as (such as...) = مثل	also = همچنین
بیان تفاوت‌ها	
on the contrary = در مقابل	on the other hand = از طرف دیگر
differently = به طور متفاوتی	nevertheless = علی‌رغم، با این وجود
بیان تضادها	
though = اگرچه (تضاد مستقیم)	although = اگرچه (تضاد غیرمستقیم)
but = اما (تضاد مستقیم)	even though = اگرچه (تضاد غیرمستقیم)
whereas = چرا که	while = درحالی‌که، در صورتی‌که
in contrast / unlike = برخلاف، در تقابل با	in spite of / despite of = علی‌رغم

به مثال‌هایی که خود نویسنده برای تفهیم یک لغت ناآشنا می‌زند یا به لغات بعد از کلمات ذیل، حتماً توجه کنید.

in addition/ in addition to = علاوه بر این

for example/ for instance = برای مثال

in particular = به طور مشخص

furthermore = علاوه بر این، از این گذشته

به طور مثال، مثال، مثلاً = e.g.

مثل، مثلاً = Such as

به سرواژه‌سازی‌ها (انتخاب حرف اول از کلمات یک عبارت) برای کوتاه کردن کلمات بلند دقت کنید. مثال :

A.P.A : American psychiatric association (انجمن روان‌پزشکان آمریکا)

گاهی اوقات نویسنده کلمات و عبارات مختلف را به طریق دیگری بیان می‌کند تا خواننده متوجه آن شود.

و = and

به عبارت دیگر = that is/ that is to say

یا = or

به عبارت دیگر = i.e.

in other words = به عبارت دیگر

به نقش یک کلمه در جمله حتماً دقت کنید و از تکنیک فلان استفاده کنید تا بتوانید مفهوم کلی کلمه را بعد از اتمام مطالعه جمله به طور تقریبی حدس بزنید.

از پیشوندها و پسوندهای هر کلمه در تشخیص معنا و ریشه‌یابی یک لغت استفاده کنید.

نکته: سرعت شما در مطالعه متن‌ها یکی دیگر از عوامل بسیار مهم برای موفقیت در پاسخ‌گویی به سوالات درک مطلب است.

مهم‌ترین عوامل مؤثر در سرعت مطالعه

۱. تمرین بسیار زیاد، ۲. مطالعه صحیح متن‌ها، ۳. فرایند صحیح پاسخ‌گویی

● تمرین بسیار زیاد

هر متنی از هر کجا که دیدید، بی‌معطلی آن را مطالعه کنید.

● مطالعه صحیح متن

یکی از بدترین اتفاقاتی که در داوطلبین کنکور دیده می‌شود این است که «بعضی از دوستان انگار اومدن سواحل قناری، لیموناد تو دست‌شونه، باد تو موهاشون می‌پیچه و در همون حین به متنی رو هم دست گرفتن و می‌خوان بخون!» کلمه به کلمه می‌خونن، بلند بلند می‌خونن انگار که دارن شاملو می‌خونن، ده بار برمی‌گردن به عقب انگاری دارن کلیله و دمنه می‌خونن!

برای درست خواندن نکات کلی مثل خط بردن یا خودکار یا مداد برای حفظ سرعت، عدم بازگشت و گم نکردن خط، با چشم خواندن باید رعایت شود اما در مورد خوانش صحیح متن هم تکنیک جالبی را در ادامه توضیح می‌دهیم تا با تمرین آن از پس سخت‌ترین متن‌های کنکور هم برآیید.

- فقط با چشم مطالعه کنید و از تلفظ یا ادای کلمات بال‌ها خودداری کنید.

داوطلبی که در پاسخ به سوالات کلوزتست متکی به اطلاعات و دانش فردی خود بود را خاطرتان هست؟! بله، از دیگر عادات آن بزرگوار بلند خواندن بود. اما چرا نباید متون را با صدای بلند خواند؟ علت این است که زمانی که متنی را با صدای بلند می‌خوانید و یا حتی زیرلب زمزمه می‌کنید، اگر به کلمه‌ای ناآشنا برسید، ناخودآگاه مغز بزرگوار تلاش می‌کند تا آن کلمه غریب را تلفظ کند. علاوه بر این، ادای کلمات آشنا هم از فاصله چشم تا زبان زمان‌بر است چي رسد به لغات ناآشنا یا سخت. از طرف دیگر، وقتی در حین خواندن متن در منزل و محیط شخصی خود، کلمات را با صدای بلند ادا می‌کنید و در جلسه کنکور و بنا به مقتضیات فضای جلسه، نمی‌توانید کلمات را ادا یا زمزمه کنید، در تعارض قرار می‌گیرید و در نهایت جو جلسه به شما غالب شده و غنان کار از دستتان در می‌رود!

- در هنگام مطالعه متن، به هیچ عنوان به عقب برنگردید.

یکی دیگر از تبعات مثبت اعتماد به نفس درست و منطقی این است که داوطلب طبق همان چیزی که قبلاً تمرین کرده، به مغز خود اعتماد می‌کند و در تله توهم فراموشی نمی‌افتد و غرق متن‌ها نمی‌شود. علاوه بر این اعتماد به نفس درست و منطقی که تمرین زیاد لازمه آن است، استفاده از خودکار، مداد و انگشت برای گم نکردن خط (چون فاصله بین خطوط متن‌های کنکور کم است و با جو اضطراب‌آور و جذاب کنکور! سروکار دارید، خیلی مواقع پیش آمده که داوطلبین خط را بارها و بارها گم کرده‌اند.) یکی دیگر از تکنیک‌های مطالعه متن است و این خط بردن همیشه سرعت مناسب در متن را به شما یادآوری می‌کند.

- تکنیک تجمیع خوانی

علاوه بر نکات ذکر شده در همین قسمت، تکنیک تجمیع خوانی که تکنیکی کاملاً تجربی، فنی و ابداعی‌ست نیز در مطالعه آسان، نسبتاً دقیق و سریع به شما کمک می‌کند. تجمیع خوانی یعنی اینکه در مطالعه متن‌ها باید لغات را به صورت گروهی و عبارت به عبارت بخوانید. این نوع مطالعه علاوه بر بالا بردن سرعت شما باعث می‌شود تا درک و فهم خود را از متن افزایش دهید. با استفاده از این تکنیک، مطالب در ذهن شما بهتر و دقیق‌تر دسته‌بندی می‌شوند تا در هنگام پاسخ‌گویی به سوالات دچار آشفتگی ذهنی نشوید.

مراحل اجرای تکنیک تجمیع خوانی

آشنایی با نقش‌ها و گروه کلمات در متن: عموماً هر جمله‌ای در زبان انگلیسی به ترتیب از این اجزا تشکیل شده است (به ترتیب از چپ به راست).

قید حالت + قید زمان + قید مکان + مفعول + فعل + فاعل

نکته: به هیچ وجه تعاریف زیر را حفظ نکنید و فقط سعی کنید تا مفهوم آن را دریابید.

فاعل (subject): به کسی یا چیزی گفته می شود که کننده کار باشد و یا به عبارتی دیگر به کسی یا چیزی که کاری را انجام می دهد. مانند: He, Ali و...

فعل (verb): کلمه ای است که انجام کاری را در زمان مشخصی بیان می کند و یکی از اجزای اصلی هر جمله ای است.

مفعول (object): کلمه یا عبارتی است که کار یا فعل بر روی آن انجام می گیرد و در حالت ترجمه شده غالباً «را» به خود می گیرد.

قید (adverb): کلمه یا مجموعه کلماتی است که فعل را توصیف می کند، مثلاً: قید زمان کیفیت زمانی وقوع فعل، و قید مکان کیفیت مکانی وقوع فعل را مشخص می کند.

صفت (adjective): کلمه یا مجموعه کلماتی است که اسم را توصیف می کند. مثلاً: گل زیبا = زیبایی صفت است.

بعد از آشنایی با این نقش ها و نکات گرامری، تنها نکته این است که بدانید این نقش ها گاهی اوقات با یک کلمه و بعضی اوقات با گروه کلمات ظاهر می شوند و بعد از آن فقط تمرین کنید و بخوانید.

تذکره: هنگام مطالعه متن نیازی به تشخیص این نقش ها یا ساختارهای گرامری ندارید و مبادا در هنگام مطالعه برای تشخیص نقش کلمات و گروه کلمات زمان بگذارید، چون با تمرین بعد از مدتی در هنگام مطالعه متن، گروه کلمات برای شما واضح می شوند. هدف از مرور و آموزش این نقش ها یادگیری جانمایی کلی این کلمات در جمله است و اینکه یک نقش می تواند کلمه یا گروه کلمه باشد.

نکته: یکی از تکنیک های طراحان و گزینش گران متن های کنکور برای سخت جلوه دادن متون این است که بیشتر جملات متن بسیار طولانی اند و ممکن است داوطلب با دیدن این جملات بترسد و اصلاً سراغ متن نرود، در صورتی که با استفاده از این تکنیک می بینید که تمام عریض و طویل بودن جملات پوشالی ست و در چشم به هم زدن فرو می ریزد با هم مثال پایین را بررسی می کنیم تا یاد بگیرید چطور باید عبارت به عبارت بخوانید (کلماتی که زیر آن ها خط کشیده شده است، یک عبارت در نظر گرفته شده اند):

مثال

UNICEF reports that the education of women impacts upon infant and maternal mortality rates, improves nutrition, promotes health, reduces the likelihood of HIV/AIDS, and contributes to improved education for the next generation (UNICEF, 2013). The Millennium Development Goals (MDGs)—including the eradication of hunger, the reduction of child mortality, improved maternal health, reduction in HIV/AIDS infection, and universal primary education are all influenced by the education and empowerment of women. This is due to the significant roles women play in relation to these developmental issues

پاراگراف اول متنی از کنکور سراسری ۹۷

نکته: حرفه ای باشیم! در هنگام مطالعه نگاهی گذرا به ابتدا و انتهای جملات داشته باشید. (تکنیک نقطه یابی: یافتن ابتدا و انتهای هر جمله از نقطه/کاما قبلی تا نقطه/کاما بعدی) و سعی کنید چشم هایتان از مغزتان در متن جلوتر باشند. هر فعل و هر ضمیر موصولی را یک عبارت کامل در نظر بگیرید (یا به عبارتی دیگر، یک جدا کننده ترکیب در نظر بگیرید) چون کار شما را برای پیشروی سریع، ساده تر می کند. موارد زیر را باید به عنوان یک گروه در نظر بگیرید:

فاعل، فعل، ترکیب های وصفی، ترکیب های اضافی، قید های مکانی و زمانی.

همانطور که می بینید با این تکنیک ۸۴ کلمه به ۲۵ ترکیب تبدیل شده است که خواندن این ۲۵ ترکیب خیلی راحت تر صورت می گیرد که در نتیجه آن فهم بهتری از مطلب نصیب شما خواهد شد. شاید به نظر برسد که این تکنیک صرفاً برای داوطلبین قوی است که بر روی مباحث گرامری و ساختاری تسلط زیادی دارند اما در حقیقت این طور نیست و فقط با داشتن دامنه لغات مناسب و تمرین بسیار زیاد برای تکنیک برای خودتان به این تسلط خواهید رسید (شخصی سازی یعنی اینکه با توجه به تکنیکی که گفتیم و تمرین هایی که انجام می دهید به استاندارد برسید که بتوانید با چشم، جملات و پاراگراف ها را به خوبی در ترکیب ها بخوانید).

نکته: هرگاه به (.) رسیدید هوشیار باشید که بعد از آن یک ترکیب جدید خواهید داشت.

نکته: تاثیر یک فعل یا اسم بر روی دو یا چند ترکیب را حتماً در نظر بگیرید (حتی اگر با و، and یا هر دو جدا شده باشند). مثال:

Reduction in HIV/ AIDS infection, and universal primary education.

کاهش در شیوع اچ آی وی/ ایدز و تحصیلات ابتدایی جهانی

تا به اینجا کار با اصول خوانش متون، ساختار کلی جملات در زبان انگلیسی، تکنیک‌های کلی درک مطلب مانند اسکیم و اسکن آشنا شدیم. اکنون به معرفی پروتکل مواجهه با هر متن می‌پردازیم و سپس تکنیک‌های پاسخ‌گویی به هر تیپ سوال را آموزش می‌دهیم.

پروتکل مواجهه با درک مطلب:

۱. ابتدا صورت سوالات را مطالعه می‌کنیم.

۲. الویت اول پاسخ‌گویی برای سوالی خواهد بود که ما را مجبور به اسکیم متن کند (در هر صورت باید ابتدا متن را اسکیم کنیم، پس چه بهتر است که به عنوان الویت اول سوالی را انتخاب کنیم که بتوانیم فی‌الوقت به آن پاسخ دهیم یا سوالی را انتخاب کنیم که به موضوع کلی متن یا حداقل یک پاراگراف ربط دارد) و اگر چنین سوالی وجود نداشت، سوالات جزئی‌تر الویت‌های اول را به خود اختصاص خواهند داد. سوالات استنباطی‌تر هم در آخرین الویت‌های پاسخ‌گویی قرار می‌گیرند.

۳. از اولین سوالی که مشخص کردیم شروع به پاسخ‌گویی می‌کنیم. اگر سوالی بود که نیاز به اسکیم داشت، شروع به اسکیم متن می‌کنیم و بلافاصله همان سوال را پاسخ می‌دهیم و سپس الویت‌های بعدی را بررسی می‌کنیم و پاسخ می‌دهیم. اگر بین سوالات متن، سوالی وجود نداشت که صرفاً با اسکیم قابلیت پاسخ‌گویی را داشته باشد، باز هم ابتدا متن را اسکیم می‌کنیم و بعد سراغ اولین الویت پاسخ‌گویی می‌رویم.

نکته اول: سوالاتی که صرفاً با اسکیم قادر به پاسخ‌گویی آن‌ها خواهیم بود (که بالطبع به عنوان الویت اول پاسخ‌گویی سوالات متن هستند)، عبارت‌اند از:

۱. ایده اصلی کل متن (تیپ اول - نوع اول)

۲. هدف نویسنده و یافتن چرایی‌ها (تیپ دوم - نوع اول)

۳. حدس موضوع پاراگراف‌های ناموجود پس از متن یا قبل از متن (تیپ ششم) / این تیپ از سوالات در دسته سوالات جزئی هم می‌تواند قرار بگیرد.

۴. لحن و نگرش نویسنده (تیپ هشتم)

۵. ساختار متن (تیپ دهم)

نکته دوم: ابزار اصلی پاسخ‌گویی به سوالات جزئی‌تر که نیازی به تسلط بر کل متن ندارند و غالباً با مطالعه یک جمله یا نهایتاً یک پاراگراف حل می‌شوند و طبعاً در زمان کوتاهی هم به پاسخ آن‌ها می‌رسیم، اسکن است. سوالات جزئی‌تر عبارتند از:

۱. ایده اصلی یک پاراگراف (تیپ اول - نوع دوم)

۲. سوالات ارجاع ضمیر، کلمه یا عبارت (تیپ سوم)

۳. سوالات حدس کلمات ناآشنا (تیپ پنجم)

۴. هدف نویسنده و یافتن چرایی‌ها (تیپ دوم - نوع دوم و سوم)

۵. سوالات جزئیات (تیپ چهارم - نوع اول)

نکته سوم: سوالات استنباطی‌تر، سوالاتی هستند که علاوه بر اسکیم، نیاز به اسکن و یا گاهی نتیجه‌گیری داوطلب دارند. علت تقسیم‌بندی ما به صورت سوالات جزئی‌تر و سوالات استنباطی‌تر این است که جزئی بودن یا استنباطی بودن سوالات اغلب به صورت جزئی محض یا استنباطی محض نیستند و یک سوال گاهی یک یا چند گزینه استنباطی دارد و سایر گزینه‌ها جزئی هستند. پاسخ‌گویی به این دسته از سوالات، همیشه در آخرین الویت‌های پاسخ‌گویی ما قرار می‌گیرند تا با خیال راحت سراغ آن‌ها رفته و با پاسخ‌گویی به سوالات ساده و ذخیره زمان، حاشیه امنی را ایجاد کنیم و اگر مطمئن نبودیم به این سوالات پاسخ ندهیم. سوالات استنباطی‌تر شامل همه سوالاتی می‌شود که در دسته‌بندی‌های نکته اول و دوم قرار نگرفتند که عبارتند از:

۱. سوالات جزئیات (تیپ چهارم - نوع دوم و سوم)

۲. سوالات استنباطی (تیپ هفتم)

۳. سوالات EXCEPT / NOT (تیپ نهم)

شاید این سوال برای شما داوطلب گرامی پیش بیاید که «من سوالات بسیاری از تیپ‌های نهم و چهارم دیده‌ام که صرفاً با توجه به یک یا چند جمله امکان حل شدن داشته‌اند و چرا آن‌ها را در این دسته سوم و به عنوان آخرین الویت پاسخ‌گویی قرار داده‌اید؟» پاسخ واضح است! در جلسه کنکور این امکان وجود ندارد که شما ریسک کنید و گزینه‌ها را مطالعه کنید و در آخر به این نتیجه برسید که پاسخ‌گویی به این سوال زمان‌بر و استنباطی است یا خیر! برای دوری از این اتفاقات، ترجیح می‌دهیم که ریسک نکنیم و به عنوان آخرین الویت به این سوالات پاسخ دهیم. حال سراغ تیپ‌بندی سوالات و شیوه پاسخ‌گویی به هر تیپ سوال می‌رویم.

تیپ اول: ایده اصلی متن

قطعاً هر نویسنده‌ای با نوشتن یک متن، قصد صحبت راجع به موضوع خاصی را دارد. تیپ سوال ایده اصلی متن، غالباً به عنوان سوال اول متن‌ها دیده می‌شود که دو نوع دارد:

نوع اول: کلی (طراح سوال، ایده اصلی کل متن را از ما می‌خواهد.)

نوع دوم: جزئی (طراح سوال، ایده اصلی یک پاراگراف مشخص را از ما می‌خواهد.)

شکل کلی صورت سوال این تیپ تست‌ها عبارت است از:

The passage is primarily concerned with discussing..... (کلی - نوع اول)

What does the passage mainly discuss? (کلی - نوع اول)

What would the possible / best topic be for the above passage? (کلی - نوع اول)

The passage is mainly about..... (کلی - نوع اول)

The passage is mainly concerned with..... (کلی - نوع اول)

The primary idea / topic of this the passage is..... (کلی - نوع اول)

What does the paragraph X mainly discuss? (جزئی - نوع دوم)

What would the possible / best topic be for paragraph X? (جزئی - نوع دوم)

The paragraph X is mainly about..... (جزئی - نوع دوم)

The paragraph X is mainly concerned with..... (جزئی - نوع دوم)

The primary idea / topic of this the paragraph X is..... (جزئی - نوع دوم)

● راهبرد کلی حل این تیپ تست

۱. ابتدا باید متن را Skim کنیم (مطابق دستورالعملی که در صفحات قبل توضیح دادیم). اگر جزئی بود، یعنی ایده اصلی یک پاراگراف را از ما می‌خواست، همان یک پاراگراف مشخص از متن را اسکیم می‌کنیم (خط اول و آخر همان یک پاراگراف را تا حد فهم می‌خوانیم).

اگر کل متن را قرار بود اسکیم کنیم، بستگی به تعداد پاراگراف‌های متن دارد (متن تک پاراگرافی: خط اول و آخر همان یک پاراگراف را تا حد فهم می‌خوانیم / متن دو پاراگرافی: خط اول و آخر هر دو پاراگراف را تا حد فهم می‌خوانیم / متن ۳ و بیشتر از ۳ پاراگراف: خط اول و آخر پاراگراف اول و آخر را تا حد فهم می‌خوانیم + مطالعه خط اول پاراگراف‌های میانی تا حد فهم مطلب).

۲. پاسخ صحیح این تیپ تست، الزاماً با لغات تشکیل دهنده متن در گزینه‌ها دیده نمی‌شود و گاهی طراح از لغات مترادف استفاده می‌کند!

۳. لغاتی که در متن خیلی به چشم می‌خورند، می‌توانند سرنخی برای پیدا کردن ایده اصلی متن باشند!

۴. گزینه‌ای که به عنوان پاسخ صحیح این تیپ سوال انتخاب می‌کنیم باید ۳ ویژگی اصلی داشته باشد:

الف) نه خیلی کلی باشد، ب) نه خیلی جزئی باشد، ج) نه بی‌ربط به مفاهیم و موضوعات متن باشد.

۵. اگر مثالی از متن را در گزینه‌ها دیدیم، صد در صد رد کنیم (چون ناخواسته مصداق جزئی بودن گزینه است)!

تیپ دوم: هدف نویسنده، دلیل و چرایی

نوع اول: هدف نویسنده / هدف اصلی نویسنده / هدف اولیه نویسنده از نگارش کل متن (هدف کلی)

نوع دوم: هدف نویسنده / هدف اصلی نویسنده / هدف اولیه نویسنده از یک پاراگراف مشخص (هدف جزئی)

شکل کلی صورت سوال این تیپ تست‌ها عبارت است از:

What is the purpose of the passage? (کلی)

What is the main purpose of the passage? (کلی)

What is the primary purpose of the passage? (کلی)

What is the author's purpose in the third paragraph? (جزئی)

In the third paragraph, writer tries to.... (جزئی)

۱. نحوه پاسخ‌گویی به سوالات تیپ اول درست مانند پاسخ‌گویی به سوالات ایده اصلی کل متن می‌باشد. چرا که هدف نویسنده از نوشتن یک متن، همان رساندن

مفهوم کل متن یا عنوان متن می‌باشد (ارجاع به شیوه پاسخ‌گویی تیپ اول، نوع اول).

۲. حتماً سوالات دین و زندگی دوران دبیرستان را به یاد دارید که همیشه سوالاتی تحت عنوان علت و معلول (رابطه علی و معلولی) وجود داشت. به این دو جمله دقت کنید:

«علیرضا بزرگ‌تر است، پس مهدی را می‌بخشد.»

«علیرضا مهدی را می‌بخشد چون بزرگ‌تر است.»

مفهوم این دو جمله با هم یکسان است و اگر این سوال را بپرسیم که چرا مهدی بخشیده می‌شود، می‌گوییم چون علیرضا بزرگ‌تر است. نکته اصلی در بحث سوالات چرایی (why questions) متون روانشناسی به زبان انگلیسی در کنکور ارشد هم همین است! فقط باید به این نکته دقت کنیم که دلیل چرایی می‌تواند بعد یا قبل از یک جمله یا عبارت خاص بیاید. پس دلیل نوشتن پاراگراف دوم را باید در جمله اول پاراگراف دوم و جمله آخر پاراگراف اول بیابیم؛ یا مثلاً دلیل نوشتن پاراگراف پنجم در خط اول پاراگراف پنجم و خط آخر پاراگراف چهارم نهفته است. نوع سوم: هدف نویسنده از اشاره یا ارجاع به یک کلمه یا عبارت خاص در مکان خاصی از متن

Why does the author refer to X in paragraph one?

Why did the author mention X in paragraph 2?

۱. از تکنیک Scan استفاده می‌کنیم و ابتدا کلمه یا عبارت مشخص شده صورت سوال را در متن پیدا می‌کنیم.

۲. به قبل یا بعد از مورد اشاره شده توجه می‌کنیم (درست مثل سوالات چرایی).

۳. جواب یا عیناً در گزینه‌ها آمده است یا در هیبت مشابه آن ظاهر می‌شود.

دو نکته در پاسخ‌گویی به سوالات تیپ هدف نویسنده و یافتن چرایی‌ها:

۱. نتیجه اخلاقی این است که برای پیدا کردن چرایی‌ها غالباً باید به عقب برگردیم؛ چون "دلیل یک چرایی" در ادامه یک علت می‌آید!

۲. در ابتدای گزینه‌های این تیپ سوالات غالباً مصدر می‌بینیم. مثل:

To explain = ... که توضیح دهد

To discuss = ... که بحث کند

To support = ... که حمایت کند

To mention = ... که اشاره کند به

To summarize = ... که خلاصه کند

To give example = ... که مثال بزند

To define = ... که توصیف کند

To relate = ... که ربط دهد

To advise = ... که توصیه کند

To answer = ... که پاسخ دهد

To provide = ... که فراهم کند

To show = ... که نشان دهد

To emphasize = ... که تاکید کند

To inform = ... که اطلاع دهد

To propose = ... که پیشنهاد دهد

تیپ سوم: ارجاعات ضمیر، کلمات، عبارت

The word / pronoun "X" in line 14 refers to

What does the word / pronoun "X" in line 2 refers to?

۱. با Scan سریعاً به محل ضمیر یا کلمه (محل وقوع جرم!) می‌رویم.

۲. از تکنیک نقطه‌یابی برای یافتن ابتدا و انتهای جمله استفاده می‌کنیم.

۳. در ۹۹٪ موارد مرجع ضمیر یا کلمه در قبل از آن قرار دارد (ارجاع به معنای بازگشت است)!

۴. بعضی اوقات، ضمیر یا کلمه مورد نظر به ضمیر یا کلمه دیگری برمی‌گردد که باید آنقدر به عقب برگردیم تا پیدایش کنیم.

۵. ضمیر، کلمه یا عبارت باید از نظر جنس و تعداد با مرجع آن مطابقت داشته باشد.

۶. گاهی پیش آمده‌است که آنچه کلمه، ضمیر یا عبارت به آن بر می‌گردد یک عبارت، گروه وصفی / اضافی یا حتی یک مفهوم ضمنی است که با پیش‌روی به عقب می‌توانیم آن را پیدا کنیم. از عقب رفتن هیچگاه نترسید، چرا که گاهی مشاهده شده‌است برای یافتن یک ارجاع باید چندین جمله به عقب‌تر مراجعه کنید تا بتوانید ارجاع آن را متوجه شوید.

۷. عدم تطابق بین گزینه و متن: اگر طراح در گزینه‌ها به یک کلمه از یک ترکیب وصفی یا اضافی اشاره کند و آن ترکیبی که در متن بوده‌است را کامل در گزینه نیاورد یا حتی گزینه جمع باشد و در متن مفرد آمده‌باشد یا گزینه مفرد باشد اما در متن جمع آن کلمه آمده‌باشد، این گزینه حذف است و صرفاً جهت گمراهی شما آورده شده‌است!

نوع اول: سوالات جزئی با کلمه یا عبارتی مشخص

According to the passage/author, "X....."

It is mentioned in the passage that "X....."

The passage states that.....

According to the second paragraph, "X....."

If what the author says is true..... ,

If the author is true then "X....."

ابتدا Scan می‌کنیم.

۱. به محل جواب در متن می‌رویم چرا که در حوالی همان کلمه یا عبارت جواب پنهان شده است.

۲. در این تیپ سوالات باید مواظب واژگان مترادف صورت سوال یا گزینه‌ها در متن باشیم.

نوع دوم: سوالاتی که طبق متن، درست یا اشتباه بودن گزینه‌ها را از ما می‌خواهد.

According to the passage it is not true that.....

According to the passage it is true that.....

۱. اسکیم و اسکن، هر دو بازوان پرتوان ما برای پاسخ‌گویی به سوالات این‌چنینی هستند. باید تک‌تک گزینه‌ها را در متن پیدا کنیم و درست یا غلط بودن آن را در متن مشخص کنیم.

۲. برای پاسخ‌گویی به این دسته از سوالات بیشتر نیازمند اطلاعات از متن هستیم؛ اما در یکی دو سال اخیر شاهد ورود گزینه‌های استنباطی‌تر هم بوده‌ایم. این سوال باید یکی از سوالاتی باشد که در آخرین الویت‌ها به آن پاسخ می‌دهیم چرا که ممکن است استنباطی-جزئی باشد (چند گزینه جزئی و چند گزینه استنباطی). در این تیپ سوالات باید مواظب واژگان مترادف صورت سوال یا گزینه‌ها در متن باشیم و این موضوع هم خود دلیلی بر استنباطی‌تر شدن این دسته از سوالات است.

نوع سوم: سوالاتی که نتیجه‌گیری نویسنده را از ما می‌خواهد.

The author finally concludes that.....

علاوه بر اینکه اسکیم و اسکن هر دو در پاسخ‌گویی به این دسته از سوالات کاربرد دارند، همانطور که از صورت سوال بر می‌آید و ما هم قبلاً راجع به ساختار کلی متن‌ها صحبت کردیم، منطقاً پاسخ در پاراگراف آخر متن نهفته است! طراحان سوال در بسیاری از موارد جهت گمراهی و گیج کردن مخاطب از واژگان مترادف استفاده می‌کنند.

تیپ پنجم: کشف معنای واژگان ناآشنا

The word "X" in line 4 is closest in meaning to.....

The word "X" in line 10 means.....

What does "X" in line 20 refers to?

۱. برای پاسخ‌گویی به این تیپ از سوالات باید از نکات بحث واژگان ناآشنا در فصل قبل استفاده کنیم. لطفاً صرفاً به دانش خود تکیه نکنید، چرا که امکان دارد لغتی که از دوران طفولیت با آن انس و الفت داشته‌اید، در معنای دیگری در آن جمله ظهور کرده باشد!

۲. از جایگزینی گزینه‌ها در جمله اصلی غفلت نکنید و حتماً گزینه احتمالی مدنظر خود را یک بار در جمله اصلی جایگزین کنید و ببینید که آیا جواب می‌دهد یا خیر. اگر در سوالی، گزینه‌های مترادفی وجود داشت، حتماً کل گزینه‌های مترادف را حذف کنیم.

تیپ ششم: حدس موضوعات پاراگراف‌های ناموجود در متن

The paragraph preceding the passage most probably discusses.... (حدس پاراگراف ناموجود قبل متن)

What is most likely the subject of paragraph following this passage? (حدس پاراگراف ناموجود بعد از متن)

۱. برای بررسی متنی ناموجود که قبل از اولین پاراگراف این متن بوده، باید به خط اول پاراگراف اول مراجعه کرده و آن را بخوانیم. بعد از مطالعه خط اول پاراگراف اول، گزینه‌ای را انتخاب می‌کنیم که مفهوم کلی‌تری را از خط اول پاراگراف اول به ما ارائه کند (چون عملاً این پاراگراف ناموجود در متن اگر بخواهد وجود داشته

برای شروع متن خوانی و تمرین خواستیم از سال ۱۴۰۲ شروع کنیم اما دیدیم قطعاً چیز خوبی از کار در نمی‌آید و شاید وحشت کنید! پس رفتیم به ۱۲ سال پیش و با متن‌های سال ۹۰ شروع کردیم.

تا قبل از سال ۸۹، درس متون روانشناسی به زبان انگلیسی در کنکور ارشد روانشناسی به این شکلی که امروز هست، نبود! سوالات واژگان، گرامر، کلوز تست و درک مطلب داشت. در تمام متن‌های این کتاب، معانی لغات، عبارات و اصطلاحات عمومی و تخصصی را به تفکیک متن و سال آورده‌ایم و در متن‌ها الویت‌بندی پیشنهادی جهت حل سوالات را ارائه کردیم. سوالات به دو دسته جزئی‌تر و استنباطی‌تر تقسیم شده‌اند و خانه یکی از سوالات جزئی‌تر را به رنگ خاکستری درآورده‌ایم، چرا که می‌تواند شروع خوبی برای پاسخ‌گویی به سوالات متن باشد و دلیل انتخاب آن سوال به عنوان سوال شروع این است که ما را به سمت اسکیم کردن متن هل می‌دهد! بعد از تعیین الویت اول برای پاسخ‌گویی (سوال داخل خانه خاکستری رنگ)، برای الویت‌بندی سراغ سایر سوالات جزئی‌تر بروید و بعد از اتمام الویت‌بندی تمام سوالات جزئی‌تر، الویت‌های آخر را به سوالات استنباطی‌تر اختصاص دهید. بین سوالات دسته جزئی‌تر و یا سوالات دسته استنباطی‌تر، الویت‌بندی معمولی را انجام دادیم اما الزاماً قرار نیست برای شما هم مناسب باشد! چرا که بعد از مدتی تمرین متوجه خواهید شد که چه سوالاتی را در هر دسته راحت‌تر و سریع‌تر پاسخ می‌دهید و حسب تجربه به این مهم خواهید رسید.

در بحث الویت‌بندی سوالات جهت پاسخ‌گویی در جلسه کنکور که باید از هم اکنون تمرین شود، دو هدف را دنبال می‌کنیم:

۱. نظم‌بخشی به ذهن داوطلب با طبقه‌بندی اطلاعات متن

۲. تسریع در پاسخ‌گویی در عین کاهش زمان پاسخ‌گویی به سوالات

شیوه الویت‌بندی پاسخ‌گویی به سوالات الزاماً یک نوع نیست ولی طبق یک سری اصول مشخص انجام می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. اولین سوال برای پاسخ‌گویی باید سوالی باشد که ما را وادار به اسکیم متن کند؛ مثل = ایده اصلی متن، انتخاب عنوان و...

۲. اگر بین سوالات، هیچ سوالی وجود نداشت که صرفاً با اسکیم انجام شود، از جزئی‌ترین سوالات شروع به الویت‌بندی جهت پاسخ‌گویی می‌کنیم؛ مثل: حدس پاراگراف قبل، حدس پاراگراف بعد و... اما قبل شروع به پاسخ‌گویی از سوالات جزئی، حتماً باز هم متن را اسکیم می‌کنیم.

۳. سوالاتی مثل سوالات `except / not / true / false` و سوالات استنباطی را باید در آخرین الویت‌های پاسخ‌گویی قرار دهیم تا به وسیله سایر سوالات به اشراف تقریباً کاملی از متن برسیم.

PASSAGE 1

Humanistic psychology tends to ignore social change research. Isaac Prilleltensky, a self-described radical who champions community and feminist psychology, has argued for years that humanistic psychology inadvertently contributes to systemic injustice.

Further, it has been argued that the early incarnations of humanistic psychology lacked a Cumulative empirical base, and the architects of the movement endorsed an "unembarrassed denial of human reciprocity and community." However, according to contemporary humanistic thinkers, humanistic psychology need not be understood to promote such ideas as narcissism, egotism, or selfishness.

The association of humanistic discourse with narcissistic and overly optimistic worldviews is a mis-reading of humanistic theory. In their response to Seligman & Csikszentmihalyi (2000). Bohart and Greening (2001) note that along with pieces on self-actualization and individual fulfillment, humanistic psychologists have also published papers on a wide range of social issues and topics, such as the pro-motion of international peace and understanding, awareness of the holocaust, the reduction of violence, and the promotion of social welfare and justice for all.

The point that humanistic psychology lacks an "empirical base" has tended to rely on restricted views of what constitutes "empirical," an uncritical adoption of natural science methods, and an outright neglect of Rogers, own empirical work. To the contrary, humanistic psychology has a long history of empirical research, including but not limited to the work of Maslow, Amedeo Giorgi and David Elkins. In fact, humanistic psychology research traces its origins all the way back to American psychology pioneer William James' masterpiece, "Varieties of Religious Experience".

1-What does the passage mainly discuss?

- | | |
|---------------------------------------|--|
| 1) Criticism of Humanistic Psychology | 2) Community and Human Reciprocity |
| 3) Community and Feminist Psychology | 4) International Peace and Understanding |

2-According to the passage, Isaac Prilleltensky.-----

- 1) opposes community and feminist psychology
- 2) advocates humanistic psychology
- 3) holds that humanistic psychology ignores social change research
- 4) believes that humanistic psychology contributes to systemic injustice

3-Reading the second paragraph, which of the following is true of current humanistic psychology?

- 1) Its first manifestations were totally based upon empirical research.
- 2) Its early supporters accepted human reciprocity and community.
- 3) It does not promote such ideas as narcissism, egotism, or selfishness.
- 4) It endorses unembarrassed denial of human reciprocity and community.

4-According to Bohart and Greening, humanistic psychology.-----

- 1) does not deal with social issues such as awareness of the holocaust.
- 2) also deals with personal issues like the demotion of welfare and justice.
- 3) also deals with social topics such as reduction of violence.
- 4) does not deal with personal topics like self-actualization and individual fulfillment.

5-According to the author, the interrelationship of humanistic psychology with narcissism and optimistic worldviews.-----

- | | |
|--|---|
| 1) covers a wide range of social issues and topics | 2) promotes international peace and understanding |
| 3) is a concept accepted by all psychologists | 4) is a misunderstanding |

6-Reading the above passage, one can infer that humanistic psychology.-----

- 1) uncritically adopts natural science methods
- 2) lacks an empirical base
- 3) has a long history of empirical research
- 4) has restricted views of what constitutes empirical

7 -The author finally states that the research in the field of humanistic psychology.-----

- 1) is indebted to uncritical adoption of natural science methods
- 2) totally neglects Rogers' empirical work
- 3) is restricted to the work of Maslow, Amedeo Giorgi and David Elkins
- 4) dates back to American psychology pioneer William James's masterpiece

● متن ۱

روانشناسی انسان‌گرا معمولاً پژوهش در تغییرات اجتماعی را رد می‌کند. ایزاک پرپلتنسکی، که خود را به‌عنوان یک فرد تندرو توصیف می‌کند از حامیان جامعه و روانشناسی فمینیست است، برای سال‌ها استدلال کرد که روانشناسی انسان‌گرا سهواً در بی‌عدالتی ساختاری نقش دارد.

بعدها، این بحث پیش آمد که فرضیات اولیه روانشناسی انسان‌گرا مبنای تجربی تجمیعی ندارد و عاملان این حرکت از یک «انکار قاطعانه از تقابل انسان و جامعه» حمایت کردند. با این حال، طبق متفکران انسان‌گرای معاصر، روانشناسی انسان‌گرا نباید با ترویج چنین ایده‌هایی مانند خودشیفتگی، خودمحوری و خودخواهی شناخته شود. پیوند میان گفتمان‌های انسان‌گرایی با خودشیفتگی و نگرش‌های بیش از حد خوش‌بینانه، برداشتی نادرست از نظریه انسان‌گرایی است. سلیگمن و سیکزنتمیهای (۲۰۰۰)، بُهارت و گرینینگ (۲۰۰۱) یادآور شدند که روانشناسان انسان‌گرا افزون بر آثار خود در باب خودشکوفایی و تحقق فردی، مقالاتی را درباره طیف گسترده‌ای از مسائل و موضوعات همچون برجسته‌سازی صلح و درک جهانی، آگاهی از هولوکاست، کاهش خشونت و ترویج رفاه اجتماعی و عدالت برای همگان منتشر ساختند.

این نکته که روانشناسی انسان‌گرا «مبنای تجربی» ندارد، معمولاً بر دیدگاه‌های محدودی از آنچه «تجربی» تلقی می‌شود، پذیرشی غیرانتقادی از روش‌های علوم طبیعی و غفلت آشکار از کارهای تجربی خود را جرز تکیه می‌کند. بر خلاف آن، روانشناسی انسان‌گرا پیشینه‌ای طولانی در تحقیقات تجربی دارد، از جمله، اما نه محدود به کارهای مزلو، آمدنو گیورگی و دیوید الکینز. در واقع، منشأ پژوهش‌های روانشناسی انسان‌گرا، به شاهکار پیشگام آمریکایی روانشناسی، ویلیام جیمز به نام «انواع تجربیات مذهبی» برمی‌گردد.

سوالات جزئی‌تر	۱	۲	۴	۵
سوالات استنباطی‌تر	۳	۶	۷	-

۱. گزینه ۱ - این متن عمدتاً در مورد چه موضوعی بحث می‌کند؟

(۱) انتقاد از روانشناسی انسان‌گرا (۲) تقابل جامعه و انسان

(۳) جامعه و روانشناسی فمینیست (۴) صلح و درک جهانی

۲. گزینه ۲ - بر اساس متن، ایزاک پرپلتنسکی.....

(۱) با جامعه و روانشناسی فمینیست مخالف است.

(۲) از روانشناسی انسان‌گرا طرفداری می‌کند.

(۳) باور دارد که روانشناسی انسان‌گرا، پژوهش در تغییرات اجتماعی را رد می‌کند.

(۴) معتقد است که روانشناسی انسان‌گرا در بی‌عدالتی ساختاری نقش دارد.

۳. گزینه ۳ - با توجه به بند دوم، کدام یک از موارد زیر راجع به روانشناسی انسان‌گرای معاصر درست است؟

(۱) نخستین تجلیات آن کاملاً بر مبنای پژوهش‌های تجربی بود.

(۲) حامیان اولیه آن تقابل انسان و جامعه را پذیرفتند.

(۳) ایده‌هایی مانند خودشیفتگی، خودمحوری و خودخواهی را ترویج نمی‌کند.

(۴) انکاری قاطعانه از تقابل انسان و جامعه را تأیید می‌کند.

۴. گزینه ۳ - بر طبق بُهارت و گرینینگ، روانشناسی انسان‌گرا.....

- (۱) با مسائل اجتماعی همچون آگاهی از هولوکاست سروکار ندارد.
- (۲) به مسائل شخصی همچون تنزیل رفاه و عدالت هم می‌پردازد.
- (۳) به موضوعات اجتماعی مانند کاهش خشونت هم می‌پردازد.
- (۴) با موضوعات شخصی مانند خودشکوفایی و تحقق فردی سروکار ندارد.

۵. گزینه ۴ - بر طبق (نظر) نویسنده، رابطه میان روانشناسی انسان‌گرا و خودشیفتگی و نگرش‌های خوش‌بینانه.....

- (۱) طیف گسترده‌ای از مسائل و موضوعات اجتماعی را پوشش می‌دهد.
- (۲) صلح و درک جهانی را ترویج می‌کند.
- (۳) مفهومی است که توسط همه روانشناسان پذیرفته می‌شود.
- (۴) یک برداشت نادرست است.

۶. گزینه ۳ - پس از خواندن متن بالا، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که روانشناسی انسان‌گرا.....

- (۱) بدون انتقاد، روش‌های علوم طبیعی را می‌پذیرد.
- (۲) فاقد مبنای تجربی است.
- (۳) پیشینه‌ای طولانی در پژوهش تجربی دارد.
- (۴) دیدگاه‌های محدودی درباره آنچه تجربی تلقی می‌شود، دارد.

۷. گزینه ۴ - نویسنده در نهایت بیان می‌کند که پژوهش در زمینه روانشناسی انسان‌گرا.....

- (۱) مدیون پذیرش غیرانتقادی روش‌های علوم طبیعی است.
- (۲) به طور کامل کارهای تجربی راجرز را نادیده می‌گیرد.
- (۳) به کارهای مزلو، آمدنو گیورگی و دیوید الکینز محدود شده است.
- (۴) ریشه در شاهکار پیشگام آمریکایی روانشناسی، ویلیام جیمز دارد.

روانشناسی انسان‌گرا = humanistic psychology

خودتوصیفی = self-described

حمایت کردن = champion

مظهر، تجسم = incarnation

مبنای تجربی = empirical base

عاملان یا طراحان جنبش = architects of the movement

خودشیفتگی = narcissistic

خودخواهی = selfishness

برداشت نادرست = misreading

آثار، مقالات = pieces

رفاه اجتماعی = social welfare

کاهش = reduction

ترویج = promotion

انواع = varieties

شاهکار = masterpiece

معمولاً، تمایل دارد = tends to

تندرو = radical

بی‌عدالتی ساختاری = systemic injustice

تجمیعی = cumulative

بدون خجالت، قاطعانه = unembarrassed

متفکران انسان‌گرای معاصر = contemporary humanistic thinkers

خودمحوری = egotism

نگرش بیش از حد خوش‌بینانه = overly optimistic worldview

خودشکوفایی = self-actualization

تحقق = fulfillment

صلح جهانی = international peace

مقالات = papers

آشکار، کامل = outright

پژوهش تجربی = empirical research

PASSAGE 2

Humanistic psychology includes several approaches to counseling and therapy. Among the earliest approaches we find the developmental theory of Abraham Maslow, emphasizing a hierarchy of needs and motivations; the existential psychology of Rollo May acknowledging human choice and the tragic aspects of human existence; and the person-centered or client-centered therapy of Carl Rogers, which is centered on the clients' capacity for self-direction and understanding of his/her own development.

در این قسمت یکی از بزرگترین دغدغه‌های داوطلبین با پایه ضعیف را مرتفع ساخته‌ایم. کل لغات پایه را با شیوه آموزش و تالیف D.E (آموزش طبقه‌بندی شده لغات بر مبنای مترادف‌ها، متضادها، مشابهت‌های آوایی و املائی و... مطابق آنچه در فصل صفر گفته شده است) در این بخش تالیف و گردآوری کرده‌ایم.

توجه: اگر پایه لغوی شما متوسط یا بالاتر از آن است، می‌توانید از مطالعه این بخش صرف نظر کنید. اما به صورت کلی پیشنهاد می‌دهیم اگر سطح متوسط یا بالاتری دارید، لغات این بخش را با صرف زمان کوتاهی جمع‌بندی کنید.

Nature = طبیعت / ذات، سرشت	Winter = زمستان	Rock = سنگ، صخره
Natural = طبیعی / ذاتی	***	Rocky = سنگلاخی
Environment = محیط زیست / محیط	Cloud = ابر	Stone = سنگ
Phenomena/ Phenomenon = پدیده	Cloudy = ابری	Everest = قله اورست
Phenomenological = پدیدارشناختی	Sun = خورشید	Peak = قله کوه / اوج
***	Sunny = آفتابی	Garden = باغ، باغچه
World = عالم، دنیا / کره زمین	Rain = باران، باریدن	Gardener = باغبان
Word = کلمه	Rainy = بارانی	Gardening = باغبانی
Worldwide = جهانی، در سراسر جهان	Heavy rain = باران سنگین	Grass = علف، چمن
Global = جهانی	Thunderstorm = رعد و برق، طوفان	Flower = گل
Globally = به طور جهانی	Flood = سیل	Tree = درخت
Universe = جهان	Snow = برف	Root = ریشه / اصل، مبدا
Universal = جهانی	Snowy = برفی	Leaf = برگ
Universally = به طور جهانی	Wind = باد	leaves = برگ‌ها
University = دانشگاه	Strong wind = باد شدید	Stem = ساقه
***	Windy = بادی	Stew = دم کردن، با آتش ملایم پختن / نگرانی / گرمی
Sky = آسمان	Storm = طوفان، بحران	Steam = بخار
Heaven = بهشت، ملکوت / آسمان	Stormy = طوفانی	***
Heavenly = بهشتی، آسمانی / زیبایی	***	Wild life = حیات وحش، طبیعت
Paradise = بهشت	Ocean = اقیانوس	Wild = وحشی / حیوان وحشی / گیاه خودرو
Earth = زمین	Sea = دریا	Animal = حیوان
Earthly = زمینی، دنیوی	See = دیدن	Mammal = پستاندار
Earthquake = زلزله	Waterway = آبراه، راه آبی، کانال	Zoo = باغ وحش
***	Lake = دریاچه	Zoo keeper = نگهبان باغ وحش
Air = هوا	Wave = موج	***
Weather = آب و هوا	Nile = رود نیل	Horse = اسب
Climate = اقلیم	River = رود	Camel = شتر
***	Jungle = جنگل	Giraffe = زرافه
Season = فصل	Forest = جنگل	Zebra = گورخر
Chapter = فصل، قسمت (کتاب و غیره)	Wood = جنگل، بیشه	Elephant = فیل
Spring = بهار	Desert = بیابان، صحرا	Gazelle = غزال، آهو
Summer = تابستان	Dessert = دسر	Bear = خرس / تحمل کردن
Fall = پائیز / افتادن	Mountain = کوه	Panda = پاندا

Monkey = میمون

Sheep = گوسفند

Ship = کشتی

Pig = خوک

Cow = گاو

Cattle = گله گاو

Goat = بز

Wolf = گرگ

Wolves = گرگ ها

Dog = سگ

Bark = پارس کردن

Fur = خز، پشم

Cat = گربه

Kitty = بچه گربه

Kite = بادبادک

Lion = شیر

Leopard = پلنگ

Tiger = ببر

Cheetah = چیتا، یوزپلنگ

Fish = ماهی

Gold fish = ماهی قرمز

Whale = وال، نهنگ

Shark = کوسه

Dolphin = دلفین

Mouse = موش

Mise = موش ها

Snake = مار

Insect = حشره

Mosquito = پشه

Ant = مورچه

Anthill = لانه مورچه

Aunt = عمه / خاله

Duck = اردک

Hen = مرغ

Chicken = جوجه

Chick = بچه پرند

Bird = پرند

Pigeon = کبوتر

Parrot = طوطی

Sparrow = گنجشک

Fly = پرواز کردن / مگس

Feather = پر

Hatch = (از تخم در آمدن) جوجه

Cage = در قفس نگه داشتن / قفس

Birds of a feather flock together =

کبوتر با کبوتر باز با باز

The early bird catches the worm =

سحرخیز باش تا کامروا شوی

Don't count your birds before the hatch = جوجه

را آخر پائیز می شمارند

Kill two birds with one stone = با یک تیر دو

نشان زدن

Plant = گیاه / کاشتن

Plan = برنامه / برنامه ریزی کردن

Plain = دشت، جلگه / ساده، واضح

Plane (air plane) = هواپیما

Planet = سیاره

Galaxy = کهکشان

Star system = منظومه شمسی

Atmosphere = جو، اتمسفر

Space = فضا

Spatial = فضایی

Space station = ایستگاه فضایی

Alien = بیگانه / غریبه

Astronaut = فضانورد

Satellite = ماهواره

Spaceship = سفینه فضایی

Telescope = تلسکوپ

Hubble = (تلسکوپ) هابل

Time machine = ماشین زمان

Super human = مافوق بشر

Star = ستاره

Mars = مریخ، بهرام

Red planet = (سیاره) سرخ (مریخ)

Saturn = زحل، کیوان

Uranus = اورانوس

Pluto = پلوتون

Mercury = عطارد

Venus = زهره، ناهید

Jupiter = مشتری

Neptune = نپتون

Observatory = رصد خانه

Observe = با توجه نگریستن، مشاهده کردن

Observation = مراقبه، توجه

Observer = ناظر، مراقب

Life = زندگی، حیات

Live = زیستن، زندگی کردن

Live (زنده) (انسان / برنامه تلویزیونی)

Living = زنده، جاندار

Living thing = موجود زنده

Alive = در قید حیات، زنده

Life style = سبک زندگی

Lifetime = طول عمر

Life span = چرخه زندگی، طول عمر

Life skill = مهارت زندگی

Exist = وجود داشتن

Existing = موجود

Existence = وجود، زندگی

Die = مردن

Dead = مرده

Death = مرگ

Die out = نابود شدن، به کلی از بین رفتن، منقرض شدن

شدن

Pass away = جان خود را از دست دادن، فوت شدن

Grave = گور، قبر

Cradle = گهواره / مهد

Cemetery = قبرستان

Monument = بنای یادبود، بقعه، مقبره

Mortality = مرگ و میر

Suicide = خودکشی

Genocide = قتل عام

Homicide = قتل، آدم کشی

Sacrifice = فدا کردن / قربانی کردن / قربانی

Hurt = آسیب زدن، آسیب دیدن

Hunt = شکار کردن

Hunting = شکار

Hunter = شکارچی

Kill = کشتن

Killer = قاتل

Murder = به قتل رساندن

Murderer = قاتل

Colony = گروه دسته (مستعمره، مهاجرنشین /

جانوران و گیاهان) / کلونی، باکتری ها

Colonial = استعماری

Colonist = مستعمره نشین

Flock = گله، رمه، جمعیت

Plan = برنامه ریزی کردن، نقشه کشیدن / طرح، برنامه

Program = برنامه ریزی کردن / برنامه / برنامه رادیو

و تلویزیون و غیره

Schedule = زمان بندی کردن / زمان بندی

According to plan = طبق برنامه

According to = به عقیده، طبق

In accordance with = در مطابقت با

In agreement with = به قول، مطابق

Map = نقشه برداشتن، نقشه کشیدن / نقشه

Project = پروژه، طرح

Strategy = راهبرد، تدبیر

Strategic = با تدبیر، استراتژیک

Tactic = ترند

Tactical = تکتیکال

Plain = روشن، آشکار، واضح / دشت، جلگه / ساده

Plainly = صریحاً، به طور ساده

Obvious = آشکار، واضح، روشن

Obviously = به طور واضح

Apparent = آشکار، واضح / ظاهر

Apparently = ظاهراً

Lucid = روشن، شفاف

Vivid = واضح، روشن / سرزنده

Legible = خوانا، روشن

Openly = آشکارا، بی پرده

Clearly = به طور واضح

Unclear = ناواضح، ناشفاف

Evident = آشکار، واضح، مشهود

Evidence = ثابت کردن / گواهی، سند

Evidential = متکی به مدرک و دلیل، دارای شاهد

و مدرک

Evidentiary = دلالت کننده، حاکی

Evidentially = بر پایه، براساس

Document = سند، مدرک

Documentary = مستند، موثق

Clarify = واضح کردن، روشن کردن، تصریح کردن

Clarification = تصریح، وضوح، روشنی

Clarifiable = قابل توضیح، قابل تصریح

Clarificant = ماده تصفیه کننده

Clarificatory = روشننگر

Unfold = آشکار کردن / رها کردن

Reveal = آشکار کردن، نشان دادن

Relieve = تسلی دادن / کمک کردن

Relive = دوباره مجسم کردن، در ذهن مرور کردن،

بازسازی کردن

Revile = توهین کردن، تحقیر کردن

Revive = احیا کردن، زنده کردن، رواج دادن

Survive = زنده ماندن

Revolve = چرخیدن، گردیدن / تغییر کردن / تامل کردن

Revved = حاضر و آماده / آشفته بودن /

رانده شده

Reverse = معکوس / وارونه کردن

Revise = اصلاح کردن، تجدیدنظر کردن

Recessive = بازگشتی / مغلوب / نهفته

Receive = وصول کردن، دریافت کردن

Receiver = گیرنده

Deliver = تحویل دادن

Delivery = تحویل / بیان، طرز بیان

Impart = تحویل دادن، رساندن / بیان کردن

Send = فرستادن، ارسال کردن

Sender = فرستنده

Send out = بیرون دادن

Send way = سفارش پستی دادن

Post = پست / پست کردن

Post office = اداره پست

Postman = نامه رسان، پستیچی

Message = پیام، پیغام

Messenger = پیغام رسان

Leave a message = پیغام گذاشتن

Get a message = پیغام دریافت کردن

Deliver a message = پیغام رساندن

Express = بیان کردن / سریع / صریح

Expression = چهره / حالت / اصطلاح / بیان، اظهار

Expressly = به طور واضح

Expressive = معنی دار، گویا

Express way = بزرگراه

Explicit = صریح، بی پرده

Explicitly = صراحتاً، به طور بی پرده

Implicit = پنهان، ضمنی

State = بیان کردن / وضعیت، حالت / دولت، ایالت

State dependent = وابسته به حالت

As stated = چنانچه شرح داده شد

Status = وضعیت، حالت / شان، مقام

Dignity = وقار، شان، مقام، کرامت

Announce = اعلام کردن

Announcement = گوینده، اعلام کننده / اطلاعیه، آگهی

Enunciate = اعلام کردن، صریح گفتن

Term = اصطلاح / ترم، نیم سال / دوره

Era = عصر یا دوره

Idiom = اصطلاح

Idiomatic = اصطلاحی

Proverb = ضرب المثل

Period = دوره، دوران، مدت / نقطه (نشانه گذاری)

Century = قرن

Decade = دهه

Contemporary = معاصر، هم دوره

Contemplate = اندیشیدن، تفکر کردن

History = تاریخ

Historical = تاریخی

Historically = از لحاظ تاریخی

Historian = مورخ، تاریخدان

Historic = تاریخی

Ancient = باستانی، کهن

Course = دوره، ترم

Coarse = خشن، بی ادب

Cruel = بی رحم

Cruelly = بی رحمانه

Cruelty = بی رحمی، سقاوت

Crucial = حیاتی، بسیار مهم

Brutal = وحشی

Brutally = وحشیانه

Brute = حیوان، جانور، حیوان صفت

Savage = وحشی

Savagely = وحشیانه

Wild = وحشی

Wildly = وحشیانه

Fierce = وحشی، درنده، خشن

Harsh = ناگوار، تند، خشن، سخت

Hostile = خصومت آمیز / دشمنی

Vicious = وحشی، بی رحم، خطرناک

Villain = شرور، جنایتکار

Evil = بدی / جن، روح شیطانی

Wicked = شرور، تبهکار، بدخو

Weak = ضعیف

Weakness = نقطه ضعف

Weaken = ضعیف کردن

Week = هفته

Wake = بیدار کردن

Wake up = بیدار شدن، بیدار کردن / بیدار شو

Waken = بیدار کردن

Wakefulness = هشیاری

Awake = بیدار، بیدار شدن

Awaken = بیدار کردن

Sleep = خوابیدن

Sleepless = بی خواب

Sleepy = خواب آلود

Dormant = ساکت، خوابیده

Dream = خواب / رویا دیدن، خواب دیدن / در رویا بودن

Dreamer = خیال باف

Dreamy = رویایی

Dream up = خیال پردازی کردن / در سر پروراندن

/ جعل کردن

Pretend = وانمود کردن، تظاهر کردن

Feign = جعل کردن / وانمود کردن، تظاهر کردن

Deceive = فریب دادن، اغفال کردن

Deception = فریب

Fraud = تقلب، فریب، کلاهبرداری

Defraud = کلاهبرداری کردن، فریب دادن

Cheat = تقلب / فریب دادن

Cheater = فریبکار، فریب دهنده

Trick = فریب، حقه / گول زدن

Tricky = مکار، متقلب

Trap = تله، نیرنگ / به دام انداختن

Appear = ظاهر شدن، پدیدار شدن / به نظر رسیدن

Appearance = ظاهر

Disappear = ناپدید شدن، غیب شدن

Seem = به نظر رسیدن

Seeming = ظاهری

Look = نگاه / نگاه کردن، به نظر رسیدن

Look at = نگاه کردن به

Look after = پرستاری کردن، مراقبت کردن

Look for = دنبال چیزی گشتن

Look forward to = در انتظار چیزی بودن

Watch = ساعت مچی / نگاه کردن / مواظب بودن

/ کشیک

Care = دقت، مراقبت / دقت کردن، مراقبت کردن

Careful = محتاط، با دقت، مراقب

Carefully = به طور با دقت، محتاطانه

Careless = بی دقت، بی احتیاط

Carelessly = به طور بی دقت، به طور بی احتیاط

Take care of = مراقبت کردن از

Look after = مراقبت کردن

Be careful about = مراقب بودن درباره

Care for = مراقبت کردن از، اهمیت دادن به

Care about = مراقب بودن

Precaution = احتیاط / احتیاط کردن

Prudent = محتاط، محتاطانه

Cautious = محتاط

Caution = احتیاط، ملاحظه / هشیار کردن، هشدار

دادن

Conscious = آگاه، هشیار

Unconscious = ناآگاه، ناهشیار

Conscience = وجدان

Conscientiousness = با وجدان

Subliminal = نیمه خودآگاه

Be careful = مواظب باش

Take care = مراقب باش

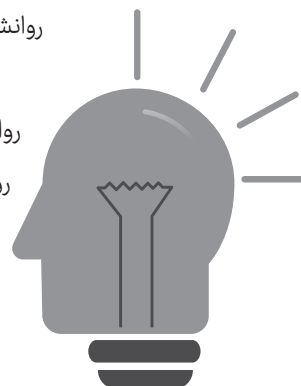
Watch yourself = مراقب خودت باش

Look out = مراقب باش

گرایش‌های عمده شغلی و موضوعات نظری

Comparative psychologist = روانشناس تطبیقی
Cognitive psychologist = روانشناس شناختی
Developmental psychologist = روانشناس رشدی
Educational psychologist = روانشناس تربیتی
Experimental psychologist = روانشناس تجربی
Social psychologist = روانشناس اجتماعی
School psychologist = روانشناس مدرسه
Health psychology = روانشناسی سلامت
Positive psychology = روانشناسی مثبت

Forensic psychology = روانشناسی جنایی
Rehabilitation psychology = روانشناسی توان بخشی
Sports psychology = روانشناسی ورزش
Personality psychology = روانشناسی شخصیت
Evolutionary psychology = روانشناسی تکاملی
Biological psychology (psychobiology) =
روانشناسی زیست شناختی
Psychometric = روان سنجی



روانشناسی صنعتی سازمانی، شغل و استخدام

Industry = صنعت
Industrial = صنعتی
Pay = پرداخت کردن
Payment = وجه
Organize = مدیریت کردن، سازمان دهی کردن،
مرتب کردن
Salary = حقوق
Wage = حقوق
Organization = سازمان، شرکت
Business setting = زمینه شغلی
Organizational = سازمانی، شرکتی
Train = آموزش دادن، تعلیم دادن / قطار
Employ = استخدام کردن
Curriculum = برنامه آموزشی
Employment = استخدام

Gather = جمع آوری کردن
Employer = کارفرما، رئیس
Boss = کارفرما، رئیس
Degree = مدرک / درجه
Employee = کارمند، مستخدم
Interact = تعامل
Job = شغل، کار
Business = شغل، کار
Work = شغل، کار
Career = شغل، کار
Occupation = شغل، کار
Vocation = شغل، کار
Occupational = شغلی، کاری
Vocational = شغلی، کاری
Contest = رقابت کردن

Marketing = بازاریابی
Participate = مشارکت کردن
Participant = مشارکت کننده
Optimum working = کار بهینه
Optimum = بهینه



مشاور



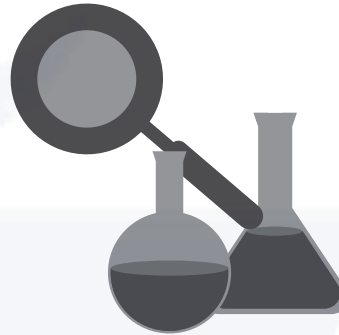
Adviser = راهنما، مشاور
Councilor = مشاور
Counsel = مشورت، تدبیر، توصیه کردن
Patient (n) = بیمار
Patient (adj) = صبور، شکیب، بردبار
Encourage = حمایت کردن، تشویق کردن
Discourage = دلسرد کردن / ناامیدی
Analyze (v) = آنالیز کردن، سنجیدن
Contrast (v/n) = مقایسه کردن، برابر کردن / ضد، مخالف، تضاد
Correlate (v) = همبستگی داشتن، مرتبط کردن

Psychology = روانشناسی	Psychosexual = روانی-جنسی
Psychologist = روانشناس	Psychoanalyst = روان‌کاو
Psychiatric = روانپزشکی	Psychometric = روان‌سنجی
Psychiatrist = روانپزشک	Psychic = پدیده روحی، روانی
Psychodynamic = روان‌پویشی	Psychosis = سایکوز، روان‌پریشی
Psychopathology = آسیب‌شناسی روانی	
Psychopharmacotherapy = روان-دارو درمانی	



تحقیق

Examination = آزمایش
Experiment = آزمایش
Investigation = تحقیق، بررسی، بررسی/تحقیق کردن، بررسی کردن
Investigate = تحقیق، بررسی، بررسی/تحقیق کردن، بررسی کردن
Probe = جست و جو، کاوش / جست و جو کردن، کاوش کردن / کاوشگر



آمار

Population = جمعیت، جامعه نمونه	Metanalysis = فراتحلیل
Paradigm = نمونه، الگو	Correlation coefficient = ضریب همبستگی
Sample = نمونه	Positive correlation = همبستگی مثبت
Random sample = نمونه تصادفی	Negative correlation = همبستگی منفی
Biased sample = نمونه سو دار	Illusory correlation = همبستگی اشتباه
Stratified sample = نمونه لایه‌ای	Cause and effect = علت و معلول
Representative sample = نمونه معرف	Placebo condition = شرایط دارونما
Data = داده	Random assignment = تخصیص تصادفی
Subgroup = زیرگروه	Allocation = تخصیص
Interview = مصاحبه، مصاحبه کردن	Double blind experiment = آزمایش دو سرکور
Longitudinal method = روش طولی	Control group = گروه کنترل
Survey method = روش زمینه‌یابی	Experimental group = گروه آزمایش
Correlational method = روش همبستگی	Dependent variable = متغیر وابسته
Subject = آزمودنی	Independent variable = متغیر مستقل
Replication = قابلیت تولید مجدد، تکرار	Extraneous variable = متغیر نامربوط
Archival research = تحقیق آرشیوی	Expectancy effect = اثر انتظار
Researcher bias = سوگیری محقق	Statistical significance = معناداری آماری
Case study = مطالعه موردی	Conclusion = نتیجه‌گیری
Observer bias = سوگیری ناظر	



Central nervous system = دستگاه عصبی مرکزی

Autonomic = خودمختار

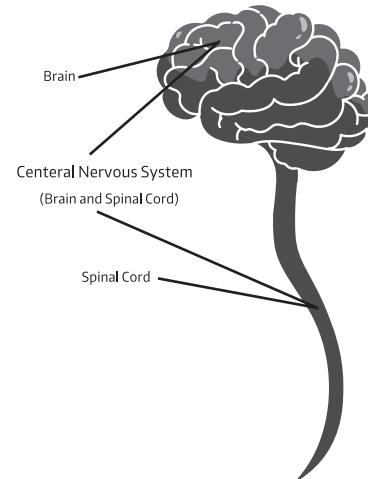
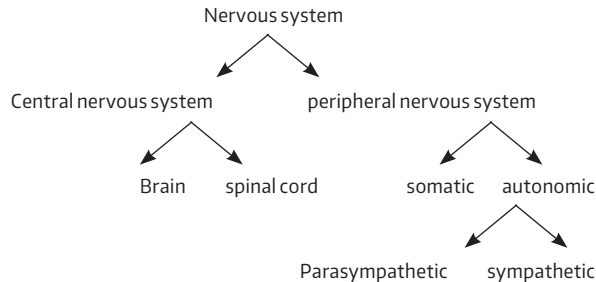
Peripheral nervous system = دستگاه عصبی محیطی

Sympathetic = سمپاتیک

Brain = مغز

Parasympathetic = پاراسمپاتیک

Spinal cord = نخاع



بخش‌های اصلی مغز

Forebrain / Cerebrum = مغز پیشین

Somatosensory = حسی-تنی

Midbrain = مغز میانی

Sulci = شیار، شکاف مغز

Hindbrain = مغز پسین

Gyri = شکنج یا برآمدگی مغز

Frontal lobe = لوب پیشانی

Medulla = بصل النخاع

Parietal lobe = لوب آهیانه

Pons = پل مغزی

Occipital lobe = لوب پس سری

Cerebellum = مخچه

Temporal lobe = لوب گیجگاهی

Limbic system = سیستم لیمبیک

Gray matter = ماده خاکستری مغز

Amygdale = آمیگدال، بادامه

White matter = ماده سفید مغز

Hippocampus = هیپوکامپ

Left hemisphere = نیم کره چپ

Corpus callosum = جسم پینه‌ای

Right hemisphere = نیم کره راست

Relay station = ایستگاه تقویت

Optic chiasma = کیاسمای بینایی

Thalamus = تالاموس

Olfactory bulb = پیاز بویایی

Reticular = مشبک / شبکه‌ای

Olfaction = حس بویایی، استشمام

Lateral = جانبی

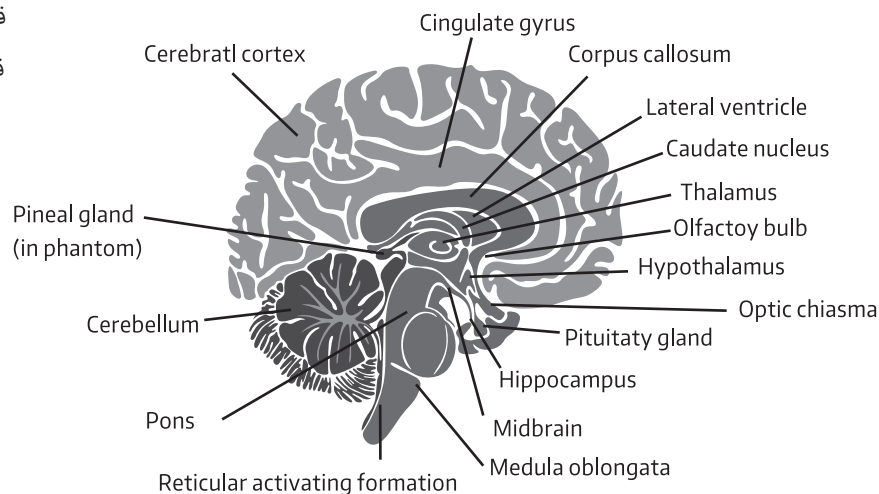
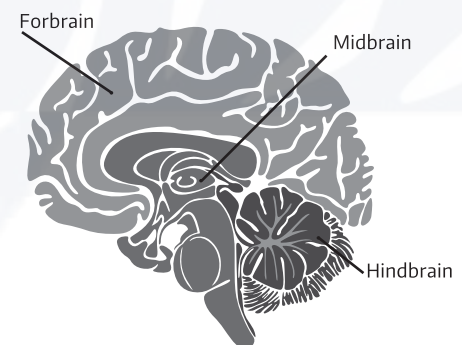
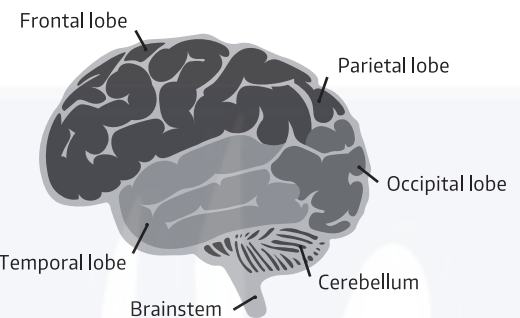
Cerebral cortex = قشر مخ

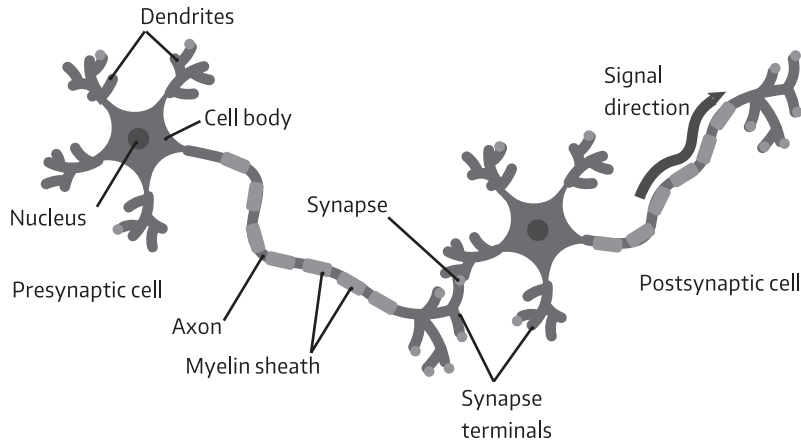
Ventricle = بطن

Auditory cortex = قشر شنوایی

Motor cortex = قشر حرکتی

Visual cortex = قشر بینایی





Dendrite = (دندریت دریافت کننده پیام عصبی)

Cell body = بدنه سلولی

Nucleus = هسته

Axon = آکسون (انتقال دهنده پیام عصبی از دندریت به سوی جسم سلول)

Sensory / Afferent = حسی یا آوران

Motor / Efferent = حرکتی یا وایران

Connector / Interneuron = وصل کننده یا رابط

Synapse = سیناپس (محل ارتباط دو نورون)

Synaptic cleft / Synaptic gap = شکاف سیناپسی (فاصله بین دو سیناپس)

presynaptic neuron (cell) = نورون (سلول) پیش سیناپسی

postsynaptic neuron (cell) = نورون (سلول) پس سیناپسی

Signal / Message = پیام، سیگنال

Impulse = تکانه

Myelin sheath = غلاف میلین

Node Ranvier = گره رانویه

Action potential = پتانسیل عمل

Resting potential = پتانسیل استراحت

Reflex arc = کمان بازتابی

Axon terminals = پایانه های آکسون

Synaptic vesicles = کیسه های سیناپسی

اعضای مهم بدن انسان

Bladder = مثانه

Tongue = زبان

Kidney = کلیه

Temple = گیجگاه

Nose = بینی

Foot = پا

Eye = چشم

Hand = دست

Ankle = مچ پا

Throat = گلو

Arm = بازو

Feet = پاها

Brace / Eyebrow = ابرو

Belly / Stomach = معده

Knee = زانو

Cheek = گونه

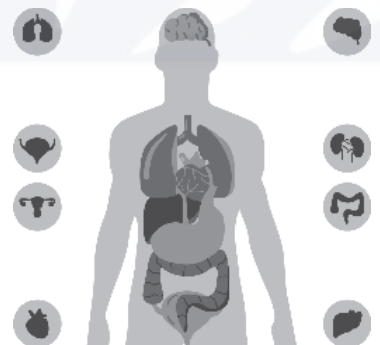
Intestine = روده

Nail = ناخن

Lips = لبها

Brain hemispheres = نیم کره های مغز

Skull = جمجمه



انواع تصویربرداری های مغز

fMRI (functional magnetic resonance imaging) = تصویربرداری رزونانس مغناطیسی عملکردی

CAT (computerized axial tomography) = توموگرافی محوری کامپیوتری

PET (positron emission tomography) = توموگرافی نشر پوزیترون

MRI (magnetic resonance imaging) = تصویربرداری رزونانس مغناطیسی



Abandon = ترک کردن، رها کردن
 Keen = تیز، زیرک
 Jealous = حسود
 Tact = تدبیر
 Oath = قسم، سوگند خوردن
 Vacant = خالی
 Hardship = سختی
 Gallant = شجاع
 Data = اطلاعات، داده‌ها
 Unaccustomed = غیرعادی
 Bachelor = مرد مجرد
 Qualify = واجد شرایط شدن
 Corpse = جنازه، جسد
 Conceal = پنهان کردن، پوشاندن
 Dismal = غمگین
 Frigid = خیلی سرد
 Inhabit = ساکن شدن
 Numb = بی‌حس
 Peril = مخاطره، خطر
 Recline = تکیه کردن
 Shriek = جیغ کشیدن
 Sinister = شیطانی
 Tempt = وسوسه
 Wager = شرط‌بندی
 Typical = نمونه، معمولی
 Minimum = حداقل
 Annual = سالی یکبار، سالانه
 Persuade = متقاعد کردن
 Essential = ضروری
 Blend = مخلوط کردن
 Visible = دیدنی، مرئی
 Expensive = گران
 Talent = استعداد
 Devise = طراحی کردن
 Wholesale = عمده‌فروشی
 Vapor = بخار
 Eliminate = حذف کردن
 Villain = آدم شرور، مجرم

Dense = فشرده، انبوه
 Utilize = به کار بردن
 Humid = مرطوب
 Theory = نظریه
 Descend = فرود آمدن
 Circulate = دور زدن
 Enormous = عظیم، بزرگ
 Predict = پیش‌بینی کردن
 Vanish = ناپدید شدن
 Tradition = سنت
 Rural = روستایی
 Campus = محوطه دانشگاه یا مدرسه
 Majority = اکثریت
 Assemble = تجمع، مونتاژ کردن
 Explore = بررسی کردن
 Topic = موضوع
 Debate = بحث
 Evade = شانه خالی کردن، فرار کردن
 Probe = جستجو
 Reform = اصلاح کردن
 Approach = نزدیک شدن
 Detect = متوجه شدن، کشف کردن
 Defect = نقص
 Employee = کارمند
 Neglect = غفلت کردن از
 Deceive = فریب دادن
 Undoubtedly = بی‌تردید
 Thorough = تمام عیار، کامل
 Client = موکل، مشتری
 Comprehensive = جامع، مفصل
 Defraud = فریب دادن، کلاهبرداری کردن
 Postpone = به تعویق انداختن
 Consent = رضایت دادن
 Massive = حجیم، بزرگ
 Capsule = کپسول
 Denounce = محکوم کردن، انتقاد کردن
 Unique = منحصر به فرد
 Torrent = سیلاب

Resent = رنجیدن، متنفر شدن
 Gloomy = تیره و تار، تاریکی، دلگیر
 Unforeseen = غیرمترقبه، پیش‌بینی نشده
 Exaggerate = مبالغه کردن
 Amateur = آماتور، ناشی
 Variety = گوناگونی، تنوع
 Valid = معتبر، قانونی
 Survive = جان سالم به در بردن
 Weird = عجیب و غریب، مرموز
 Security = امنیت، تضمین
 Bulky = تنومند، چاق
 Reluctant = ناراضی
 Obvious = آشکار، واضح
 Vicinity = محله
 Century = قرن
 Rage = خشم
 Document = سند
 Conclude = پایان دادن، به نتیجه رسیدن
 Undeniable = غیر قابل انکار
 Resist = مقاومت کردن
 Lack = کمبود، فقدان، نداشتن
 Ignore = نادیده گرفتن
 Challenge = به مبارزه طلبیدن
 Miniature = مینیاتور، ریز
 Source = منشأ، منبع
 Excel = بی‌نظیر بودن
 Feminine = زنانه
 Mount = سوار شدن، بالا رفتن
 Compete = رقابت کردن
 Dread = هراس، وحشت
 Masculine = مردانه
 Menace = تهدید، خطر
 Tendency = تمایل، گرایش
 Underestimate = کمتر از حد برآورد کردن، دست کم گرفتن
 Victorious = پیروزمنده
 Numerous = متعدد
 Flexible = انعطاف‌پذیر

Evidence = شهادت، گواه، مدرک

Solitary = آدم گوشه‌گیر، تنها

Vision = دید، خیال

Frequent = مکرر

Glimpse = نظر اجمالی

Recent = اخیر

Decade = دهه، دوره ده ساله

Hesitate = درنگ کردن، تردید داشتن

Absurd = پوچ، بی‌معنی

Conflict = اختلاف، تعارض

Minority = اقلیت، گروه اقلیت

Fiction = افسانه، خیال

Ignite = آتش زدن، روشن کردن

Abolish = لغو کردن

Urban = شهری

Population = جمعیت

Frank = رک و راست

Pollute = آلوده کردن

Reveal = آشکار کردن

Prohibit = قدغن کردن

Urgent = فوری

Decrease = کاهش دادن

Audible = قابل شنیدن، رسا

Journalist = روزنامه‌نگار

Famine = قحطی

Revive = نیروی تازه گرفتن

Commence = شروع کردن

Observant = تیز بین، هوشیار

Identify = شناختن، تشخیص دادن هویت

Migrate = مهاجرت کردن

Vessel = کشتی / ظرف / آوند / رگ

Persist = اصرار کردن

Hazy = مه‌آلود، مبهم

Gleam = نور ضعیف

Editor = ویراستار

Unruly = عنان‌گسیخته، سرکش

Rival = رقیب

Violent = خشن

Brutal = وحشیانه

Opponent = حریف، رقیب

Brawl = کتک کاری، نزاع کردن

Duplicate = تکثیر کردن

Vicious = وحشیانه

Whirling = چرخش، چرخیدن

Underdog = آدم بازنده، توسری خور

Thrust = حمله کردن

Bewildered = گیج، سردرگم کردن

Expand = گسترش دادن

Alter = اصلاح کردن، تغییر دادن

Mature = بالغ

Sacred = مقدس، مذهبی

Revise = تجدیدنظر کردن، اصلاح کردن

Pledge = تعهد

Casual = اتفاقی، غیر رسمی

Pursue = تعقیب کردن

Unanimous = هم‌عقیده

Fortunate = خوش‌شانس

Pioneer = پیشگام

Innovative = ابتکاری

Slender = لاغر، کم‌واندک

Surpass = سبقت گرفتن

Vast = وسیع

Doubt = تردید کردن

Capacity = گنجایش، ظرفیت

Penetrate = نفوذ کردن

Pierce = سوراخ کردن

Accurate = صحیح، درست

Microscope = میکروسکوپ

Grateful = سپاس‌گزار

Cautious = محتاط

Confident = مطمئن

Appeal = درخواست، علاقه

Addict = معتاد

Wary = مراقب

Aware = آگاه، دانا

Misfortune = بدشانس

Avoid = اجتناب کردن

Wretched = فلاکت‌بار

Keg = بشکه کوچک

Nourish = تغذیه کردن

Harsh = تند

Quantity = مقدار، کمیت

Opt = انتخاب کردن

Tragedy = فاجعه، حزن‌انگیز

Pedestrian = عابر پیاده

Glance = نگاه گذرا، نگاهی انداختن

Budget = بودجه

Nimble = چابک، فرز

Manipulate = دستکاری کردن

Reckless = بی‌احتیاط

Horrid = ترسناک، مهیب

Rave = هذیان گفتن

Economical = مقرون به صرفه

Lubricate = روغن کاری کردن

Ingenious = مبتکر

Harvest = درو کردن

Abundant = فراوان

Uneasy = ناراحت

Calculate = محاسبه کردن

Absorb = جذب کردن رطوبت یا آب

Estimate = تخمین زدن، ارزیابی

Morsel = لقمه

Quota = سهمیه

Threat = تهدید، خطر

Ban = منع کردن، ممنوع کردن

Panic = هراس، هول

Emerge = بیرون آمدن

Jagged = دندانه‌دار

Linger = باقی ماندن، طول کشیدن

Ambush = شلیخون زدن

Crafty = ماهر، حرفه‌ای، حقه‌باز، حيله‌گر

Defiant = نافرمان

Vigor = قدرت، توان

Perish = هلاک شدن

Fragile = شکستنی	Partial = نسبی، نا تمام	Disrupt = متلاشی کردن
Captive = اسیر جنگی، محبوس	Fierce = خشن و وحشی	Rash = عجولانه
Devour = بلعیدن، از چیزی مملو بودن	Detest = متنفر بودن	Rapid = سریع
Plea = تقاضا	Sneer = ریشخند کردن	Exhaust = تا ته مصرف کردن، خسته کردن
Weary = خسته	Scowl = اخم کردن	Severity = شدت
Collide = تصادف کردن	Encourage = تشویق کردن	Feeble = ضعیف
Confirm = تأیید کردن	Consider = درباره چیزی فکر کردن	Unite = متحد کردن، یکی کردن
Verify = درباره صحت چیزی تحقیق کردن	Vermin = آفات جانوری	Cease = متوقف کردن
Anticipate = انتظار داشتن	Wail = شیون کردن	Thrifty = صرفه جو
Dilemma = تنگنا	Symbol = نماد	Miserly = خسیس
Detour = راه انحرافی	Authority = قدرت، مقتدر	Misery = فرمانروای مطلق
Merit = شایستگی	Neutral = بی طرف	Outlaw = قانون شکن
Transmit = انتقال دادن	Trifle = امر جزئی	Promote = ترفیع دادن، ایجاد کردن
Relieve = تسکین دادن درد	Architect = معمار	Undernourished = سوء تغذیه
Baffle = سر در گم کردن	Matrimony = ازدواج	Illustrate = با مثال توضیح دادن
Warden = مسئول، نگهبان	Baggage = اسباب سفر	Disclose = فاش کردن
Acknowledge = پذیرفتن، به رسمیت شناختن	Squander = ضایع کردن	Excessive = بیش از حد
Justice = عدالت	Abroad = به کشور دیگر، خارج از کشور	Disaster = فاجعه
Delinquent = بزهکار	Fugitive = فراری	Censor = سانسور کردن
Reject = نپذیرفتن	Calamity = مصیبت	Culprit = مجرم
Deprive = محروم کردن از	Pauper = مسکین	Juvenile = نوجوان
Spouse = همسر	Envy = حسادت، حسادت ورزیدن	Bait = طعمه
Vocation = حرفه	Collapse = شکست	Insist = تاکید کردن، اصرار کردن
Unstable = متزلزل	Prosecute = وکالت شاکی را به عهده گرفتن	Toil = زحمت
Homicide = قتل، قاتل	Bigamy = داشتن دو همسر همزمان	Blunder = اشتباه بزرگ، اشتباه کردن
Penalize = اجحاف کردن، ظلم کردن	Possible = احتمال امکان،	Daze = مبهوت کردن
Beneficiary = ذی نفع، بهره مند	Compel = مجبور کردن	Mourn = سوگواری کردن
Reptile = جانور خزنده	Awkward = دست و پا چلفتی، شرمسارانه	Subside = فروکش کردن
Rarely = به ندرت	Venture = به خطر انداختن، جرات کردن	Maim = علیل کردن
Forbid = ممنوع کردن	Awesome = ترسناک، عالی	Comprehend = فهمیدن
Logical = منطقی	Guide = راهنما	Commend = تحسین کردن
Exhibit = به نمایش گذاشتن	Quench = خاموش کردن، عطش را فرو نشانیدن	Final = نهایی، قطعی
Proceed = پیش رفتن	Betray = نازو زدن، لو دادن	Exempt = معاف کردن، معاف
Precaution = احتیاط	Utter = بر زبان آوردن	Vain = مغرور، بیهوده
Extract = بیرون کشیدن	Pacify = آرام کردن	Repetition = تکرار
Prior = قبلی، قبل از	Respond = پاسخ دادن، واکنش نشان دادن	Depict = تصویر کردن، شرح دادن
Embrace = آغوش، بغل	Beckon = با اشاره فرا خواندن	Mortal = مهلک
Valiant = شجاع	Despite = بر خلاف، با وجود اینکه	Novel = نوین، جدید، رمان

Occupant = ساکن، مقیم	Hinder = به تاخیر انداختن	Resume = از سر گرفتن
Appoint = منصوب کردن، مقرر کردن	Lecture = نصیحت	Harmony = سازگار
Quarter = محل سکونت، اسکان دادن	Abuse = سوء استفاده کردن	Refrain = برگردان، خودداری کردن
Site = محل	Mumble = مین کردن	Illegal = بر خلاف قانون
Quote = نقل قول کردن، قیمت دادن	Mute = بی صدا	Narcotic = ماده مخدر
Verse = آیه، بیت	Wad = گلوله پنبه، دسته	Heir = وارث
Morality = اخلاقیات	Retain = حفظ کردن، وکیل گرفتن	Majestic = با عظمت
Roam = پرسه زدن	Candidate = کاندیدا، نامزد	Dwindle = به تدریج ضعیف شدن
Attract = جذب کردن	Precede = مقدم بودن بر	Surplus = مازاد
Commuter = مسافر هر روزه	Adolescent = نوجوان	Traitor = خائن
Confine = محبوس کردن	Coeducational = مدرسه یا دانشگاه مختلط	Deliberate = تعمق کردن
Idle = بیکار، تنبل	Radical = ریشه‌ای، افراطی، تندرو	Vandal = آدم خرابکار
Idol = بت، محبوب	Spontaneous = خودبخود، خودجوش	Drought = خشکسالی
Jest = شوخی کردن، شوخی	Skim = از روی چیزی گذشتن	Abide = تحمل کردن
Patriotic = میهنی، میهن پرستانه	Vaccinate = واکسن زدن	Unify = با هم متحد شدن
Dispute = مخالفت، جر و بحث	Untidy = نامرتب	Summit = اوج، قله
Valor = شجاعت	Utensil = ابزار	Biography = شرح حال
Lunatic = احمق	Sensitive = حساس، زود رنج	Drench = خیس کردن
Vein = سیاهرگ، رگه	Temperate = معتدل	Swarm = گله
Uneventful = بی حادثه، بدون رویداد مهم	Vague = مبهم، دو پهلو	Wobble = لرزیدن، لرزش
Fertile = بارور شده، حاصلخیز	Elevate = بلند کردن، ارتفاع دادن	Tumult = غوغا
Refer = اشاره کردن، ارجاع کردن	Lottery = بخت آزمایی	Kneel = زانو زدن
Distress = درماندگی، مخمصه	Finance = امور مالی	Dejected = افسرده
Diminish = کاهش دادن، تضعیف کردن	Obtain = به دست آوردن	Obedient = مطیع
Maximum = حداکثر	Cinema = سینما	Recede = عقب رفتن
Flee = فرار کردن	Event = اتفاق، مسابقه	Tyrant = ظالم
Vulnerable = آسیب پذیر، حساس	Discard = دور انداختن	Charity = صدقه، بخشش، خیریه
Signify = معنی دادن، مهم بودن	Soar = اوج گرفتن	Verdict = رای، عقیده
Mythology = اسطوره شناسی	Subsequent = بعدی	Unearth = از زیر خاک بیرون کشیدن
Colleague = همکار	Relate = ربط داشتن	Depart = ترک کردن، فوت کردن
Torment = درد و رنج، عذاب دادن	Stationary = ثابت	Coincide = همزمان بودن
Provide = تامین کردن	Prompt = باعث شدن	Cancel = باطل کردن
Loyalty = وفاداری	Hasty = شتاب زده، عجول	Debtor = بدهکار
Volunteer = داوطلب	Scorch = جای سوختگی	Legible = خوانا
Prejudice = پیش داوری، لطمه	Tempest = طوفان	Placard = اعلان، پوستر، اعلامیه رسمی
Shrill = گوش خراش	Soothe = آرام کردن، تسکین دادن	Contagious = مسری، واگیر
Jolly = شاد، خوش	Sympathetic = هم درد، دلسوز	Clergy = روحانیت
Witty = شوخ	Redeem = باز خریدن، جبران کردن	Customary = مرسوم، رایج

یکی از رایج‌ترین اتفاقات این است که داوطلبان ریشه فعلی را به خاطر می‌سپارند اما هنگامی که شکل زمانی دیگری از همان فعل را در متن می‌بینند متأسفانه قادر به تشخیص فعل اصلی نیستند. در اینجا لیستی از اشکال سه‌گانه مهم‌ترین افعالی که در متون مختلف به کار برده می‌شوند را همراه با معنی برای شما آماده کرده‌ایم. حفظ همه اشکال سه‌گانه واجب نیست، اما شدیداً پیشنهاد می‌کنیم در بازه‌های زمانی مختلف این لیست را مرور کنید تا ملکه ذهن شما شود و الگوهای تبدیل این اشکال سه‌گانه برای شما آشنا باشد. از یادگیری (نه حفظ!) شکل ساده هر فعل با معنی فارسی آن غافل نشوید و حتماً چندین بار آن را تکرار کنید.

معنی	Simple Present	Simple Past	Past Participle
برخاستن	arise	arose	arisen
بیدار شدن	awake	awoke	awoke/awaken
بودن	be = am-is-are	was-were	been
تحمل کردن	bear	bore	born
زدن	beat	Beat	beaten
شدن	become	became	become
اتفاق افتادن	befall	befell	befallen
شروع کردن	begin	began	begun
خم شدن	bend	bent	bent
شرط بستن	bet	bet	bet
گاز گرفتن	bite	bit	bitten
خون آمدن	bleed	bled	bled
وزیدن	blow	blew	blown
شکستن	break	broke	broken
آوردن	bring	brought	brought
ساختن	build	built	built
سوختن	burn	burnt	burnt
ترکیدن	burst	burst	burst
خریدن	buy	bought	bought
گرفتن	catch	caught	caught
انتخاب کردن	choose	chose	chosen
چسبیدن	cling	clung	clung
آمدن	come	came	come
ارزش داشتن	cost	cost	cost
خزیدن	creep	crept	crept
بریدن	cut	cut	cut
معامله کردن	deal	dealt	dealt
شیرجه رفتن	dive	dived/dove	dived
انجام دادن	do	did	done
رسم کردن	draw	drew	drawn
خواب دیدن	dream	dreamt	dreamt
نوشیدن	drink	drank	drunk

معنی	Simple Present	Simple Past	Past Participle
راندن	drive	drove	driven
خوردن	eat	ate	eaten
افتادن	fall	fell	fallen
غذا دادن	feed	fed	fed
احساس کردن	feel	felt	felt
جنگیدن	fight	fought	fought
پیدا کردن	find	found	found
متناسب بودن	fit	fit / fitted	fit / fitted
فرار کردن	flee	fled	fled
لگد زدن	fling	flung	flung
پرواز کردن	fly	flew	flown
ممنوع ساختن	forbid	forbade	forbidden
فراموش کردن	forget	forgot	forgotten
بخشیدن	forgive	forgave	forgiven
یخ زدن	freeze	froze	frozen
به دست آوردن	get	got	gotten/got
دادن	give	gave	given
رفتن	go	went	gone
خرد کردن	grind	ground	ground
رویدن	grow	grew	grown
آویزان کردن	hang	hung / hanged	hung / hanged
داشتن	have	had	had
شنیدن	hear	heard	heard
مخفی کردن	hide	hid	hidden
زدن	hit	hit	hit
نگاه داشتن	hold	held	held
صدمه زدن	hurt	hurt	hurt
نگاه داشتن	keep	kept	kept
زانو زدن	kneel	knelt	knelt
بافتن	knit	knit	knit
دانستن	knew	knew	known
گذاشتن	lay	laid	laid
ترک کردن	leave	left	left
قرض دادن	lend	lent	lent
اجازه دادن	let	let	let
دراز کشیدن	lie	lay	lain
روشن کردن	light	lit	lit

معنی	Simple Present	Simple Past	Past Participle
گم کردن	lose	lost	lost
ساختن	make	made	made
معنی دادن	mean	meant	meant
ملاقات کردن	meet	met	met
پرداختن	pay	paid	paid
ثابت کردن	prove	proved	proved / proven
گذاشتن	put	put	put
ترک کردن	quit	quit	quit
خواندن	read	read	read
سوار شدن	ride	rode	ridden
زنگ زدن	ring	rang	rung
برخاستن	rise	rose	risen
دویدن	run	ran	run
اره کردن	saw	sawed	sawed / sawn
گفتن	say	said	said
دیدن	see	saw	seen
جست و جو کردن	seek	sought	sought
فروختن	sell	sold	sold
فرستادن	send	sent	sent
غروب کردن	set	set	set
دوختن	sew	sewed	sewn / sewed
تکان دادن	shake	shook	shaken
تراشیدن	shave	shaved	shaved / shaven
قیچی کردن	shear	sheared	sheared / shorn
درخشیدن	shine	shone / shined	shone / shined
تیراندازی کردن	shoot	shot	shot
نشان دادن	show	showed	shown / showed
چروک شدن	shrink	shrank / shrunk	shrunk / shrunken
بستن	shut	shut	shut
آواز خواندن	sing	sang	sung
در آب فرو رفتن	sink	sank	sunk
نشستن	sit	sat	sat
ذبح کردن	slay	slew	slain
خوابیدن	sleep	slept	slept
سریدن	slide	slid	slid
دزدکی راه رفتن	sneak	sneaked / snuck	sneaked / snuck
صحبت کردن	speak	spoke	spoken

معنی	Simple Present	Simple Past	Past Participle
سرعت گرفتن	speed	sped	sped
خرج کردن	spend	spent	spent
ریختن	spill	spilled / spilt	spilled / spilt
چرخاندن	spin	spun	spun
تف کردن	spit	spat / spit	spat / spit
از هم جدا کردن	split	split	split
پخش کردن	spread	spread	spread
ایستادن	stand	stood	stood
دزدیدن	steal	stole	stolen
چسبیدن	stick	stuck	stuck
نیش زدن	sting	stung	stung
پاشیدن	strew	strewed	strewn
زدن	strike	struck	struck / stricken
کوشش کردن	strive	strove / strived	striven / strived
قسم خوردن	swear	swore	sworn
جارو کردن	sweep	swept	swept
شنا کردن	swim	swam	swum
تاب خوردن	swing	swung	swung
گرفتن	take	took	taken
درس دادن	teach	taught	taught
گفتن	tell	told	told
فکر کردن	think	thought	thought
انداختن	throw	threw	thrown
فهمیدن	understand	understood	understood
واژگون کردن	upset	upset	upset
بیدار کردن	wake	Woke	woken
پوشیدن	wear	Wore	worn
بردن	win	won	won
عقب کشیدن	withdraw	Withdrew	withdrawn
نوشتن	write	Wrote	written
برخاستن	arise	arose	arisen
بیدار شدن	awake	awoke	awoke/awaken
بودن	be = am-is-are	was-were	been
تحمل کردن	bear	bore	born
زدن	beat	Beat	beaten
شدن	become	became	become
اتفاق افتادن	befall	befell	befallen

Abandon = ترک کردن، کنار گذاشتن

Abandonment = ترک

Abandonment = کنار گذاشتن

Abate = فروکش کردن، کاستن

Aberration = انحراف، گمراهی

Abnormal = ناهنجار، غیرعادی

Abolish = از بین رفتن، لغو کردن

Abrupt onset = شروع ناگهانی

Abruptly = ناگهان، به تندی

Absence = عدم حضور، غیبت

Absorb = جذب شدن، فرو رفتن

Abuse = سوءرفتار، آزار دادن

Academic achievement = دستاوردهای تحصیلی

Academic standards = استانداردهای آموزشی

یا تحصیلی

Academic subject = رشته دانشگاهی

Acceptance = پذیرش

Acclaim = مورد تحسین، تحسین کردن، ادعا کردن

Accommodation = انطباق، سازش

Account for = مسئول چیزی بودن، شامل شدن

Acculturation = فرهنگ‌پذیری

Accumulating = رو به فزونی

Accumulation = تراکم، تجمع

Accuracy = دقت، درستی

Accurate = درست، دقیق

Achievable = دست‌یافتنی

Achiever = کامیاب

Acknowledge = تصدیق کردن، اعتراف کردن

Acquire = کسب کردن

Acquisition = فراگیری

Actual lived experience = تجربه واقعاً زیسته،

تجربه زندگی واقعی

Adaptation = سازگاری، انطباق

Addiction = اعتیاد

Add up = جمع کردن، افزایش یافتن

Adept = ماهر، زبردست

Adequate = کافی

Adherence = پایبندی، طرفداری، تبعیت

Adherents = پیروان، طرفداران

Adjacent = مجاور

Adjunct = الحاقی، مکمل، ضمیمه

Administer = انجام دادن، اداره کردن، نظارت کردن

Admirable = تحسین‌برانگیز

Admit = اعتراف کردن

Adolescence = نوجوانی

Adopt = پذیرفتن، اتخاذ کردن

Advantage = مزیت، برتری، مفید بودن

Advantages and disadvantages = مزایا و

معایب

Advent = پیدایش، ظهور

Advertising = تبلیغات، آگهی تجاری

Affective state = حالت خلقی

Agitated depression = افسردگی آشفته‌وار

Agoraphobia = گذرهراسی، برزن‌هراسی

Agricultural = کشاورزی، زراعتی

Alienate = بیگانه کردن، انتقال دادن

Allure = تطمیع کردن، به دام انداختن، شیفتگی

Alternative = جایگزین، متناوب

Alternatively = به طور متفاوت

Ambiguous = مبهم، چندپهلو

Ambition = جاه‌طلبی، آرزو

Ambitious people = افراد جاه‌طلب یا آرزومند

American Psychological Association = انجمن

روانشناسی آمریکا

Analysis = تجزیه و تحلیل

Analysts = تحلیل‌گران

Analytical psychology = روانشناسی تحلیلی

Ancient = کهن، باستانی

Ancient civilizations = تمدن‌های کهن

Animal experiments = آزمایش‌های حیوانی

Anonymous = گمنام، ناشناخته

Anticipate = پیش‌بینی

Anti-psychiatry = ضد-روانپزشکی

Anxious mood = خلق مضطرب

Apathetic = بی‌تفاوت، دل‌مرده

Apoplexy = سکته ناقص

Apparently = ظاهراً، آشکارا

Applied behaviour analysis = تحلیل رفتار

کاربردی

Approve = تأیید کردن، موافقت کردن

Archetypal = کهن‌الگوی

Architects of the movement = عاملان یا طراحان

جنبش

Argue = مشاجره کردن، بحث کردن، استدلال

آوردن

Arousal = برانگیختگی، تحریک

Arrayed along = در امتداد هم چیده شده

Article = ماده، مقاله

Artificial environment = محیط مصنوعی

Artificial intelligence = هوش مصنوعی

Ashamed of = شرمگین از

Aspire = مشتاق بودن، آرزو داشتن

Asset-focus = موهبت-محور

Assimilation = ادغام، جذب، هضم

Association = انجمن، مشارکت، همراهی

Attention-deficit hyperactivity disorder

اختلال بیش‌فعالی-نقص توجه (ADHD)

Attic = اتاق زیر شیروانی

Audio-recording vest = جلیقه ضبط صدا

Authorities = صاحب‌نظران، مقامات عالی‌رتبه

Autism spectrum disorders = اختلالات طیف

اوتیسم

Autonomously = خودگردان، مستقل

Avoidant attachment = دلبستگی اجتنابی

Axe = محور، تبر

Babble = غان‌وغون کردن، سخن بیهوده، یاوه

گفتن

Baby talk = کلام بچگانه

Balance = تعادل، هم‌سنگی

Banish = تبعید کردن، اخراج کردن

Baseline = مبنا، خط پایه

Settle = فرو نشستن، تسویه کردن، مقیم شدن

Behavioral principles = اصول رفتاری

Behaviourism = رفتارگرایی

Behaviourists = رفتارگرایان

Behind-the-scenes = پشت صحنه

Belong = تعلق داشتن

Beneficial = سودمند

Benign = خوش خیم، خوشایند، مهربان

Beyond = فراتر

Biological = زیستی

Bipolar disorder = اختلال دوقطبی

Birthdate = روز تولد

Bizarre = عجیب

Blindness = نابینایی

Blind sight = بینایی ناآگاهانه

Block = مسدود شدن، دفاع کردن

Body of knowledge = پیکره دانش

Boom years = سال‌های پر رونق

Boredom = ملالت، بی‌حوصلگی

Borrow = وام گرفتن، قرض کردن

Bounced check = چک برگشتی

Brain chemists = شیمی‌دانان مغز

Brain injuries = آسیب‌های مغزی

Brain processes = فرایندهای مغزی

Brain states = حالات مغزی

Bridge hypothesis = فرضیه پیوند یا پل زدن

Bridged divide = شکاف پُر شده

Bridge = پل زدن، پل

Bright = باهوش

Brilliant = ممتاز، باهوش

Bring about = باعث شدن، تحقق بخشیدن

پرورش یافتن

Built-in = ذاتی، درونی

Bully = زورگویی کردن، قلدر

Bungle = سرهم‌بندی، سمبل کردن

Burial = خاکسپاری

Business district = منطقه تجاری

Business-as-usual = مثل همیشه، طبق معمول

Calibrate = درجه‌بندی کردن، وفق دادن، سنجیدن

Calory overload = اشباع کالری

Cancer = سرطان

Candour = صراحت، رک‌گویی

Cannon of Medicine = قانون پزشکی

Capitalism = سرمایه‌سالاری

Cardiac rehabilitation = بازپروری قلبی

Cardiac stroke = سکته قلبی

Cardiovascular = قلبی-عروقی

Carry out = به انجام رسانیدن، پیش بردن

Cast doubt on = زیر سؤال بردن، به شبهه انداختن

Catalyst = تسهیل‌گر

Cerebral palsy = فلج مغزی

Challenge = چالش

Champion = دفاع کردن، پشتیبانی کردن، قهرمان

Chaotic = آشفته، نامنظم

Characteristic = مشخصه، خصوصیت

Characteristically = اساساً، مشخصاً

Chatter = پیچ حرف زدن

Cheat = فریب دادن، خیانت کردن، فریب، خیانت

Cherished = ارزنده، عزیز

Child development = رشد کودک

Child labor laws = قوانین حقوق کار کودکان

Childhood experiences = تجارب دوران کودکی

Circles = محافل

Circumstance = شرایط

Class system = ساختار طبقاتی

Classical conditioning = شرطی‌سازی کلاسیک

Classify = طبقه‌بندی کردن

Clear cut = روشن، واضح، قطعی

Client-centered = مراجع-محور

Client-centered therapy = درمان مراجع محور

Clinical method = روش بالینی

Clinical psychology = روانشناسی بالینی

Clinicians = بالینگران

Closed places = مکان‌های بسته

Cluster = دسته کردن، جمع شدن، گروه

Clutter = درهم ریختن، شلوغی، بی‌نظمی

Cognitive = شناختی

Cognitive approach = رویکرد شناختی

Cognitive functioning = کارکرد شناختی

Cognitive intelligence = هوش شناختی

Cognitive neuroscience = علم اعصاب شناختی

Cognitive psychology = روانشناسی شناختی

Cognitive science = علم شناختی

Cognitive style = سبک شناختی

Cognitivism = شناخت‌گرایی

Coherent = منطقی، یکپارچه، منسجم

Coincident with = همزمان با

Collaborative = همکاری، مشارکتی

Color = رنگ، رنگ کردن، دگرگون کردن

Commercial area = منطقه بازرگانی

Comparable = قابل مقایسه، قیاس‌پذیر

Competence = توانش

Competitive game = بازی رقابتی

Complex human behaviour = رفتار پیچیده انسان

Complex of = ترکیبی از

Complexities = پیچیدگی‌ها

Complexity = پیچیدگی

Compliant = سرسپرده

Complicate = پیچیده ساختن

Comprehensive = فراگیر، جامع

Comprehensively = به طور جامع

Computational models = مدل‌های محاسباتی

Computer technology = فناوری رایانه

Conceptualize = مفهوم‌سازی

Conditioning theories = نظریات شرطی‌سازی

Conducive = سودمند

Confidentiality = محرمانگی

Congenitally deaf = ناشنوای مادرزاد

Congruity = همخوانی

Connection-forming activity = فعالیت ایجاد

اتصال

Consciousness = هشیاری

Consensus = توافق

Conservers = محافظه‌کاران

Consistent with = همخوان با

Construct = ساختن، بنا کردن، سازه

Constructivism = ساخت‌گرایی

Contained within = گنجاندن در

Contemplate = دست زدن به، مرتکب شدن
 Contemporary humanistic thinkers = متفکران انسان‌گرای معاصر
 Content of dreams = محتوای رویاها
 Contention = ادعا
 Contest = بحث کردن، رقابت، جدال
 Contingency-shaped behaviors = رفتارهایی که بر حسب احتمال یا شانس شکل می‌گیرند
 Contingent on/ upon = وابسته به، مشروط به
 Contradict = متضاد، مخالف
 Contribution = کمک، همکاری
 Contributors = مشارکت‌کنندگان
 Controversial = بحث‌برانگیز
 Controversies = مناقشات، اختلاف نظرات
 Conventionally = قراردادی
 Convergence = همگرایی، همسانی
 Convert = تبدیل کردن
 Cope with distress = مقابله با استرس
 Coping mechanisms = سازوکارهای کنار آمدن
 Coping responses = پاسخ‌های مقابله‌ای
 Corollary = پیامد، برآمد
 Correctional facilities = مؤسسات بازپروری
 Correspondence = مشابَهت
 Cortex = قشر مخ
 Counseling = مشاوره
 Counterbalance = برابر سازی کردن، تعادل برقرار کردن
 Counterpart = همتا، رونوشت، نقطهٔ مقابل
 Cravings = عطش‌ها، امیال
 Creative ability = توانایی خلاقانه
 Credibility = باورپذیری
 Crisis intervention teams = گروه‌های مداخله در بحران
 Criterion keying = کلیدگذاری ملاکی
 Critical = انتقادی
 Criticize = انتقاد کردن، عیب‌جویی کردن
 Crowded sidewalk = پیاده‌روی پر جمعیت
 Conditioned stimulus (CS) = محرک شرطی
 Cultivation = پرورش، زراعت، درک

Cultural models = الگوهای فرهنگی
 Culturally appropriate = مناسب از نظر فرهنگی
 Cumulative = متراکم، فزاینده
 Curriculum = برنامهٔ آموزشی، برنامهٔ درسی
 Custodial institutions = مؤسسات بازداشتی
 Cut-off threshold = آستانهٔ برش
 Cycling = دوچرخه‌سواری
 Damaging = آسیب‌رسان
 Date back = برگشتن به
 Dealer = فروشنده
 Death penalty = مجازات اعدام
 Deceitfulness = فریبکاری
 Decision = تصمیم
 Decision-making = تصمیم‌گیری
 Deficiencies = کاستی‌ها، نواقص
 Deficit-focus = کاستی-محور، متمرکز بر کاستی
 Dehumanize = انسان‌زدایی کردن
 Deists = خدا باورها
 Delayed effects = اثرات دیر هنگام
 Delay = به تاخیر انداختن، تعلل، تأخیر
 Delinquency = بزهکاری
 Delusion = هذیان
 Dementia = دمانس، زوال عقل
 Depict = به تصویر کشیدن
 Depth Psychology = روانشناسی ژرف‌نگر
 Descriptive = توصیفی
 Designate = اشاره داشتن، اختصاص داشتن
 Designation = تعیین، نام‌گذاری
 Designing techniques = فنون طراحی
 Desirability = مطلوبیت
 Desire = تمایل داشتن، میل، آرزو
 Destine = مقدر کردن، در نظر گرفتن
 Determinants = عوامل تعیین‌کننده
 Determine = تعیین کردن
 Determinism = جبرگرایی
 Detrimental = زیان‌آور، آسیب‌زننده
 Developmental psychology = روانشناسی رشد
 Developmental theory = نظریهٔ رشدی

Diagnostic tool = ابزار تشخیصی
 Dichotomy = دوگانگی
 Digestive system = ساختار گوارش
 Diminish = کاستن، ضعیف کردن
 Disallowed = مردود، غیرمجاز
 Disapproving = مخالفت‌آمیز
 Discourage = دلسرد کردن
 Discoveries = اکتشافات، دستاوردها
 Discriminate = تشخیص دادن، تبعیض قائل شدن
 Discrimination value = ارزش (خاصیت) جداسازی
 Disequilibrium = عدم تعادل، عدم ثبات
 Dismiss = رد کردن، مرخص کردن، عزل کردن
 Disorganized = نابسامان، بی‌نظم
 Disposition = سرشت
 Disrupt = از هم گسیختن، مختل کردن
 Dissociation = گسستگی
 Distinct developmental stage = مرحلهٔ رشدی متفاوت
 Distinct types = گونه‌های مجزا یا متفاوت
 Distinction = تمایز، برتری، تفاوت، تشخیص
 Distorted data = داده‌های تحریف شده
 Distorted obser = مشاهدات تحریف شده
 Distracting = پرت‌کنندهٔ حواس
 District = ناحیه، منطقه
 Disturbance = اختلال، پریشانی، ناراحتی
 Disturbed state = حالت پریشانی
 Diverse = گوناگون، متنوع
 Diversification = تنوع
 Divide into = تقسیم شدن به
 Dividing line = مرز
 Divorce = طلاق
 Domain = زمینه، حوزه
 Dominance = غلبه، سلطه
 Dominant = غالب، سلطه‌جو
 Dominated by = زیر سلطه
 Double binds = تنگنا
 Draw conclusion = نتیجه گرفتن
 Dream researcher = پژوهشگر حیطهٔ رویا

Dreamer = رویابیننده	Evolutionary = فرگشتی، تکاملی	Fell on deaf ears = شنیده نشد
Drift along = بی‌هدف پیش رفتن	Excitability = تحریک‌پذیری	Feng Shui = فنگ‌شویی، ایجاد هارمونی با عناصر طبیعی
Drug companies = شرکت‌های دارویی	Excitement = برانگیختگی	Fertile = بارور
Dubbed = نام نهادن، لقب دادن	Exigencies = ضروریات	Field of vision = حوزه بینایی
Dyslexia = نارساخوانی، خوانش‌پریشی	Existential philosophy = فلسفه وجودی	Fighting against = مبارزه علیه
Earlier = پیش‌تر، قبل‌تر	Existential psychologists = روانشناسان وجودی	Figure out = فهمیدن
Education systems = ساختارهای آموزشی	Existential school = مکتب وجودی	First person = اول شخص
Educator - counsellor = مربی-مشاور	Existing facts = حقایق موجود	Flashcards = فلش‌کارت‌ها، کارت‌های تصویری
Egocentrism = خودمحوری	Expected facts = حقایق مورد انتظار	Flinch = به خود لرزیدن، خود را عقب کشیدن، جا خوردن
Egoism = خودبینی	Experiment = تجربه، آزمون	Flow = سلاست، روانی
Elaborate on = توضیح دادن بیشتر	Experimental approach = رویکرد تجربی	Fluent conversation = گفتگوی روان
Eliminate = حذف کردن	Experimental psychology = روانشناسی تجربی	Forensic settings = حوزه‌های قضایی
Elusive = فرار، گریزان	Experimental tasks = تکالیف آزمایشگاهی	Formulated = تدوین شده
Emotional highs and lows = فراز و نشیب‌های هیجانی	Experimentation = آزمایش	Foster = پرورش دادن، ترویج دادن، در سر داشتن
Emotional intelligence = هوش هیجانی	Experimenter = آزمایشگر	Fragmented parts = اجزای گسسته و پراکنده
Empathy = همدلی	Experts = متخصصان	Framework = چهارچوب
Empirical base = مبنای تجربی	Explosive = جنجالی	Free will = اراده آزاد
Empirical psychology = روانشناسی تجربی	Expressive = رسا، بیانگر، بیانی	Fresh eye = دید تازه
Empirical research = پژوهش تجربی	Expressive aphasia = زبان‌پریشی بیانی	Freudian psychodynamic = روان‌پویشی فرویدی
Empirically = تجربی	Expulsion from school = بیرون راندن یا اخراج از مدرسه	Frustrations = ناکامی‌ها
Enactment = فعلیت بخشیدن	Extensive observations = مشاهدات گسترده	Fulfillment = تحقق
Encompasse = در بر داشتن	Extraversion = برون‌گرایی	Full blown = تمام عیار
Encourage = تشویق و تقویت کردن	Fabricate = تقلید کردن، جعل کردن، داستان بافتن	Functional organization = سازماندهی کارکردی
End-product = محصول نهایی	Factor analysis = تحلیل آماری	Fundamental assumptions = فرضیات اساسی
Engagement = درگیری، تعهد، پذیرش	Facts and figures = آمار و ارقام	Fundamental frequency = بسامد پایه
Engender = ایجاد شدن	Faint = ضعیف	Further afield = در سرزمینی دورتر، با فاصله‌ای بیشتر
Entangling = درهم‌تنیده	Fairly = نسبتاً	Galvanic skin response = پاسخ گالوانیک پوست
Epilepsy = صرع	Fairy tale = افسانه‌ای	Gardner's theory of multiple intelligences = نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر
Epiphenomenon = پدیده همایند یا ثانویه	Fall into = تقسیم شدن	Gender = جنسیت
Episodes = دوره‌ها	Familiarity = آشنایی	Gender differences = تفاوت‌های جنسیتی
Episodic memory = حافظه رویدادی یا سرگذشتی	Family counselling = مشاوره خانواده	General intelligence = هوش عمومی
Equilibration = تعادل جویی	Family relationships; روابط خانوادگی	General Problem Solver = برطرف‌کننده مسائل عمومی
Erroneous = نادرست	Far from = به هیچ وجه، اصلاً	Generalization = تعمیم
Estimation = برآورد	Far side = دورترین نقطه	Generation = نسل
Ethical codes = اصول اخلاقی	Far transfer = انتقال طولانی‌مدت (مثلاً انتقال مفاهیم یادگرفته شده در مدرسه به امور خارج از مدرسه در سال‌ها بعد)	Generative Grammar = دستور زایشی
Euthanasia = مرگ خودخواسته	Fatigue = خستگی	

یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین انواع نقش‌ها در متون روانشناسی کنکور کارشناسی ارشد، قیدها هستند. در بسیاری از موارد که قید فعل مرتبط را توصیف می‌کند، به راحتی می‌تواند معنی جمله را تحت‌تاثیر قرار دهد و بنابراین می‌تواند یکی از جذاب‌ترین دستاویزها برای طراحان محترم باشد. به همین منظور، در این بخش از ضمائم، کلیه قیود مهم ادوار گذشته کنکور کارشناسی ارشد را در یک مکان گرد هم آورده‌ایم (با هر سطحی که هستید، حتماً این بخش را کامل بیاموزید). این بخش از ضمائم را حتماً در دو ماه باقی‌مانده به کنکور مطالعه کنید. در ستون مقابل هر کلمه، کلمات مشابه آوایی، املائی و معنایی هر لغت را از فصول ده‌گانه همین کتاب (بدون مراجعه به فصل‌های قبل و صرفاً آنچه را که به یاد دارید) به همراه ریشه هر کلمه و معنی فارسی بنویسید.

کلمه	یادداشت (ریشه / مشابه آوایی، املائی، معنایی و ...)
Abruptly = به طور ناگهانی	Abrupt = ناگهانی / Sudden = ناگهان / Suddenly = ناگهانی
Absolutely = کاملاً	Absolute = مطلق، دلخواه / Arbitrary = مطلق، کامل
Accordingly = نتیجتاً	
Accurately = دقیقاً	
Actually = واقعاً، عملاً، در حقیقت	
Adversely = بالعکس، به طور مخالف، به طور مغایر	
Anxiously = به طور نگران، مشتاقانه	
Arbitrarily = خودسرانه، مستبدانه	
Autonomously = به طور خودگردان، به صورت ارادی	
Broadly = به طور گسترده	
Carefully = با دقت	
Certainly = قطعاً، مطمئناً، یقیناً	
Changeably = به طور قابل تغییر	
Characteristically = به طور مشخص	
Chiefly = به طور عمده، مخصوصاً	
Clearly = به وضوح، به طور شفاف	
Closely = به دقت	
Commonly = معمولاً، عموماً، به طور عادی	
Comparatively = نسبتاً، به طور نسبی	
Completely = کاملاً	
Constantly = به طور مداوم	
Continually = به طور پیوسته	
Conventionally = بر طبق قرارداد، قراردادی	
Culturally = به لحاظ فرهنگی	
Definitely = قطعاً، عیناً	
Differently = به طور متفاوت	
Directly = مستقیماً، به طور مستقیم	
Dramatically = به طور چشمگیری	
Dynamically = به صورت پویا	
Easily = به آسانی، به راحتی	
Economically = از لحاظ اقتصادی	
Empirically = به صورت تجربی	

کلمه	یادداشت (ریشه / مشابه آوایی، املائی، معنایی و...)
Endlessly = به طور بی‌وقفه	
Entirely = کاملاً	
Equally = به طور مساوی، به طور برابر	
Especially = خصوصاً	
Exactly = دقیقاً	
Exactly = دقیقاً، کاملاً، عیناً	
Exclusively = به صورت انحصاری	
Experimentally = عملاً، به طور تجربی	
Explicitly = صریحاً	
Extremely = شدیداً، فوق العاده، به شدت	
Fairly = منصفانه	
Finally = سرانجام، نهایتاً	
Firmly = قاطعانه، استوارانه	
Forcibly = به اجبار، به طور اجباری، اجباری	
Formally = رسماً، به طور رسمی	
Fortunately = خوشبختانه	
Frequently = مکرراً، غالباً	
Fundamentally = اساساً	
Genetically = به صورت ژنتیکی	
Gradually = به تدریج، رفته رفته	
Greatly = تا حد زیادی	
Haphazardly = به طور تصادفی	
Heavily = شدیداً، به شدت	
Hierarchically = به طور سلسله مراتبی، سلسله مراتبی	
Highly = به شدت، خیلی	
Hardly = به سختی، به شدت، به ندرت	
Immediately = بلافاصله، فوراً	
Implicitly = ضمناً، به طور ضمنی	
Impolitely = بی ادبانه	
Inadequately = به طور ناکافی	
Inadvertently = سهواً	
Increasingly = بیش از پیش، به طور فزاینده	
Incredibly = به طور باورنکردنی، به غایت	
Independently = مستقلاً	
Indirectly = به طور غیر مستقیم	
Inevitably = ناچاراً، به ناچار	
Infernally = به طور ذهنی	
Initially = ابتدا، اولاً، ابتدا	

کلمه	یادداشت (ریشه / مشابه آوایی، املائی، معنایی و...)
Instinctively = به طور غریزی	
Keenly = شدیداً / تیزهوشی	
Likely = احتمالاً، شاید	
Loosely = آزادانه	
Magically = به طور جادویی	
Mainly = عمدتاً	
Meaningfully = به صورت معنادار	
Mentally = از لحاظ ذهنی	
Merely = صرفاً، فقط	
Mutually = متقابلاً	
Namely = به طور مثال / به عبارت دیگر	
Necessarily = لزوماً	
Negatively = به صورت منفی، وارونه	
Newly = جدیداً	
Noticeably = به طور قابل توجه	
Openly = علناً، بی‌پرده	
Orderly = به صورت منظم	
Ordinarily = به طور معمول	
Overly = بیش از حد	
Paradoxically = به طور متناقض	
Partially = تا حدودی	
Particularly = مشخصاً، مخصوصاً	
Partly = نسبتاً	
Physically = از لحاظ جسمی	
Physiologically = از نظر فیزیولوژیکی	
Positively = به صورت مثبت، مثبت	
Possibly = احتمالاً، بالقوه	
Precisely = دقیقاً	
Previously = قبلاً	
Primarily = در درجه اول، عمدتاً، اساساً	
Probably = احتمالاً	
Properly = به طور درست، به خوبی	
Proportionally = نسبتاً، به نسبت	
Psychoanalytically = روانکاوانه	
Purely = صرفاً، خالصانه	
Quickly = به سرعت	
Rarely = به ندرت، ندرتاً	
Reasonably = به صورت منطقی	

کلمه	یادداشت (ریشه / مشابه آوایی، املائی، معنایی و...)
Really = واقعاً	
Recently = اخیراً	
Recklessly = با بی پروایی	
Relatively = به طور نسبی	
Repeatedly = مکرراً	
Roughly = تقریباً	
Routinely = به طور معمول	
Scarcely = ندرتاً، به ندرت	
Scientifically = از نظر علمی	
Seemingly = ظاهراً	
Severely = شدیداً	
Similarly = به همین ترتیب	
Simultaneously = همزمان، ضمناً	
Slightly = کمی، اندکی	
Solely = صرفاً، فقط، منحصرأ	
Strongly = قویاً	
Subjectively = ذاتاً، به طور ذهنی یا باطنی	
Substantially = اساساً	
Suddenly = ناگهانی، به صورت اتفاقی	
Superficially = به طور ظاهری، به صورت سطحی	
Systematically = به طور سیستماتیک، مرتباً	
Temporarily = موقتاً	
Terribly = خیلی، به طور وحشتناک	
Tightly = به طور محکم	
Totally = کاملاً، کلاً	
Typically = معمولاً	
Uncritically = بی رحمانه	
Undoubtedly = مسلماً، بی شک	
Unequivocally = به وضوح	
Unfortunately = متأسفانه، بدبختانه	
Uniformly = به صورت یکنواخت، به طور متحد	
Uniquely = منحصرأ	
Vaguely = به صورت مبهم	
Verbally = به صورت شفاهی، به صورت کلامی	
Veridically = به راستی	
Virtually = تقریباً، عملاً/ به صورت مجازی	
Voluntarily = داوطلبانه، به طور ارادی	
Widely = به صورت گسترده، به شدت	